www.nasimjonoub.com
سال یازدهم - شماره ۵۴۴ - یکشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۸ صفحه - ۲۵۰ تومان



مهندس تبادار:

نباید اختلافات جزئی در دیدگاهها باعث شود تا اهمیت انتخابات ریاست جمهوری مورد غفلت قرار گیرد

صفحه ۸



کللی فرد سرمربی شاهین بوشهر:

جنگ داخلی، ما را آشفته کرده

صفحه ۷

اصلاحات به کدامین سو می رود؟



میرحسین موسوی، صادقانه برای ایجاد تغییر

کروبی کجا ایستاده است؟

سید محمد خاتمی

شعار ما میتوانیم دولت نهم، نفس نایبند را به شماره انداخت

صفحه ۳

کارگران در روز کارگر، نگرانند

صفحه ۵

این روزها بر معلمان چگونه می گذرد؟

صفحه ۶

جشن خود کفایی سیمان و سال اصلاح الگوی مصرف!

گزارش لحظه به لحظه از آن چه در جشن خودکفایی سیمان در کنگان گذشت

ابراهیم دانش - خبرنگار هفته نامه نسیم جنوب در حوزه جنوبی استان بوشهر



رسانه ملی خبر نوید بخشی را تبلیغ می نماید؛ شبکه استانی بوشهر هم به جمع مبلغین اضافه می شود. موضوع خبر و اینکه چه مهمی قابل وقوع است؛ برایم جالب توجه است؛ مسافرتم را خلاصه نموده و خود رابه شهرآبدان میرسانم؛ تا مهیای حضور شوم .

برابر اعلام قبلی قرار است؛ با حضور دکتر احمدی نژاد رییس جمهور؛ جشن خودکفایی سیمان برگزار شود و خوبتر از همه اینکه این افتخار و امتیاز نصیب منطقه جنوب استان بوشهر گردیده؛ تا صنعتی بر صنایع کنگان افزوده و مردم این دیار منبعد در ساخت و ساز دچار مشکل و کمبود سیمان نگردند .

برابر اعلام دوستان، قرار است مینی بوس خبرنگاران ساعت چهار صبح از بوشهر به سمت کنگان حرکت نموده و بنده هم در مسیر به جمع دوستان مطبوعاتی اضافه شوم؛ صبحانه را در مسیر کنگان به آبدان با چند قرص نان گرم و یک بسته پنیر سفید صرف نمودیم؛ (این را به این لحاظ گفتم زیرا در ادامه متوجه موضوع خواهید شد با هزینه ای معادل ۲۵۰۰ تومان برای ۱۰ نفر).

اخبار ساعت هفت از رادیوی مینی بوس خبر جشن را اصلاح مینماید و گوینده خبر اعلام میدارد که جشن خودکفایی سیمان امروز با حضور دکتر داوودی معاون اول رئیس جمهور در کنگان بوشهر برگزار خواهد شد؛ برای همه سوال است که مگر قرار نبود آقای رییس جمهور برای این جشن حضور داشته باشند! مگرمدیران برنامه ریزی امورات رییس جمهور تقویم کاری ندارند؛ که اینگونه و در سطح ملی با هزینه ای چند میلیونی تبلیغات؛ به یکباره همه برنامهای جشن را تغییر میدهند ؟!

کیلومتر ۱۵ کنگان عسلویه رسیده ایم؛ از کنار آزاد راه؛ وارد محوطه که میشویم نیروهای انتظامی وحراست در حال ماموریت امنیتی هستند. از درب ورودی تا جایگاه مراسم که یک سالن آجری رنگ است؛ تا اسکله آسیای آرام و محوطه کارخانه همه وهمه با نصب بنرها و پارچه نوشته هایی در ابعاد مختلف به رییس جمهور پایتخت نشین؛ در کنگان خیر مقدم گفته اند و فقط تعداد اندکی پارچه آن هم از این پارچه های معمولی به پرویز داوودی خوش آمد گویی گفته؛ که مشخص بود؛ بندگان خوب خدا؛ مسئولین و متولیان جشن هم؛ غافلگیر شده و شاید شبانه به کنگان یا عسلویه رفته و این نوع پارچه های مبتدی که دیگر مرسوم نیست را برای پیر کابینه نوشته اند.

تا شروع مراسم فرصتی است تا از کارخانه عظیم سیمان ساروج که قرار است تا ساعاتی دیگر مورد بهره برداری قرار گیرد بازدیدی نمایم؛ دوستان خبرنگار در محوطه وسالن هر کدام مشغول به کاری هستند؛ برخی با دوربین های خود در حال عکس و فیلم برداری وبرخی هم در حال گفتگو ومصاحبه با افراد ومسئولین وارد شده به کارخانه میباشند .

مشاهده این پروژه عظیم و این همه تاسیسات که به گفته مسئولین؛ تنها توسط مهندسین جوان کشور عزیزمان ایران اجرا شده است؛ برایم مایه افتخار است و بر خود لازم میبینم از این فرصت استفاده نموده و یک خدا قوت جانانه به آنها بگویم.

در یک هوای نیمه ابری بهاری حرارت تونل و لوله قطور انتقال سیمان به سیلو مانع از توقف میشود و با خودم میگویم خدا قوت چند؛ چندان به کارگران این قسمت بدهد؛ که میباید در تابستان این پروژه را هدایت و نگهداری نمایند.

با تنی چند از آنها صحبت مینمایم ؛همه اظهار میدارند: شما را به خدا به مسئولین بگویید؛ زحمات اولیه را ما کشیده ایم؛ زمانی که اینجا برای آب خوردن مشکل داشتیم ما بودیم، الان که اینجا؛ اینطوری شده است؛ ما را اخراج نکنند. گفتم که حتما خواسته به حق شما را به گوش مسئولین میرسانم وهمینطور هم شد و با مهندس حمیدی در کسوت مدیرعاملی کارخانه مصاحبه داشتم. وی اظهار داشت که از نیروهای بومی حتما استفاده خواهیم نمود و برای ما مقرون به صرفه تر است از اینکه بخواهیم نیرو از سایر مناطق بیاوریم. وی در خصوص نیروهای شرکتهای پیمان کاری مستقر در این کارخانه بیان داشت: بنده در این مورد اظهار و تکلیفی نمی کنم.

ساعت ده صبح کم؛ کمک؛ خودروهای مسئولین به کارخانه وارد میشوند. گروه موزیک نیروی دریایی برای اجرای سرود ملی خود را مهیا مینماید. رهبر گروه با آنها در حال تمرین است.

ورود چندین خودرو مدل بالا که بنده راستی اسمشان هم نمیدانم؛ خبر از ورود شخصیتی به کارخانه میدهد؛ آقای داوودی به همراه چند جوان بلند قد که محافظ امنیتی ایشان است از خودرو مخصوص پیاده میشوند.

اهم همراهان آقای داوودی را میتوان محرابیان وزیر صنایع و معادن کشور؛ استاندار شفقت؛ معاونان وزیر در امور صنعت سیمان؛ گنجی امام جمعه عسلویه؛ جلالیان نماینده مردم حوزه جنوبی استان بوشهر در مجلس شورای اسلامی؛ رضوی مدیرعامل منطقه ویژه انرژی پارس جنوبی؛ علوی مدیر روابط عمومی منطقه ویژه؛ فرماندار کنگان تبرکی؛ مرحمتی رییس سازمان صنایع ومعادن استان و دهها مدیر کشوری واستانی که هر کدام قطعا با خودرو مخصوص به این کارخانه تشریف آورده بودند. کاروان چند ده ماشینی هر بیننده ای را متوجه موضوع می نمود.

رونمایی از نماد کارخانه سیمان ساروج؛ که با یک پارچه و بسته سیمان و هم چنین رونمایی از تابلو افتتاحیه که مرقوم شده است: «اولین خط تولید روزانه ۶۰۰۰ تنی کلینکر در ایران با همت وتلاش ارزشمند سهامداران؛ مدیران؛ کارکنان؛ مشاوران، پیمانکاران ؛شایسته وتوانا در کارخانه سیمان کنگان ایجاد وراه اندازی شد و همزمان با برگزاری جشن خود کفایی در تولید سیمان با حضورجناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد رییس جمهور ارجمند گشایش یافت. فروردین ۱۳۸۸خورشیدی.»

بازدید از قسمت کنترل رایانه ای کارخانه همراه با توضیحات مسئولین مربوطه و نواخته شدن سرود مقدس جمهوری اسلامی ایران و افتتاح اسکله حمل سیمان و مواد معدنی که در یک اقدام جالب و در حد خود بی نظیر؛ با خط نقاله به طول بیش از یک کیلومتر سیمان؛ را از مبداء کارخانه تا دریا حمل شده و در آنجا با کشتی یا یدک کش به سایر بلاد دنیا منتقل میشود.

با عجله به سالن مراسم میاییم؛ از متولیان برگزاری مراسم؛ رئوس برنامه را جویا میشوم؛ اظهار میدارند: برنامه به هم خورده است! راستی مگر چه شده است؟!

تلاوت کلام الله مجید طبق رسوم همه مراسمات زینت بخش این جشن هم شده است؛ بلافاصله مجری مراسم آقای محمد رضا حیاتی گوینده خبر رسانه ملی اعلام میدارد: به دلیل ترافیک برنامه کاری معاون اول رییس جمهوردر تهران ؛ ایشان نمیتوانند تا آخر مراسم حضور داشته باشند.

مهندس حمیدی مدیر عامل کارخانه جهت عرض خیر مقدم به جایگاه فرا خوانده میشود. به محض قرار گرفتن پشت تریبون و در آوردن برگه ای از جیب خود که قطعا میخواست ضمن خیر مقدم؛ گوشه ای از مشکلات را به سمع و نظر معاون اول ومدیران ارشد برساند؛ با دادن یادداشت و با تذکر اینکه فقط خیر مقدم؛ در کمتر از پنج دقیقه با نگاه مایوسانه و چهر ه ای مغموم به پایین جایگاه مشرف میشود.

طبق برنامه قرار بود؛ وزیر؛ استاندار و مدیران ارشد سیمانی؛ بیاناتی داشته باشند و قطعا گزارشاتی از حوزه کاری وماموریت خود به سمع معاون اول برسانند و داوودی برای جمع بندی و پاسخ به درخواست نمایندگان مدعوین سخنرانی داشته باشد. معاون اول رییس جمهور؛ همراه با قیام حاضران به پشت تریبون رفته و با گزارشی از وضعیت اقتصادی کشور و اینکه ارزش سیمان امروز در جهان در چه سطحی میباشد؛ سخنان خود را آغاز مینماید؛ ایشان با اظهار تلاش دولت نهم در همه امور خصوصا صنعت سیمان بیان داشت: تا پایان کار دولت هشتم تولید سیمان ۳۰ میلیون تن بوه و ما در مدت چهار سال توانسته ایم تولید سیمان را به مرز۳۴ میلیون تن برسانیم؛ یعنی به عبارتی هر سال ۸ و نیم میلیون تن و تا سال ۲۰۰۰، تولید این محصول صنعتی به بیش از ۱۰۰۰۰۰ تن در سال خواهد رسید .

بنده به عنوان یک مستمع و شهروند؛ بی صبرانه منتظر بودم؛ تا از زبان معاون اول رییس جمهور اولا: عذر و پوزش؛ تشریف نیاوردن دکتر احمدی نژاد. دوما: سلام رییس جمهور به مدعوین و متولیان این جشن و در صورت امکان علت عدم حضور ایشان را بشنوم و از نظر اخلاقی هم بهتر بود که دکتر داوودی این موضوع را عنوان نماید؛ که متاسفانه تا پایان سخنان وی از این بابت سخنی گفته نشد.

داوودی سخنان خود را که مستقیم از شبکه خبر پخش میشد خلاصه نمود و با تقدیم چند لوح یادبود وسپاس با عجله هر چه تمام تر و در حالی که همه حاضران بهت زده شده بودند؛ جلسه را ترک نمود. البته این را هم بنویسم که قبل از ورود ایشان؛ جوان خوش برخوردی که خود را از اعضاء دفتر معاون اول رییس جمهور معرفی نمود؛ با کنار کشیدن بنده اظهار داشت تا با همکاران خبرنگار؛ مشروط به اینکه سوالات حول وحوش صنعت سیمان باشد؛ هماهنگی نموده؛ تا بعد از مراسم طی نشستی با داوودی مصاحبه مطبوعاتی داشته باشیم؛ که بنده اظهار داشتم: هماهنگی را تقبل مینمایم؛ ولی نوع و موضوع سوال را هیچ فرد و شخصی نمیتواند برای خبرنگار تعیین نماید. به هر حال نشست مطبوعاتی هم همچون سایر برنامه های مراسم کنسل و یا به عبارتی خودمانی برهم خورد.

در این نشست که به یک مجلس تخصصی اقتصادی بیشتر شباهت داشت؛ تا یک جشن ملی؛ فراوان بودند افراد سرشناس از پیر مدیران سیمان؛ که روزگاری مدیر یا دبیر بوده اند و یا با عصا کشان و داشتن همراه خود را به این محفل رسانده بودند ولی متاسفانه نه تنها از آنها نامی نبرده شد؛ بلکه محلی مناسب که در خور شان آن بزرگان دیروز؛ صنعت سیمان بود، تدارک دیده نشده بود و با نشستن بر صندلی ساعاتی را در زیر سقف سالن به تفکر دیروز و امروز مشغول بودند. مدیران کارخانه های سیمان از سراسر کشور و هم چنین مهمانان خارجی از کشورهای امارات و هند هم حضور داشتند که برای آنان هم هیچگونه امکانات ترجمه ای فراهم نشده بود.

با رفتن داوودی همانطور که انتظار میرفت؛ فضای مراسم رو به سردی نهاد؛ پخش چند کلیپ نمایش و سرود هم نتوانست به حضار روحیه بدهد؛ افرادی با اعتراض به هم می گفتند: فلسفه جشن که اینگونه نیست؛ جشن باید با آهنگهای شاد و حضور گروه های هنری؛ همراه باشد نه با سرودهای حماسی و گزارشها و سخنرانی. حیاتی؛ مجری هم هر چقدر تلاش مینمود تا جو مراسم را به اول برگرداند موفق نشد.

در همین حال دکتر عسکر جلالیان نماینده مردم در مجلس به نشانه اعتراض و به علت بی توجهی معاون اول رییس جمهور به این مراسم واینکه حتی حاضر نشد تا دقایقی درد دل مدیر عامل کارخانه را بشنود یا اینکه با استماع سخنان استاندار؛ که نماینده عالی دولت در استان میباشد و فرصتی مناسب بود تا نماینده دولت نهم ضمن معرفی توانمندیهای استان گوشه ای از مشکلات این دیار را به سمع ارشد کابینه برساند؛ جلسه را ترک نمود. سریعا به بیرون از سالن آمدم و با دکتر جلالیان تماس گرفتم و علت راجویا شدم؟ ایشان دلیل ترک جلسه را اعتراض شدید به معاون اول رییس جمهور که اینگونه برخورد سرد با جشن ملی داشت و بی توجهی به مدیران ارشد صنعتی که از سراسر کشور برای بیان درد دل خود به هر نحو ممکن؛ خود را به این جشن رسانده بودند و یا بی توجهی وزیر؛ به رییس سازمان معادن و فلزات استان؛ که ایشان هم با تلاش چندین شبانه روزی؛ حتی برای لحظه ای هم نتوانست گزارشی از حوزه کاری خود ارایه نماید؛ دانست. وی با بیان اینکه به عنوان نماینده مجلس این موضوع را با جدیت تمام پیگیری مینماید و در صحن علنی مجلس به عنوان وکیل مردم میگوید: «داوودی از حسن نیت مردم استان بوشهر سوء استفاده نمود و اصلا مردم بوشهرو این مراسم ملی را سبک انگاشت.»

شفقت استاندار هم در یک فضای بهم ریخته مراسم، برای خالی نماندن از کاروان سخنرانان مطالبی بیان داشت که بیشتر شباهت به گزارش عملکرد دولت نهم بود؛ تا معرفی صنعت سیمان. در ادامه تنی چند از مدیران وهم چنین مجددا مهندس حمیدی هم سخنانی بیان داشتند.

افراد حاضر در یک کسالت روحی شدید به سر میبردند؛ شوک خروج داوودی هنوز بر مراسم سایه افکنده بود.

متولیان ناچارا مسیر برنامه را عوض نمودند و برنامه بازدید از کارخانه را تدارک دیدند؛ مجددا کاروان ماشینها واتوبوسها به حرکت در آمد، اما آنجا برنامه ای نداشتند و مدعوین اکثرا سرگردان بودند به راحتی میتوان فهمید که مدیران هم در اجرای ادامه مراسم گنگ و مبهوت شده بودند. حضار دقایقی را در محوطه و سالن کنترل رایانه کارخانه سپری نمودند . سپس برای نماز ونهار به نمازخانه و رستوران رفتیم.

خودروهای حمل نهار با کارکنان مجهز اعزامی از تالار سپیده تهران؛ که برای سرو این غذای بی نظیر به کنگان آمده بودند فعالانه مشغول تدارک سفره بودند. به سالن وارد شدیم؛ انواع کبابهای ایرانی اعم از مرغ؛ ماهی؛ گوشت راسته؛ انواع برنج های رنگی و سفید؛ انواع و اقسام چلو؛ پلو؛ سالاد؛ ژله و دسر نوشیدنی و... که با کنجکاوی مطلع شدم؛ کارکنان تالار؛ با تقبل هزینه ایاب و ذهاب از سوی مجری برنامه، رنج سفر تهران – کنگان را متحمل شده و صرفا برای سرو این غذا به کارخانه ساروج کنگان آمده اند و با هزینه ای ناقابل به تعداد بیش از ۵۰۰ نفر و برای هر دست غذا ۲۲ هزار تومان؛ این سفره محقرانه را گسترانیده اند و جالبتر از اینکه دست پخت و زحمت این زحمت کشان را کمتر از ۲۰۰ نفر نوش جان نمودند وچه بر سر مابقی اغذیه و اطعمه آمد را نمیدانم!

بعد از صرف نهار با دوستان خبرنگار در کمال صحت وسلامت به سوی بوشهر حرکت مینماییم .

قضاوت باشما خوانندگان گرامی؛ بیاییم بی طرفانه وصادقانه وبه دور از هر گونه واهمه با هم به این مراسم نمره بدهید:

الف : جشن ملی خودکفایی سیمان.

ب: سال ۸۸ و بی توجهی به اصلاح الگوی مصرف.

ج: بهره برداری سیاسی و انتخاباتی از این مراسم.

مدیرعامل تعاونی مسکن روزنامه نگاران بوشهر:

اردیبهشت ماه عملیات اجرایی منازل روزنامه نگاران آغاز می شود

خلیج فارس: مدیرعامل تعاونی مسکن روزنامه نگاران بوشهر گفت: در صورت توافق با پیمانکار، اردیبهشت ماه عملیات اجرایی منازل روزنامه نگاران بوشهر در شهر جدید عالیشهر آغاز می شود.

«علی احمدی» در گفتگو با خبرنگار ما افزود: تایید نقشه های ۹۸ واحدی روزنامه نگاران استان بوشهر در فاز چهار عالیشهر به پایان رسیده و انتظار می رود اردیبهشت ماه کلنگ زنی این پروژه انجام شود.

احمدی ادامه داد: این واحدها ۱۰۰ متری خواهد بود و پیش بینی می شود با همکاری اعضای تعاونی مسکن روزنامه نگاران بوشهر کمتر از سه سال ساخته شوند.

وی از اعضای تعاونی مسکن خواست تا اقساط خود را پرداخت کنند، در غیر این صورت با مصوبه هیات مدیره این تعاونی با کسر مبالغ متعارف و بازگشت مبالغ پرداختی، افراد دیگر جایگزین کسانی می شوند که قسط های خود را پرداخت نکرده اند.

انجیر معابد بوشهر را نجات دهید!

تنومندترین درخت جهان در خطر انقراض



کارشناس محیط زیست استان بوشهر گفت: درخت انجیر معابد، تنومندترین درخت جهان با قدمت ۴۰۰ ساله در معرض انقراض قرار گرفته است.

به گزارش فارس از عسلویه، علی موذن‌زاده در حاشیه بازدید دانشجویان مرکز بنت‌الهدی از جنگل‌های منطقه حفاظت شده نایبند در عسلویه اظهار داشت: درخت انجیر معابد بیش از ۲۰ متر قطر دارد و به دلیل عدم رعایت مسائل زیست‌محیطی در منطقه نایبند در آستانه انقراض قرار گرفته است.

وی افزود: منطقه حفاظت شده نایبند ۵۰ هزار هکتار وسعت دارد و نادرترین درختان کشور در این منطقه واقع شده‌اند.

کارشناس محیط زیست استان خاطرنشان کرد: آلوئه ورا از درختان کمیاب این منطقه است که خواص درمانی بسیاری دارد و همچنین در پاکسازی محیط زیست نیز نقش موثری ایفا می‌کند. موذن‌زاده ادامه داد: همچنین درخت انار شیطان، دارای خاصیت دارویی و غذایی است که تنها در عسلویه رشد می‌کند و درخت آفتاب‌پرست ساحل که سابقه‌ای ۲۰۰ ساله دارد و از خواص درمانی برخوردار است و به عنوان مسکن و مرهم درد کاربرد دارد نیز از درختان منطقه حفاظت شده است. وی اضافه کرد: عسلویه به دلیل واقع شدن در وسط منابع نفت و گاز از آلودگی بسیار بالایی برخوردار است که این مسئله موجبات نابودی درختان را فراهم کرده و بسیاری از درختان نادر این منطقه در آستانه انقراض قرار گرفته‌اند که باید برای این معضل، چاره‌ای اندیشیده شود.کارشناس شیمی مرکز بنت‌الهدی نیز در این بازدید اظهار داشت: منطقه حفاظت شده نایبند در حد فاصل عسلویه و چاه مبارک واقع شده و از درختان اصیل و بی‌نظیری برخوردار است.

موتورسوار بی چراغ درون چاه افتاد!

در ساعت ۲۰ شب موتورسواری که بدون چراغ در جاده خاکی در شهرستان عسلویه حرکت می کرد درون چاه آب افتاد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس؛ شخصی در حالیکه با استفاده از یکدستگاه موتورسیکلت بدون چراغ در جاده خاکی حوالی سه راهی عسلویه حرکت می کرد، درون چاه آب ۱۲ متری سقوط کرد ولی آسیبی ندید. بر پایه این گزارش، فرد دیگری که با بستن طناب به دور کمر خود قصد بیرون آوردن موتورسیکلت از چاه را داشت، بر اثر گاز گرفتگی ناشی از نشت بنزین در درون چاه دچار خفگی شد و جان خود را از دست داد!

حمایت خانه کارگر و حزب کار شاخه بوشهر از میرحسین موسوی:

میرحسین دیدگاه عمیق و آزاد اندیشی، قانون مداری، اعتقاد به مبانی و ارزش های عمیق انقلاب، اعتقاد به تغییر و اصلاحات

خانه کارگر و حزب کار شاخه استان بوشهر که در شورای هماهنگی اصلاح طلبان بوشهر حضور دارند با صدور بیانه ای حمایت خود را از میر حسین موسوی در انتخابات ریاست جمهوری اعلام کردند.

متن کامل این بیانه بدین شرح است:

بیانیه تشکیلات استان بوشهر و حزب اسلامی کار شاخه بوشهر در حمایت از مهندس میرحسین موسوی

به نام خدای مهربان

ملت آزاد اندیش ایران، مردم سلحشور استان بوشهر

نزدیک شدن به زمان تعیین سرنوشت یادآور خاطرات زیبایی از خرداد است. بی شک هنوز شیرینی دوم خرداد به فراموشی سپرده نشده است، حلاوت یک دلی و پیوند، مشارکت و عزت، اصلاح و اخلاق با پرچم داری مردم سیاست اخلاق جناب آقای خاتمی.

خاتمی اینبار نیامد! اما اصول و تفکرات او آمده است. خاتمی این بار در عین صلابت با زدن دست رد به قدرت، رهاوردهای زیبای اتحاد ملی، اخلاق انتخاباتی، آزادی بر انتخابی نو با حفظ آرمانهای متعالی را به ارمغان آورد.

اینک در این وادی سرنوشت دو مرد اصلاحات جناب آقای کروبی و مهندس میرحسین موسوی پا به این عرصه گذاشته اند و فرصتی دیگر را برای مشارکت مردمی فراهم نموده اند. بی گمان نقش و جسارت آقای کروبی در روند اصلاحات بر کسی پوشیده نیست و نخواهد بود، اما ما جامعه کارگری معتقدیم که شرایط خاص کشور، اندیشه نو و تفکری جدید می طلبد ضرورت بر تفکر تغییر، حفظ آزادی های مشروع و قانونی، تأمین عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی، ایجاد امنیت شغلی، برقراری روابط منطقی بین المللی در چارچوب حفظ منابع ملی، توسعه رفاه و آبادانی کشور ما را بر این باور داشته است که ضمن احترام به تمامی نامزدهای انتخاباتی، جناب آقای مهندس میرحسین موسوی را بواسطه بهره مندی از تجربه، دیدگاه عمیق و آزاد اندیشی، قانون مداری، اعتقاد به مبانی و ارزش های عمیق انقلاب اسلامی، اعتقاد به تغییر و اصلاحات، ارج نهادن به عزت و بزرگی ملت شریف ایران به عنوان گزینه اصلح معرفی می نماییم.

لذا از ملت عزیز ایران و مردم شریف هم استانی به ویژه جامعه متعهد کارگری دعوت می نماییم تا در دهمین انتخابات ریاست جمهوری مشارکت جدی نموده و این بار نیز با انتخاب مهندس میرحسین موسوی مهر تأیید بر آزاد اندیشی و اصلاح طلبی در جریده هستی منقوش نمایند.

عیسی محمد کمالی دبیر اجرایی خانه کارگر و نماینده حزب اسلامی کار در استان بوشهر

مفقودی

گواهی پایان ساختمان به نام آقای حیدر احمدی پلاک ثبتی ۱۳۹۶/۸۰ به نشانی کوی بهمنی به شماره پروانه ساختمانی ۱۶۱۳۳/۱ مورخ ۷۹/۱۱/۱۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند خودرو کامیون - تانک تیپ ال ۵۲/۱۹۲۱ مدل ۱۳۶۳ رنگ نارنجی - روغنی به شماره موتور ۱۰۰۴۴۵۳۹ مربوط به آقای عبدالرسول قایدی فرزند حسین صادره از دشتی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی

کارت هوشمند کامیون به شماره ۱۹۳۲۹۲۲ به شماره پلاک ۶۳-۳۵۲-ع - ۷۵ و رسید کارت هوشمند به نام آقای علی عسگر فرهادی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۹۲ صادره از کازرون مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی تغییرات

شرکت تضامنی علی محمد ارجمندی و شرکا به شماره ثبت ۷۴۷۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی شرکا مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

۱ – آقای محمد علی ارجمندی با پرداخت مبلغ ۶۹۶/۵۰۰/۰۰۰ ریال به صندوق شرکت، سهم الشرکه خود را به مبلغ ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داد. آقای محمد رضا ارجمندی با پرداخت مبلغ ۶۹۶/۵۰۰/۰۰۰ ریال به صندوق شرکت، سهم الشرکه خود را به مبلغ ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داد. آقای علی اصغر ارجمندی با پرداخت مبلغ ۱/۴۹۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال به صندوق شرکت، سهم الشرکه خود را به مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داد. آقای علیرضا ارجمندی با پرداخت مبلغ ۶۹۶/۵۰۰/۰۰۰ ریال به صندوق شرکت، سهم الشرکه خود را به مبلغ ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ افزایش داد. آقای محمد تقی ارجمندی با پرداخت مبلغ ۱/۴۹۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال به صندوق شرکت، سهم الشرکه خود را به مبلغ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داد. آقای علی محمد ارجمندی با پرداخت مبلغ ۴/۸۷۵/۵۰۰/۰۰۰ ریال به صندوق شرکت، سهم الشرکه خود را به مبلغ ۴/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داد.

در نتیجه سرمایه شرکت از مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

۲ – موضوع شرکت به شرح ذیل تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید:

احداث و راه اندازی سردخانه زیرصفر و بالای صفر صادرات و واردات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی و پخش آنها– خرید و فروش کالاهای مجاز شرکت در مناقصات و مزایدات بخش خصوصی و دولتی– عقد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی– استفاده از تسهیلات بانکها و موسسات و ایجاد شعب در داخل و خارج از کشور– شرکت در نمایشگاه و همایشها– اخذ و اعطای نمایندگی به هر شخص حقیقی و حقوقی.

در تاریخ ۱۳۸۸/۰۱/۲۷ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تائید و امضاء قرار گرفت./ م الف ۱۵۵

خسرو میرشکاری – واحد ثبتی بوشهر

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای موسی عامری دارای شناسنامه شماره ۴۹۰ آبادان به شرح دادخواست به کلاسه ع/۸۸ شعبه۲ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان خدیجه سالمی نیا بشناسنامه ۳۸۲۵ در تاریخ ۸۷/۳/۱۹ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱ – موسی عامری بشناسنامه ۴۹۰ آبادان(همسر) ۲ – قاسم سویلماوسی پور بشناسنامه شماره ۷۷۲ نهر عوفی اروند کنار(پدر) ۳ – فاطمه سیمری بشناسنامه شماره ۸۱۵ نهر عوفی اروندکنار (مادر)

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. م الف ۲۰۹ – رئیس شعبه دوم شورای حل اختلاف بوشهر

آگهی تاسیس

شرکت: شهرسازان پاسارگاد باستان (سهامی خاص)

تحت شماره۱۴۹۰ مورخ ۱۳۸۸/۱/۳۱ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۳۱ تکمیل امضاء گردید و خلاصه اظهار نامه و اساسنامه آن به شرح زیردر روزنامه رسمی و کثیرالانتشار آگهی می شود. ۱–موضوع شرکت: عبارت است از طراحی، محاسبه، نظارت و اجرای کارهای ساختمانی، انجام امور راهسازی از قبیل زیرسازی، روسازی و آسفالت، محوطه سازی از قبیل طراحی و اجرای کارهای جدول کشی، حاشیه و پیاده رو، خاک برداری و خاک ریزی، لایروبی، اجرای مقاطع بتنی و کانالهای بتنی، انجام خدمات تاسیساتی ساختمان، پل سازی و ابنیه و انجام سایر فعالیتهای مجاز مرتبط با اهداف شرکت و در صورت لزوم با کسب مجوز از مراجع ذیصلاح. ۲– مرکز اصلی شرکت: برازجان، خیابان شهید چمران، سه راه امامت، ساختمان بحرینی، طبقه دوم، کد پستی ۳۸۸۱۳-۷۵۶۱۷

۳ – سرمایه شرکت: مبلغ یک میلیون ریال نقدی منقسم به یکصد سهم ده هزار ریالی با نام می باشد که سی و پنج درصد آن بموجب گواهی شماره ۰۵/۳۲۸۸/۸۷ مورخه ۱۳۸۸/۱/۳۰ نزد بانک صادرات شعبه فلکه چمران برازجان واریز گردید و بقیه در تعهد شرکاست. ۴– مبدا شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود ۵– مدیران شرکت: آقای حمید رضا آخوند زاده به سمت رئیس هیئت مدیره وآقای حسن قایدی به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای رضا قایدی به سمت مدیرعامل شرکت و خانم ریحانه قایدی به سمت عضو هیئت مدیره همگی برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. ۶–اختیارات و اشخاصی که در شرکت حق امضاء دارند: کلیه اوراق مالی و تعهدآور عادی شرکت با امضاء منفرد مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر و نافذ است. ۷– بازرسان شرکت: خانمها طاهره شاکری و خیری شمسی پور به ترتیب به سمت بازرسان اصلی و علی البدل شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند./ م الف ۱۳۶

سهراب خواجه – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک دشتستان

آگهی تغییرات

شرکت زیبا دست خورموج سهامی خاص ثبت شده به شماره۳۹۹ به موجب صورت جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخه ۸۷/۴/۴ تغییرات ذیل در شرکت فوق بعمل آمد: ۱– مرکز اصلی شرکت خورموج خیابان شهید مطهری کوچه شهید شبانی به خیابان پاسداران شمالی روبروی بازار شهرداری انتقال یافت.

/ م الف ۵۸۸ مجید امیری –

سرپرست ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتی

آگهی تغییرات

بموجب صورتجلسات هیات مدیره مورخ ۸۸/۱/۲۳ شرکت تعاونی خدمات کشاورزی گل نور دشتستان گروه۱۸۹۱ بشماره ثبت ۶۰۸۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۱۷۸۹۹ تغییرات ذیل بعمل آمد: ۱– بموجب صورتجلسه هیات مدیره شرکت فوق الذکر فرشته کازرونی بسمت مدیرعامل بعنوان عضو اصلی هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردید. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک و سفته و برات با امضاء فرشته کازرونی و محمود حسن پور همراه با مهر شرکت و سایر نامه های عادی و اداری با امضاء فرشته کازرونی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

م الف۱۶۳ – خسرو میرشکاری رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

کارشناس محیط زیست
و استاد دانشگاه شهید بهشتی:

نگذارید به نایبند تیر خلاص بزنند



دکتر «بهروز دهزاد»، کارشناس محیط زیست و استاد دانشگاه شهید بهشتی، اعطا مجوز به حفاری گاز در « پارک ملی نایبند» را غیر قانونی خواند و آن را تیر خلاصی برای حیات این پارک ملی دانست.
به گزارش خبرگزاری مستقل محیط زیست ایران، دکتر دهزاد همچنین اشاره کرد که اکتشافات نفت و گاز از جمله آلاینده ترین فعالیت های صنعتی بوده و استرس شدیدی به محیط



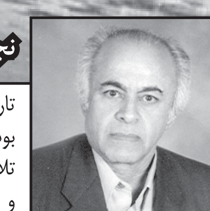
وارد می کند. از این نظر صدور مجوز برای اینگونه فعالیت ها در پارک ملی کاملا مغایر با استاندارد های زیست محیطی است.
این گزارش می افزاید، شواری عالی حفاظت محیط زیست در جلسه کمیسیون امور زیر بنایی صنعت و محیط زیست، با توجه به پیشنهاد وزارت نفت، به این وزارتخانه اجازه حفاری در میدان گازی مدار واقع در پارک ملی نایبند را داد.
این مجوز همراه با شریطی مانند ممنوعیت هرگونه عملیات لرزه نگاری و احداث راه، انجام حداکثر فعالیت در عرصه دو هکتاری به طوری که پس از پایان عملیات، تمام سازه های مورد استفاده جمع آوری شود و هر گونه پسماند با نظارت سازمان حفاظت محیط زیست از پارک خارج شود، صادر شده است. دهزاد که از شنیدن این خبر شگفت زده شده بود، شرایط اعطای این مجوز را بی اثر خواند و اضافه کرد: در تعریف «پارک ملی»، اجازه هیچ نوع فعالیتی تحت هیچ شرایطی در این مناطق نباید داده شود.
او با کنایه به اینکه مسئولین، خوش آب و هوا ترین مناطق را برای انجام کار هایشان انتخاب می کنند، ادامه داد: حتی تحت شرایط اعلام شده، مواد آلی و غیر آلی وارد چرخه زیست محیطی می شود و کل چرخه را مختل می کند.
پارک ملی نایبند با مساحت ۴۹ هزار و ۸۱۴ هکتار خشکی و دریا از. توابع شهرستان کنگان، در ۲۹۰ کیلومتری جنوب بوشهر واقع شده است.
پوشش گیاهی این پارک به دلیل داشتن دو ویژگی خشکی و دریا در کنار هم بسیار زیبا، متنوع و ارزشمند است و در این میان می توان به جنگل های مانگرو (گیاه حرا، گونه چندل) اشاره کرد.
پارک ملی نایبند از نظر تنوع جانوری هم در نوع خود بی نظیر است. از پستانداران خشکی‌زی پارک می‌توان به گونه‌هایی چون گرگ، شغال، خرگوش، روباه، قوچ، میش، کل، بز، کفتار و آهو اشاره کرد و از پستانداران دریایی که در بخش آب‌های آزاد پارک زیست می‌کنند می‌توان از دلفین و نهنگ به‌ویژه نهنگ گوژپشت نام برد.
همچنین در این منطقه، پرندگانی چون چکاوک کاکلی، باکلان، حواصیل خاکستری، هوبره، دلیجه، خروس کولی سینه‌سفید (گونه ای که از آن تنها ۲۰۰ قطعه در دنیا وجود دارد) وجود دارد.
منبع: www.iren.ir // ایرن



بوشهر در دوران استعمارگران

به مناسبت ۱۰ اردیبهشت روز ملی خلیج فارس

نجف آهوچهر



تاریخ پرافتخار بوشهر نشانگر تلاش ملی زنده و کهنسال می باشد، که مردم آن در طی سده ها و قرون متمادی برای اعتلای سرزمین خود و زنده نگاه داشتن آداب و رسوم آبا واجدادی و برای خدمت به بشریت، کوشش های فراوان نموده و جوانان و مردان و زنان این سرزمین با بذل جان و مال، سعی در حفظ استقلال و تمامیت اراضی زادگاه خود داشته و با وصف این که چندین بار دچار تجاوز و حوادث و عوارض ناگوار مختلف گشته ولی در سایه ذکاوت و جوانمردی، همیشه استقلال و آزادی نسبی خود را حفظ نموده و با همه کاستی ها و نامهربانی های دولتهای وقت، سر جلو هیچ بیگانه ای خم نکرده و با حداقل وضع موجود ساخته و به امید آینده دل بسته و از پای ننشسته است تا این جایگاه مقدس را به آیندگان بسپارد.
در بوشهر و شهرها و بنادر آن، استعمارگرانی چون پرتغالیها – هندیها – انگلیسها– فرانسویها – آلمانیها – بلژیکی ها و روسها و ترکان عثمانی حتی نروژیها که یک نایب کنسول افتخاری داشته اند، رفت و آمد نموده و سلطه گریهائی داشته و ظلم و اجحافاتی نموده و این سرزمین را مورد تهاجم و تاخت و تاز خود قرار داده و به تاراج آن پرداخته اند.
بوشهر در اواسط سده ی هجدهم، یک روستای کوچک بوده که صیادان عرب زبان در انتهای شبه جزیره بی آب و علف آن زندگی می کردند، بعدها با همت نادرشاه به صورت یک بندر فعال و قابل توجه و با اهمیت برای بازرگانان ایران به ویژه شیراز و اصفهان درآمد و یک مرکز بسیار قابل اهمیت در کرانه ایران خلیج فارس محسوب گردید و مقر استاندار ایرانی بنادر و جزایر خلیج فارس شد و کنسولگریهای استعمارگران اروپائی در این شهر دائر گردید. در سال ۱۸۶۴ میلادی خط تلگراف هند و اروپا به بوشهر رسید. در این شهر بانک شاهی، یک کلیسای کاتولیک و یک کلیسای ارامنه ارتودوکس تعدادی بازرگانان ایرانی و اروپائی وجود داشته، یک کارخانه یخ مصنوعی و تعدادی زیاد کارخانه آب سودا در آن تأسیس شده بود. انگلیسها این شهر را دو بار در سالهای ۱۸۵۷ و۱۹۱۵ اشغال کردند و ارتشی ۲ تا ۳ هزار نفره از سربازان هندی برای مقابله با تنگستانیها جهت حفظ منافع خود نگاه داشته بودند. مبلغان دینی کارم (راهب و راهبه) از سال ۱۷۵۰ در بوشهر به وسیله یک راهب فرانسوی هدایت می شدند در همین زمان حدود یکصد نفر آمریکائی ارتودوکس و تعدادی کاتولیک هم زندگی می کردند و یک کشتی که متعلق به آلمانها بود، بوسیله دولت مرکزی ایران به قیمت ۳۰۰۰۰ لیره انگلیسی از آلمانها خریداری شد که بعدها پرسپولیس نامیده شد و یک ناو تجاری بوده با ۸۶۰ تن ظرفیت و ۴۵۰ اسب بخار قدرت آن که دارای چهار ثوپ کروپ و چندین توپ کوچک بوده و فرماندهی آن مدتها بوسیله آلمانها اداره می شده است. فرماندار بوشهر هراز چند گاه با آن ناو، گشت دریائی در کرانه های خلیج فارس می زده است.
آلمانها، از سال ۱۸۸۹ ترکان عثمانی را برای تصرف کرانه های خلیج فارس بخصوص بوشهر تحریک و تشویق می کردند تا خود از این کار بهره بگیرند و مطامع استعماری خود را به انجام برسانند، از زمانی که واسگودوگاما در سال ۱۴۹۸ راه آبی دماغه ی امید نیک را کشف کرد و خود را به کرانه های هندوستان رساند، پرتغالیها در اندیشه فتح خلیج فارس و دریای عمان بودند و بعداً به تصرف کرانه های خلیج فارس نائل آمدند و استحکاماتی برای خود ساختند که خرابه های آن در مسقط و هرمز و ریشهر نزدیک بوشهر هنوز دیده می شود. این انحصار طلبی متاسفانه با بی رحمی و کشت و کشتار برای رواج بازرگانی و دریانوردی پرتغالیها همراه بوده است و آلبوکرگ دریا سالار مشهور پرتغالی در سال ۱۵۰۶ بر نقاط حساس خلیج فارس مسلط شد و هرمز را بمباران کرد و باعث استیلای پرتغالیها تا سال ۱۶۲۵ گردید. از سال ۱۵۱۲ به بعد قلعه های نظامی در مناطق مختلف ایران از جمله گمبرون (بندرعباس) ریشهر – قشم – باسیدو و کنگ و کنگان ایجاد نمودند.
هلندیها نیز یک سرکنسولگری در بوشهر داشتند و آخرین سرکنسول آنها بارون ریشاروان کون، حدود بیست سال در آنجا اقامت گزید و قصر جالبی بنا نمود که در سال۱۹۰۱ فرانسویان آن قصر را برای اقامت نایب کنسول خود خریداری کردند. در سال ۱۸۹۰ ناو جنگی هلندیها بنام اهچه به خلیج فارس رسید و تا بوشهر و بصره پیش رفت اما کارهای هلندیها بسرعت رو به سستی گرائید و بساط خود را جمع نمودند. بعدها نایب کنسول فرانسه کارگشای هلند در بوشهر گردید و بعد از آن سرکنسول های انگلستان به مختصر کارهای هلندیان می رسیدند، در هر سال همکاران هلندی خود را برای برگزاری جشن سالگرد استقلال هلند به بوشهر دعوت می کردند.
ریشلیو و کولبر صدر اعظمان فرانسه شخصاً به بازرگانی فرانسه در کرانه های خلیج فارس علاقمند بودند و در حوالی سده های ۱۷ و۱۸ دو کمپانی هند خاوری چند کشتی و نمایندگانی به خلیج فارس اعزام کردند و جزیره خارگ دو بار به موجب موافقت نامه به دست فرانسویها افتاد اما هیچگاه به طور کامل به تصرف آنها در نیامد. در سال ۱۸۸۰ فرانسویان تلاش بسیار کردند تا بتوانند در بنادر خلیج فارس بازرگانی ایجاد نمایند. در سال ۱۸۸۹ حدود ۱۴۰۲۰ کیسه قند فرانسوی به بوشهر آورده شد و طرح ایجاد راه آهن با هزینه فرانسویان در بوشهر ریخته شد و مصالحی هم آوردند که انجام نگرفت. در همین سال دولت فرانسه یک کنسولگری در بوشهر تأسیس کرد که این افراد سرپرستی آن را برعهده داشتند.
آقایان پیا– کوئس – سانتی– فرزان– بری ئوا– شالوان– اریت– وادالا که بیشتر این سرپرستان به علت بدی آب و هوای بوشهر در فصل تابستان به مناطق خوش آب و هوا رفته و امور بازرگانی و رسیدگی به آن را به مترجمان ایرانی خود مانند حاج میرزا حسین و مترجم السلطنه و سرکنسول انگلستان می سپرده اند. دولت فرانسه در جوفا (جفره علیباش) روستائی در ده کیلومتری بوشهر یک ملک وسیع شامل دو ساختمان بزرگ که همه روزه پرچم سه رنگ فرانسه در بالای آن در اهتزاز بود خریداری نموده و نماینده فرانسه در آن سکونت داشت.
سه پزشک فرانسوی بنام بوسی یر– کوم بی یه و مارزن نیز در بوشهر اقامت داشتند که مورد احترام مردم شهر بودند. همچنین بوشهر نقطه اتکای هیات باستان شناس فرانسویان بود که در حفاری شوش دخالت داشتند و صندوقهای آثار عتیقه ی ایران را مرتباً در این بندر به فرانسه و موزه ی لوور صادر می کردند. (۱)
اواخر سده ی ۱۹ روسها در خلیج فارس فعالیت خود را آغاز کردند و در سال ۱۸۹۹ دکتر شوانودکی در بوشهر به کار پزشکی پرداخت. بومیانی را که به او مراجعه می کردند به طور رایگان مداوا می کرد و از اوضاع و احوال محل از آنان تحقیقاتی می کرد و پس از کسب اطلاعات فوراً به روسیه باز می گشت (یعنی در واقع کار جاسوسی انجام می داد).
در سال ۱۹۰۱ روسها یک سرکنسولگری در بوشهر تاسیس نمودند که تا حالا ساختمان آن در شمال استانداری فعلی بوشهر موجود است.
در ۱۴ مارس ۱۹۰۱ شاهزاده دابیجا سرکنسول روسیه در اصفهان با تشریفات خاصی به همراه دو تن بازرگان مسلمان تبعه روسیه به بوشهر آمدند. منظور این هیات ویژه این بود که در بوشهر یک تشکیلات قوی کنسولی و اقتصادی برقرار کنند و از اولین کشتی تجاری روس بنام کور نیلوف که در ۲۲ مارس آن سال با کالای روسی و پنج تن بازرگان و مقداری زیاد مال التجاره به بوشهر می رسید استقبال نمایند. شاهزاده دابیجا بلافاصله به اصفهان می رود چون تا آن وقت هیچ یک از اتباع روس در بوشهر اقامت نکرده بودند و تجارتخانه هلندیها بنام هوتز نمایندگی کشتی رانی و بازرگانی روسی اودسا در اختیار می گیرد. درسال ۱۹۰۲ کشتی جنگی سریع السیر روس بنام اسکوله به همراه اووسنکو کاردار سرکنسولگری روسیه به بوشهر می رسد و مدیر بانک بین المللی مسکو نیز همان سال به بوشهر آمده تا از نزدیک به وضع بندر رسیدگی کند. یک گارد کنسولگری شامل ده نفر قزاق سوار نیز در بوشهر مستقر بوده اند.
آلمانها در اواخر سده ی ۱۹ تلاشهای حریصانه ای کردند تا از رقبا عقب نمانند، اندره شرآدام در صفحه ۱۵۰ کتاب خود بنام طرح پان ژرمنیست می نویسد: «پایه و اساس این طرح روی نقشه هامبورگ خلیج فارس مبتنی است.
آلمانها در سال ۱۸۸۴ دریافتند که محصول قند فرانسه به حد وفور در بنادر خلیج فارس می رسد آنان نیز در همان محدوده قند خود را که در هوتستاین تصفیه می شد به بهای نازلتری به خلیج فارس وارد کردند و تجارتخانه جوهارن ورث یک مرکز بازرگانی در بوشهر برای خرید گندم و جو – پوست حیوانات و فروش ذغال سنگ– اسلحه– سیمان– قند– صابون–لامپ و ماشین آلات کشاورزی متعلق به این کمپانی به بوشهر آوردند این تجارتخانه در سال ۱۸۹۶ ورشکسته شد.»
در سال ۱۸۹۷ دولت آلمان یک نایب کنسولگری در بوشهر دایر نمود که خیلی زود به کنسولگری تبدیل شد. کنسولان فعال این کنسولگری عبارت بودند از هدنک– راین هارت– روسله واسموس و آخرین آنان لیسته مان.
در سال ۱۷۶۳ کمپانی انگلیسی هند شرقی در بوشهر مستقر شد و رئیس محلی عرب بوشهر که شیخ سعدون نامیده می شد به ویلیام اندروپرایس فرماندار انگلیسی در خلیج فارس اجازه داد یک دارالتجاره در بوشهر دایر کند و برخلاف اروپائیان از کلیه عوارض گمرکی معاف گشته و انحصار واردات منسوجات پشمی را نیز داشته باشد. این امتیاز که در سال ۱۷۶۳ داده شده بود در ۲ ژوئیه ۱۷۶۳ از جانب کریم خان زند تصدیق گردید. از آن تاریخ بوشهر بصورت یک پایگاه بسیار مهم و قابل توجه انگلستان در خلیج فارس درآمد. در سال ۱۷۷۰ کمپانی مذکور موقتاً به بصره انتقال یافت اما سه سال بعد دوباره به بوشهر بازگشت. به سال ۱۸۰۰ سرجان ملکم با فتحعلیشاه مذاکره نمود و برای بازرگانان انگلیسی – هندی قراردادهای بازرگانی بست و امتیازات و انحصاراتی کسب کرد به ویژه با عقد قرارداد ۱۸۴۱ به انگلیسی ها امتیازات ویژه ای داده شد.
در سال ۱۸۱۴ کارگزاری بازرگانی بوشهر حذف شد و بجای آن یک نماینده سیاسی تعیین گردید و افسران سیاسی که دارای درجات نظامی بودند گماشته شدند مانند کلنل راس کلنل سرپرسی کاکس، گاهی اوقات مقاومت هایی در بوشهر رخ می داد مثلاً دوبار در سالهای ۱۸۵۷ و۱۹۱۵ که منافع انگلیسی ها به وسیله تنگستانیها که از اشغال بوشهر به وسیله اجانب ناراضی بودند، مورد تهدید قرار گرفت و لطماتی فراوان به نیروی اشغالگر وارد آمد.

۱ – ر–وادالا– نایب کنسول سابق فرانسه در بوشهر

تذکر نماینده استان بوشهر به رئیس جمهور :

چگونه مجوز حفاری در پارک نایبند به وزارت نفت داده شده است؟!



نماینده کنگان، دیر و جم با تذکر به رئیس جمهور، خواستار لغو مجوز تعرض به پارک ملی نایبند شد. در این تذکر آمده است: جناب آقای رئیس جمهور، محیط زیست متعلق به همه نسل های امروز و فرداست و همه در قبال حفظ و حراست از آن مسئولند. تخریب سواحل مرجانی ارزشمند جزیره خارک، صدور مجوز اکتشاف در تالاب هورالعظیم، احداث جاده در پارک ملی لار، تعرض به جاده پریشان، احداث پادگان و میدان مانور در پارک ملی کویر و دهها مورد دیگر مصداق های بارز عدم مراعات و عدم اجراء اصل ۵۰ قانون اساسی کشور عزیزمان می باشد. در همین راستا با کمال تاسف اخیراً مجوز تعرض به پارک ملی نایبند واقع در شهرستان کنگان که زیستگاه گونه های نادر جانوری و گیاهی می باشد صادر گردیده است. همانطور که مستحضرید علاوه بر ضرورت مراعات اصل ۵۰ قانون اساسی ضرورت مراعات کنوانسیونهای بین المللی که ایران در آنها عضویت دارد نیز برهمه طبق قانون واضح و مبرهن است. کنوانسیونهایی همچون کنوانسیون ۱۹۷۱ رامسر. آنچه در خصوص پارک ملی نایبند رخ داده است بار قانونی دارد و ادامه روند آن نگران کننده است. در ادامه ناگزیرم به استحضار برسانم مردم بی پناه روستاهای بخش عسلویه که در کنار این پارک ملی قرار دارند سالهاست مصرانه به دنبال احداث یک جاده روستایی ۱۰ کیلومتری جهت تسهیل و تسریع در دسترسی به به مرکز بخش می باشند اما متاسفانه به بهانه احتمال بروز صدمه به پارک ملی نایبند به آنها مجوز داده نمی شود.جای تعجب دارد چگونه مجوز حفاری در این پارک به وزارت نفت داده شده است؟!! آیا تردد انواع ماشین های سبک و سنگین و ...به این پارک صدمه وارد نخاهد کرد؟! صدور این مجوز خلاف اصل ۵۰ قانون اساسی و بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی می باشد. از حضرتعالی بعنوان مجری قانون اساسی درخواست اکید دارد دستور فرمایید با فوریت و اولویت رسیدگی لازم صورت پذیرد.
عسکر جلالیان نماینده مردم شریف دیر–کنگان و جم

مردی در گناوه قربانی یک گنجشک شد!

شلیک تفنگ ساچمه‌ای جوان ۱۷ ساله گناوه‌ای، باعث مرگ مرد همسایه شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس، در پی دریافت گزارشی مبنی بر بستری بودن مردی در بیمارستان فاطمه زهرا (س) بوشهر به علت تیر خوردگی، پلیس به تحقیق پیرامون این موضوع پرداخت. بر پایه این گزارش، در ادامه تحقیقات مشخص شد این مرد حدود یک هفته قبل هنگامی که روی پشت‌بام خانه خود مشغول بنایی بوده، بر اثر اصابت ساچمه تفنگ بادی مجروح و به بیمارستان اعزام می‌شود. ادامه گزارش حاکیست، متأسفانه اقدامات پزشکی در خصوص مداوای این مصدوم مؤثر واقع نشده و وی در بیمارستان فوت کرد، که پس از این حادثه تحقیقات پلیسی فنی‌تر دنبال شد، تا اینکه یکی از بستگان متوفی از جوان ۱۷ ساله‌ای شاکی شد که در امر نگهداری و تعمیر اسلحه‌های بادی فعالیت می‌کرد. این جوان بوسیله پلیس آگاهی گناوه توقیف گردید و مورد بازجویی قرار گرفت و به پلیس گفت: با استفاده از تفنگ بادی ۵/۵ قصد داشتم گنجشکی را که روی سیم برق درب منزلمان نشسته بود شکار کنم که تیر به گنجشک اصابت نکرد و دو ساعت بعد فهمیدم یکی از ساچمه‌ها به مردم همسایه برخورد کرده است!

شعار ما میتوانیم دولت نهم، نفس نایبند را به شماره انداخت

علیرضا ارزنده

متخصص ایمنی، بهداشت و محیط زیستسرممیز سیستم مدیریت محیط زیست و ارزیاب ارشد جایزه ملی مدیریت سبز ایران

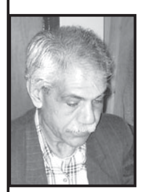
بر اساس اصل پنجاهم قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت محیطزیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیطزیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.
با نگاهی به تحرکات زیست محیطی دولت چه در دولت نهم و چه در دولتهای پیشین در می یابیم که اصل پنجاهم قانون اساسی اصلی فراموش شده می باشد. با نگاهی به آماری که در ادامه می آید خواهیم دید که دولت نهم در وادی تخریب محیط زیست و عدم توجه به این مقوله که ارتباط مستقیمی با توسعه پایدار دارد، گوی سبقت را از همه ربوده است.
موافقت دولت با احداث جاده در پارک ملی لار برای اتصال شهرستان نور به شمیرانات، اعطای مصوبه احداث صنایع نفت و پتروشیمی در سه استان شمالی بر خلاف مصوبات و قوانین قبلی، اعطای مصوبات و نقض حریم ۱۲۰ کیلومتری تهران و ۵۰ کیلومتری اصفهان، احداث جاده کنارگذر انزلی در میانه تالاب بین المللی انزلی علی رغم اعتراضات طرفداران محیط زیست و سازمان بازرسی کل کشور بر اساس مصوبه دولت، احداث جاده در مجاورت دریاچه پریشان و به آتش کشیدن هکتارها نیزار طبیعی به همراه جاندارانی که در آن زندگی می کردند، تصویب اتصال پاکدشت به اتوبان شهید بابایی با احداث جاده در پارک ملی خجیر تهران، تعریض جاده عبوری در پارک ملی گلستان و تبدیل آن به اتوبان چهار بانده بر خلاف مصوبات قبلی که انسداد این جاده را قطعی نموده بود، اعطای مجوز جهت لوله گذاری نفت در پارک ملی سرخه حصار، احداث پادگان نظامی در پارک ملی کویر، ایجاد میدان مانور در پارک ملی کویر، عدم توجه به گسترش پدیده کشند قرمز، واگذاری ۷۵۰۰ هکتار از اراضی تالاب هورالعظیم به شرکت نفت برای مدت ۳۰ سال جهت اکتشافات نفتی و تعیین تکلیف برای سازمانهای محیط زیست و جنگلها، کوتاه نمودن ارتفاع کوههای جزیزه ی خارک جهت احداث پتروشیمی و تخلیه سنگهای حاصل از این عملیات بروی بسترهای مرجانی جزیره، عدم توجه به کنوانسیونهای بین المللی از جمله مارپول در جزیره خارک و عدم چاره اندیشی برای مهار Ballast water کشتی ها تنها بخشی از اتفاقات زیست محیطی است که می توان به آنها به عنوان نمونه های از نقض اصل پنجاهم قانون اساسی اشاره نمود.
اعطای مجوز حفاری در پارک ملی نایبند توسط شورای عالی محیط زیست که شورایی پر ابهام می باشد مهمترین خبر زیست محیطی هفته ی گذشته می باشد. پارک ملی نایبند با مساحت ۴۹ هزار و ۸۱۴ هکتار خشکی و دریا در استان بوشهر و شهرستان کنگان واقع گردیده و یکی از نادرترین اکوسیستمهای خلیج همیشه فارس و حتی دنیا می باشد. پارک ملی نایبند با توجه به بهره مندی از دو اکوسیستم دریا و خشکی و دارا بودن پوشش گیاهی خشکی– آبی در کنار هم یکی از منحصر به فرد ترین پارک های ملی کشور می باشد. جنگلهای حرا در این منطقه بهترین زیستگاه برای جانداران دریایی می باشد. تنوع جانوری این پارک نیز قابل توجه است. در این پارک ملی می توان حیوانات خشکی زی نظیر گرگ، خرگوش، روباه، کفتار، شغال، آهو، قوچ، میش، کل و بز را مشاهده نمود. در بخش



دریا زی نیز می توان به وجود نهنگ گوژ پشت و دلفین در این پارک اشاره کرد. وجود پرندگانی نظیر چکاوک کاکلی، هوبره، حواصیل و خروس کولی سینه سفید که در خطر انقراض جهانی قرار دارد در پارک ملی نایبند بر اهمیت این منطقه از نظر زیست محیطی می افزاید.
با نگاهی به این مجوز عجیب، نکات قابل تامل بسیاری به چشم می خورد. در این مجوز قید گردیده شرکت نفت مجاز به احداث جاده نمی باشد! احتمالاً کسانی که این شرط را گذاشته اند یا آنان که این شرط را پذیرفته اند تا کنون عملیات حفاری را از نزدیک ملاحظه ننموده اند چرا که احداث کمپ و ترددهای فراوان جرئی از این عملیات می باشد.در بخش دیگری حفاری منوط به احیای منطقه به شکل اولیه و انتقال سازهای پس از اتمام کار گردیده است. به نظر می رسد تصویب کنندگان این مجوز با شرایط اقلیمی پارک ملی نایبند آشنا نبوده اند چرا که با توجه به محیط دریایی این پارک احتمال از بین رفتن جانداران دریا زی با توجه به تغییراتی که عملیات حفاری در محل ایجاد می کند در نظر گرفته نشده است. این شرط عملاً غیر اجرایی و عوام فریبانه می باشد چرا که عمده تهدیدات زیست محیطی در زمان فعالیت حفاری ایجاد می شود و تا پایان این عملیات خسارات غیر قابل جبرانی به اکوسیستم منطقه وارد خواهد آمد. از گل حفاری و دیگر ضایعات منتج از حفاری در همه جا و همه حال به عنوان جنبه های بارز زیست محیطی یاد می کنند و به نظر می رسد این موضوع در این مجوز به فراموشی سپرده شده یا شاید اصلاً به عنوان تهدید زیست محیطی عنوان نشده است. نظارت سازمان محیط زیست بر انتقال پسماندها (آب شور و نظایر آن) توسط تانکر از پارک ملی نایبند که یکی دیگر از بندهای این مجوز مشروط می باشد موضوعی بسیار تعجب برانگیز و شاید شادی آفرین باشد چرا که با توجه به عملکرد بسیار ضعیف این سازمان در سالهای اخیر می توان عاقبت کار را پیش بینی نمود البته قصد قصاص قبل از جنایت را نداریم اما نبض بیمارگونه ی سازمان محیط زیست امیدی به بهبود آنرا به دوستان محیط زیست القاء نمی کند. به مفاد کنوانسیون مارپول و عملکرد سازمان محیط زیست به عنوان یکی از ارکان آن توجه فرمایید.
در ابتدای مطلب اشاره ای به پر ابهام بودن شورای عالی محیط زیست نمودیم! شاید این سوال در ذهن خوانندگان نقش ببندد که چرا پر ابهام؟ این شورا از همان دسته شوراهایی بود که توسط دولت محترم منحل شده بودند اما چرا این شورا بر خلاف سایر شوراهای عالی منحل نشده است؟ چرا هرگاه نیاز به مصوبات آنچنانی می باشد این شورا سر از زمین بیرون میآورد؟ چرا هیچکس چهار متخصص عضو این شورای به اصطلاح عالی را نمی شناسد؟ کدامیک از وزرا در این شورا حاضرند؟ آیا جلسات این شورا در سازمان محیط زیست برگزار می شود یا در کمیسیون زیربنایی دولت؟ این مجموعه سوالات و تعداد بیشماری سوال دیگر دلیل ابهام وجودی این شورای عالیست.
از آنجا که عملکرد دولت محترم همواره نشانگر آن بوده که اگر قصد انجام کاری را داشته باشند به هر قیمتی آنرا به انجام می رساند و به حق شعار ما می توانیم را سرلوحه ی فعالیتهای خود قرار داده اند باید پارک ملی نایبند را قربانی بعدی تلقی نموده و تا دیر نشده برای گرفتن آخرین عکسهای یادگاری از یکی از نادرترین اکوسیستمهای جهان هر چه سریعتر اقدام نماییم. چرا که به قولی زود دیر میشود.
خوشبختانه در آخرین رایزنی هایی که با نمایندگان استان بوشهر داشتیم نمایندگان محترم استان با همکاری فعالان محیط زیست در این زمینه موضع مناسبی اتخاذ نموده اند. دکتر جلالیان نماینده مردم کنگان، دیر، جم و عسلویه در تذکری جدی به دولت و وزیر نفت، این مجوز را غیر کارشناسی و غیر مسئولانه خواند و با اشاره به اصل پنجاهم قانون اساسی و کنوانسیونهای بین المللی و قوانین پارک های ملی خواهان پاسخگویی دولت شد. امیدوارم تلاش دوستداران محیط زیست و نمایندگان استان قبل از آغاز فاجعه ی زیست محیطی در نایبند به نتیجه برسد و مانع از ضایع شدن این سرمایه ی ملی شود.

آخرین غزل سال۸۷

محمد حسن آرش نیا

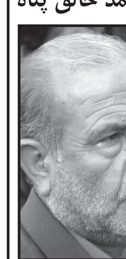


شوق پرواز نه زیبنده، این بال و پرست
روزگاریست که این بال زخوناب تر است
سایه ابر تری نیست بر این بام خراب
دود آهی ست که آغشته به خون جگر است
خاک صد بادیه خوف مرا خفته به چشم
پا در این ره نگذارید که بس پر خطر است
دل سودا زده هر لحظه به سوئی کشدم
دیرگاهیست که این «مونس شب»۱ در بدر است
سال ها رفت و در بسته این قلعه پیر
چشم در راه تن خسته یک رهگذر است
مرغی آواره ام و پیر که از جان شده سیر
لانه ای نیست که برگشت مرا منتظر است
نگه ام پرسه ساری ست به مرداب غروب
هدهد خانه بدوشی ست که بر هر گذر است
سر به زانو به خیالش بنشستم شب و روز
و آن جدا گشته ام عمریست که پا در سفر است
دودم از سر برود زآتش هجرش چون شمع
که دم باز پسینم نه نسیم سحر است
پای پر آبله از دربدری های دراز
گرگ خون تشنه ای امروز مرا پشت سراست
پیری ام گشت عیان بر همه خلق و چه سود
آنکه پیرم بنموده است زمن بی خبر است

۱ – «مونس شب» نام مرغی است که در دیر وقت شب از جائی ناپیدا می خواند یا میموید.

چرا زنگ دارید؟

اسکندر احمد نیا
به: احمد خالق پناه



شما چرا، زنگ دارید؟
تمرکز شاعر
بهم می خورد!
و ورود پریان دهرود
که با عشوه ی سکوت می آیند
در آوای بوق کشتی ها
شما چرا؟
چرا زنگ می زنند؟
و خلسه ی روحانی باغ های کلمه را
می رمانند؟
دست بر دست می کوبند
تا ته مانده ی غبار پیراهن بلند «شاتی»
چشمان از حدقه بیرون زده ی «عبدو» را
یکبار دیگر، از کوه
و تپه های آنسوی ده تیرها
در خونابه ی عقیق، بنشانند!
شما!
شما چرا زنگ
چرا زنگ شما، سنگ است؟
و تمرکز نازک شاعر
حول هیچ جای دلتان نیست؟
بوق؟
بوق ها را
از دامن ناهنجار کشتی ها
برچینید
و سنگ بر زنگ بزنید
تا اسب چار نعل تندیس
از بوی زمخت صداها
رم نکند
و چراغ قرمز خیابان
راستی، شما چرا زنگ دارید؟

خبر تازه ای نیست

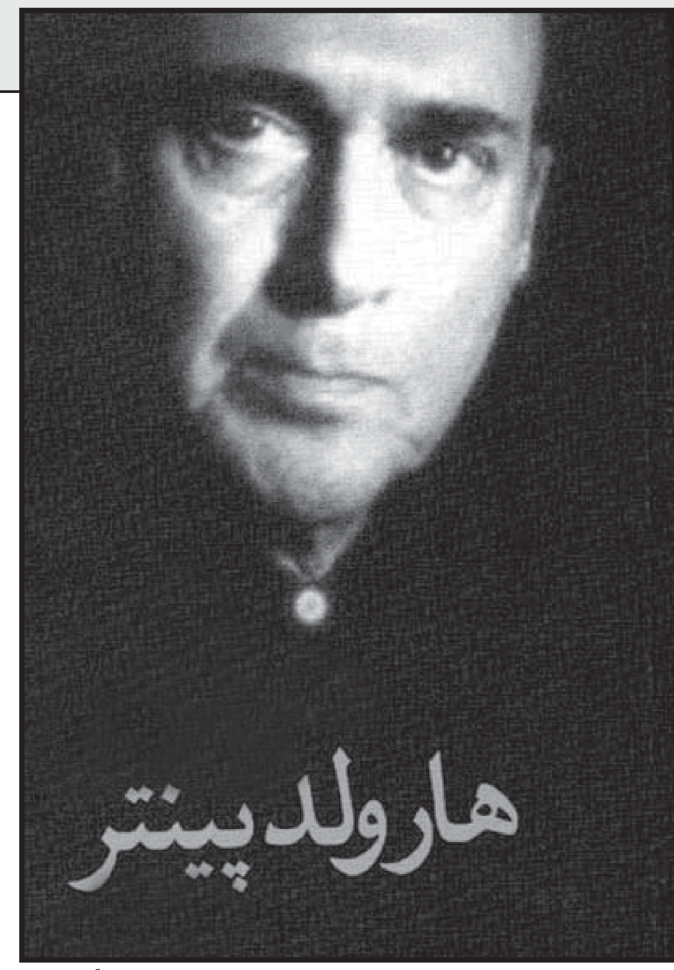
سایه درختیان

هنوز بوی همان حرف های دیروز می آید
و رویای فروخته شده ای،
که دیگر پس گرفته نمی شود
انگار تمام وزن های جهان در ترازوی آشپزخانه کشیده می شوند
بشقابها، قاشق ها. چنگال ها جنجال می کنند
و دیگ های نا آرام بر اجاق ها جوش می خورند و سر می روند
آینه ها هی تکثیر می شوند
و شکل دیروز زنی،
در روزنامه های عصر
به ساعت امروز برنمی گردد.

اتفاقاً هکنی جهنم خوبیه، اما نمی شه توش آفتاب گرفت

به یاد هارولد پینتر نمایش نامه نویس انگلیسی

محمد بدیه



امروز کمتر از یک ماه از مرگ هارولد پینتر نمایش نامه نویس انگلیسی می گذرد. هدف از این نگارش نقد و بررسی همه آثار هارولد پینتر نیست، چون در این مورد به اندازه کافی بیش از صدها نقد و مقاله مثل دیگر نویسندگان معروف نوشته شده است. حتی سطر، سطر و مکث های بین جملات که خود مروج و آورنده آن است زیر ذره بین های ریز کوچک و با چشم های گشاد رفته است و البته کمی هم در مورد او اغراق شده است، تعبیر و تفسیرهای متعدد و متضادی که مربوط به خیال و وهم منتقد است نه نویسنده و به قول مارکز حکایت را کمی خنده دار می کند. زایش در هر اثر هنری خود محصول، موقعیت، تعلقات و شیفتگی آورندگانش است. هر کس برخلاف طبیعتش عمل کند شکست می خورد. طبیعت همه ما مملو از انباشتی است که در انبانمان جا گرفته است (از کوزه همان برون طراود که در اوست) و این موقعیت که شامل زمان و مکان هم می شود خود همه چیز را به رخ ما می کشد. مثلاً زمانی که مارلوتمبرلین و شکسپیر کوریولانوس را به روی صحنه می برد در همان زمان سروانتس معاصر اسپانیایی شکسپیر بر اثر شکست های خویش و کشورش به آفرینش سلحشور غمگین مشغول بود. تماشاخانه های انگلستان فاتحان بزرگ را بر صحنه می بردند. پیروزی بر سپاه اسپانیایی ها سهم انگلیسی ها بود تا به سده هفدهم وارد شدند کمپانی هند شرقی تاسیس شد سفرهای اکتشافی هر لحظه مرز قدرت انگلستان را بسط می داد. بعد از این فروکش، فراغت ها و فلسفه و نوآوری و ورود به قرن بیستم و مولفه روانکاوی.

هارولد پینتر در سال ۱۹۳۰ در بخش هکنی لندن به دنیا آمد. او تنها پسر یک خیاط یهودی با تبار پرتقالی بود. نمایش نامه نویس در فضایی پرورش یافت که مملو از خشونت هایی بود که از وضعیت یهیودیان در آلمان هیتلری، و در زمان ظهور نئونازیسم در انگلستان بعد از جنگ بود. او در مسیر خانه اش بی اغراق می بایست با باندهای جوانان خشونت طلب بجنگد. در سال های بعد، جو همیشگی وحشتی که با آن زندگی کرد جزو بنیادین نوشته های او شد.

هارولد پینتر مثل دیگر درام نویسان قرن بیستم به دو مؤلفه بنیادین یکی فلسفه و دیگری روانکاوی توجه داشت. اضافه شود که کوتاه گویی، طرح داستان ایشان توی بوی چخوف می پیچید.

چخوف داستان نویس روسی بود که داستان کوتاه را به اوج رساند و تا هنوز هم سایه چخوف روی ادبیات داستانی سنگینی می کند. به قول ناپاکف داستان های کوتاه او پشت آدم را می لرزاند. سایه او همین طور، همینگوی در آمریکا به شکلی دیگر پینتر در انگلستان تحت تاثیر قرار می دهد.

مجموعه نمایش نامه های پینتر بر روی مفاهیمی چون رابطه و تهدید متمرکز شده است و این طور به نظر می رسد که این دو ملکه ذهن پینتر شده است. با در دست داشتن این مفاهیم او می خواهد فلسفه وجودی، قید و بندها و نقش شخصیت ها را محک بزند.

پینتر شخصیت هایش را یا اجازه بدهید بگویم، شما را در یک موقعیت تهدید قرار می دهد. شکی نیست که دیواره های تهدید، هر لحظه در حال فرو ریختن است. هر لحظه فرو پاشی و اخلال است و در نتیجه (رابطه) که این سوء تفاهم را برطرف کند شما از ترس این که خودتان را در معرض تهدیدی می بینید یا این که از رابطه برقرار کردن دوری می کنید (مثل دور از شتر بخواب و خواب آشفته نبین)

اما فقدان رابطه به طور طنز آلودی تهدید بیشتری را به وجود می آورد و این دور تسلسل باطل، رابطه و تهدید و تثبیت ادامه پیدا می کند. راویان و شخصیت هایی که در درام ها شلاق حوادث نمی خورند هیچ رنگی عوض نمی کنند، هیچ تغییری نمی بینند، نوستالژی تبلیغ می کنند از قدیم می گویند.

این ادبیات نیست خاطره نویسی است. اما موضوعی که احساس مرا برانگیخت و به این نوشته راغب کرد حس همدلی و نزدیکیم به پینتر و به محیطی بود که در آنجا (هکنی) متولد شده بود و دوران جوانی اش را در آن جا گذرانده بود. هنوز هم در بریتانیا از کلمه juish به طعنه (خسیس) بیشتر از اسکاتلندی ها استفاده و تکرار می شود juish در لندن هنوز هم البته ته صف آواره ها و دربدرها قرار دارند و هنوز از این صف خارج نشده اند.

نئونازیسم در انگلستان هم کار خود را می کند همان طور که پینتر در عنفوان جوانی با آن درگیر بوده است. از کودکی که حتماً پینتر از بزرگترها می شنیده تا جوانی که خود تجربه کرده است در روح و روان این نویسنده اثر گذاشته و به نظر تا آخر عمر این پرده به کنار نرفته است. اما هکنی از محله های قدیمی شرق لندن است. شرق لندنی ها لهجه خواص خود دارند و با آن تکلم می کنند و به آن لهجه kakni می گویند مثل زبان داش مشتی خودمان است هکنی دیروز جهنمی بود که پینتر در آن می جنگید. اما هکنی امروز محل گنگ های مافیای مواد مخدر و ناهنجاری، الکلیسم و یکی از خطرناک ترین محله های لندن است. سه نمایش نامه نخست پینتر، اتاق، جشن تولد، مستخدم ماشینی که مجموعاً تحت عنوان تمرین های تهدید نامیده می شوند اساساً در ارتباط با نمایش تهدید شخص در دنیا هستند و طرح ویرانی آدمی را زیر فشار تهدید می کشند. دو نمایش دیگر درد خفیف و سرایدار ناحق، بازگشت به خانه و چندین نمایش نامه دیگر همه آثار پینتر به نظرم از یک ساختار واحد و تقریباً مشابه در جاهای دیگر کمی جابجایی مختصر شکل می گیرد همه آنها با سه کلمه رمز کلید می خورد ریموند کارور قصه نویس آمریکایی که به سبک رئالیسم کثیف مشهور است خود از این شیوه بهره می گیرد و بنظر متأثر از پینتر است. پیرمردی در آپارتمانی با داشتن همسر و زندگی یکنواخت اولین تلفن ناشناسی به او زده می شود و کلمه عزیزم را می شنود اول مرد سکوت می کند این سکوت به تعبیر پینتر دو نوع است یکی وقتی که هیچ حرفی زده نمی شود و دیگر زمانی که سیلاب کلمات جاری می شود این گفتار به زبانی حرف می زند که در پشت خود پنهان شده است. مرد که نیاز می بیند وارد یک گفتگو شود نیاز دارد که در یک رابطه قرار بگیرد اما از دل رابطه دست های تپنده تهدید پیداست و به هم فشرده می شود. مرد یک پایش در آرامستان خیال (بخوانید قبرستان) و دست دیگرش در قفل بند، رابطه است که به تهدید می انجامد.

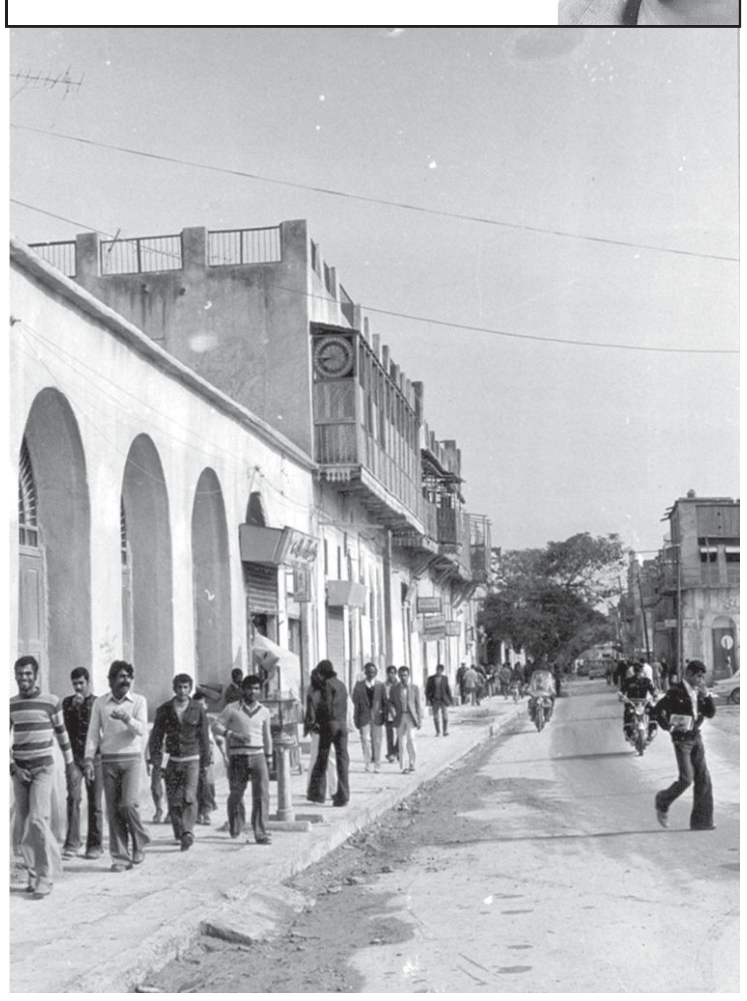
زمانی که مکث ها، طولانی می شود و تلفن را بی جواب می گذارد؛ طرف مقابل عذرخواهی می کند که (یعنی قفل فنری رابطه را به همین آسانی آزاد می کند تا به جای اولش بازگردد). نه، نه، جای عذرخواهی نیست تنها بودم...! این حرف طرف مقابل است. از آن طرف گوشی، دوباره رابطه و تهدید شروع می شود بی شک هارولد پینتر بر ادبیات جهان تاثیر گذاشته است و به همین خاطر جایزه ادبیات نوبل در حالی که نتوانست به دلیل بیماری به محل جایزه برود، دریافت کرد.

بوی گل یاس

به مناسبت روز معلم و یادی از یک معلم

نصراله احمدی





شایعه ای که توی دهان بچه ها افتاده بود را نمی توانستم باور کنم. مثل این همین دیروز بود که دیده بودمش خوب و سرحال، از آن طرف خیابان می آمد. با همان پیراهن راه راه و شلوار سیاه همیشگی.

سلامش که کردم عینکش را با نوک انگشت عقب زد و مثل همیشه تبسمی گوشه ی لبش را بالا برد. گفت: سلام جانم... حالت چطوره؟

از صبح باران ریز و دلگیری نم نمک می بارید و مثل این که تمامی نداشت. انگاری به دلم برات شده بود که اتفاقی می افتد. حتی وقتی آقای ماهینی بچه ها را برای ورزش برد بیرون، نگاهم که کرد همه چیز را فهمید. دست روی شانه ام زد و گفت: اگه حالت خوش نیس نیا.

بچه ها که بیرون رفتند آقای نامی، مدیر مدرسه، از دفتر بیرون آمد همراه آقای رزمی معاونش. آهسته با هم حرف می زدند. چیزی دستگیرم نشد. اول آقای درایی دبیر علوم را از کلاس بیرون آوردند، کمی با هم حرف زدند و بعد آقای مسیحا دبیر ریاضی و بعدش آقای موسوی دبیر تاریخ را از دور می دیدم که فقط آقای نامی حرف می زند و دست هایش را طبق عادت تکان می دهد.

چیزی طول نکشید که آقای نامی و رزمی از مدرسه بیرون رفتند، و زنگ راحت که خورد چو بالا گرفت. بچه ها به جنب و جوش افتادند. همه منتظر خبر جدید بودند.

من که نمی توانستم صبر کنم از مدرسه زدم بیرون و از ترس این که دیر شود قدم هایم را تند کردم و بی آن که متوجه باشم دیدم که دارم می دوم. حالا باران هم تیز می بارید و صورت و دماغم را می خراشید.

روزی هم که آقای اسدی آمد باران می بارید. تند و شلاق کش. نمی دانم چه ساعتی بود. سوم یا چهارم. زنگ که زدند بوی پاوتن عرق کرده ی بچه ها که ورزش کرده بودند زودتر از خودشان ریخت توی کلاس و طولی نکشید که در کلاس باز شد و مبصر که غافلگیر شده بود یهو داد کشید: برپا...!

صدای جیغ وارش بند دلم را پاره کرد ولی صدایی آرام، جبران داد مبصر را کرد: بفرمایید... چند تا از بچه ها سلام کردند: آسلام... آسلام... آقای اسدی بلند بالا بود و ترکه ای با عینکی ته استکانی. عینکش را جابه جا کرد و وسط کلاس ایستاد و آرام گفت: من اسدی هستم... دبیر ادبیات شما. و ساکت ماند با نگاهش کلاس را دور زد، کتاب فارسی را از علی کلانتر گرفت و ورق زد. بعد از جیبش یک پر گل یاس میان کتاب علی گذاشت که صدای بچه ها درآمد: آ برای ما... آ برای ما..

و دست هایشان را دراز کردند. آقای اسدی تبسمی کرد که شیرین بود و روی گونه اش چال انداخت. گفت: خیلی هس برای همه تون. مشتش را پر کرد و میان کتاب هر کدام از بچه ها یک پر گل یاس تازه سفید گذاشت. کاری که بعد از آن، هر روز که با او کلاس داشتیم می کرد و ما عادت کرده بودیم که بوی گل را جلوتر از ورودش احساس کنیم.

گل ها را میان صفحات فارسی گذاشته بودیم و دست نمی زدیم از ترس آن که مبادا چروکیده شود. فقط گاهگاهی دماغمان را میان اوراق کتاب فرو می بردیم و بو می کشیدیم و تا جایی که می توانستیم نفس را توی ریه هامان نگه می داشتیم.

آقای اسدی کتاب علی کلانتر را ورق زد و پرسید: درس تون کجاس؟

منتظر جواب نماند و با انگشت مرا نشانه گرفت: شما بخونید.

وقتی که دید سردرگمم به عقیل انصاری که کنارم نشسته بود اشاره کرد و او خواند: یکی از بزرگان اهل تمیز...

کلاس ساکت بود و همه ی سرها زیر. می دانستم که خیلی از بچه ها حواسشان به خواندن عقیل نیست.

هنوز شعر تمام نشده بود که زنگ زدند و بچه ها بال درآوردند. از خودم لجم گرفته بود که چرا قبل از آمدن به کلاس درس را از بچه ها سئوال نکرده بودم.

توی راهرو کلاس اول که رد شدم، دست آقای اسدی روی شانه ام بود. یواش که فقط خودم بشنوم گفت: نمی دونستی درس کجاس؟

با ترس نگاهش کردم. با تمام صورت به رویم لبخند زد. نمی دانم چه در نگاه و صدایش بود که یک مرتبه همه چیز را ریختم بیرون. از پدر تازه غرق شده ام تا بیماری مادرم که تنها نان آور خانه است و بار مسئولیتی ناخواسته ای که گرده ام را خم کرده.

حرف هایم که تمام شد فقط سنگینی دست او را که روی شانه ام می لرزید احساس کردم. سبک سبک شده بودم.

عصر آمد. خیس شده بود و پشنگه های باران روی عینکش گل انداخته بود. پرسید: کسی خونه نیس؟

خودم را کنار کشیدم تا داخل شود. گفتم: آ... مادرمون...

و شانه مادرم را که زیر پتویی گوشه ی اتاق در خود کلاف شده بود تکان دادم.

مادرم سراز زیر پتو بیرون آورد. چشم هایش سرخ شده و صورتش غرق عرق بود. سر بند سیاهی محکم به سر بسته بود.

آقای اسدی کنار در "یا الله" گفت و تو مشت سرفه ای کرد. مادرم که نیم خیز شد بی رمق در جایش وارفت و با گوشه ی سربندش اشک هایش را پاک کرد. آقای اسدی پاکت میوه ای را زمین گذاشت. هنوز توی آستانه ی در ایستاده بود. گفت: اگه اجازه بدید فردا بریم بیمارستان. به مادرم که نگاه کردم تردید توی صورتش موج می زد. کنارش زانو به زمین زدم و گفتم: معلم جدیدمونه. سرکوچه خودمون می شینه. مادرم چشم ها را هم گذاشت. تند تند نفس نفس می زد. انگاری چیزی روی سینه اش سنگینی می کرد.

آقای اسدی که برگشت تا برود، تازه متوجه ی لنگیدنش شدم. بعدها بچه ها گفتند از زانو به پایین مصنوعی یه... ترکش خورده.

دو هفته بعد که مادرم از بیمارستان مرخص شد. حالش خوب شده بود و مثل این که دنیا را به من داده بودند. یک نفس دویدم تا بیمارستان. جمعیت زیادی جمع شده بودند با پرچم های سرخ و سبزی که درهوا تکان می خورد. آقای نامی هم بود. چند تا از بچه های کلاس سوم داشتند با آقای رزمی حرف می زدند، پاهایم قدرت جلو رفتن نداشتند. رو پا نشستم و تکیه به دیوار دادم که بغضم ناخواسته ترکید.

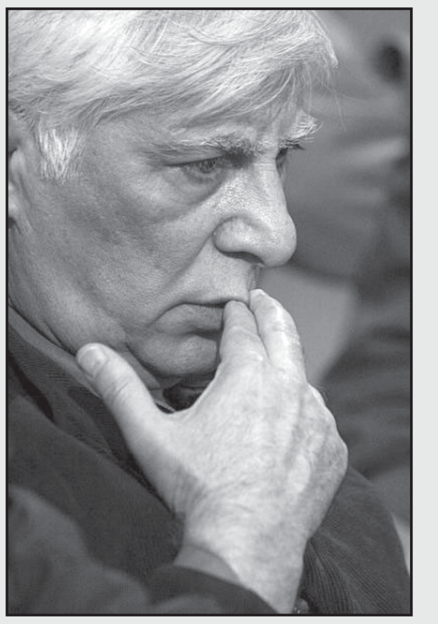
آمبولانس که از بیمارستان بیرون آمد، مادرم را دیدم. رنگش انگار کف پای مرده زرد و چرکمرده بود. یک دستش روی شانه ی خواهرم بود و دسته گل خیس و باران خورده یاسی توی دستش می لرزید. چشمش کاسه ی خون بود. آهسته به دنبال جمعیت راه افتادم. در وجودم چیزی لبریز شده بود و می خواست از راه گلو و چشمم بیرون بزند. بی اختیار گل ها را از مادرم گرفتم و دماغم را میان آنها فرو بردم. چشم هایم را بستم و بو را تا ته ریه هایم کشیدم... بوی گل یاس تمام تنم را سرریز کرده بود.

از دریچه سینما

هنر خوار شد

به بهانه نمایش فیلم " وقتی همه خوابیم"

پرویز هوشیار



گسترش فرهنگ ناهمگون در سطح باورهای خرافی و هنجارهای سنتی و مقاومت در برابر هر گونه تغییر و تحول هنجارها و عادات اجتماعی و روانی، موجب شکل گیری بینش و نگرش سطحی، غیر علمی و غیرعقلانی در گستره جامعه می شود. فرهنگ ناهمگون و غیر اصولی که بر بستر مناسبات اجتماعی کاسبکارانه ی قدرت های حاکم شکل می گیرد، مردم بی دفاع و خلع سلاح شده از کمک های فکری روشنفکران، هنرمندان و مصلحین اجتماعی را با ابزارهای مختلف در اختیار، در سطحی نگه می دارد تا قادر باشد سیاست های عقب افتاده و ناهماهنگ و غیر همسو با جهان مدرن را به ترفندهای مختلف به آن ها تحمیل کرده و آنها را همسو و همراه با خود، به گونه ای پرورش دهد تا بدین وسیله فرهنگ منحط و عقب نگه داشته شده را به عنوان فرهنگ و باورهای مترقی و مردمی به آنها حقنه کند.

هنر مقوله ای است با ویژگی خاص که هم می تواند ابزاری توانمند در دست هنرمندان در راستای پیشبرد آگاهی و شناخت مردم باشد و هم می تواند وسیله ای در دستان قدرت های حاکم بوده، تا بر بستر آن مانع از ارتقاء فرهنگ و باورهای مدرن و مترقی شده، با تحمیل و گسترش هنر غیر مردمی و مبتذل اهداف ارتجاعی خود را پیاده کنند.

سینما از موثرترین، پرجاذبه و توانمند ترین هنرهای هفتگانه است که می تواند به عنوان ابزاری مناسب در اختیار قدرت های حاکم قرار گرفته وموجب گسترش فرهنگ عقب افتاده، منفعل و سطحی نگر و خرافی گردد. فیلمهای "اکشن"، جنسی و بی محتوا که سینمای کشورهای سرمایه داری را قبضه کرده، در کشورهای عقب نگه داشته شده، به گونه ای دیگر گسترش یافته و به کمک آن ذائقه و سلیقه ی هنری و فرهنگ اجتماعی- روانی مردم را به سطحی تنزل می دهند که نا خواسته با هر گونه تغییر، تحول و گسترش جنبه های زیبا شناختی و هنرمندانه در سینما مخالفت کرده و با قهر خود موجب رشد سینمای منحط و غیر هنری می شوند. ساخت فیلم های لوده، غیر هنری و فیلم های به اصطلاح خانوادگی و اجتماعی، سلیقه و خواستگاه مردم را به سطحی تنزل می دهند که نمایش هر نوع فیلم هنری با تدوین غیر خطی و غیر روایتی، مورد پسند و علاقه مردم قرار نمی گیرد.

این کنش و واکنش، فیلمسازان هنرمند و متعهد را به علت عدم توان ادامه کار از گردونه رقابت در بازار خارج می کند و سینما ابزاری می شود در دست قدرت های حاکم تا به سهولت به توانمند در راستای مقاصد خود از آن سوء استفاده کنند. سینماگران فرصت طلب و کاسب کار نیز از این بازار مکاره بهره گرفته، برای پرکردن جیب خود سینمای روایتی و ساده، با چاشنی لودگی و فیلم های عاشقانه سطحی بازاری ساخته و ترویج می کنند. این گونه سینما از طرف نمایندگان قدرت های حاکم تقویت شده و هر روز بر تعداد آنها افزوده می شود و سینمای هنری و قابل قبول، غریب و مهجور می ماند.این مصیبت که نه تنها در عرصه سینما بلکه در عرصه موسیقی، نقاشی و... چون بختک بر سر فرهنگ این مرز و بوم سایه افکنده و با تمام توان در حال خفه کردن آن است. در این وانفسا که اکثر زمینه های ارتقاء و رشد علم، هنر، دانش و... با مقاومت مرتجعین و تمامیت خواهان همراه است، وظیفه روشنفکران و نخبگان و هنرمندان، خطیرتر و سنگین تر کرده است، آنها باید با تمام توان و همبستگی، اتحاد و اتفاق، تا دیر نشده بستری مناسب پیدا کرده، رهنمون خود و مردم قرار دهند تا هنر و علم و .... در جاده حقیقت افتاده به سوی هدف مقدس انسان پیش رود.

زمانی که ذائقه و سلیقه مردم همچون گذشته متمایل به پذیرش سریال های وارداتی کره ای، چینی و دسته چندم غربی و سریال های قصه پردازانه و غیر هنری وطنی می شود، دیگر سینمای هنری محلی از اعراب ندارد و فیلم " وقتی همه خوابیم" ساخته استاد بیضائی نیز نمی تواند هزینه ساخت خود را برگرداند و همین امر موجب می شود سینما بهمن بوشهر مجبور می شود این فیلم را با حداکثر ده تماشاگر علاقمند به فیلم" وقتی همه خوابیم" نمایش دهد، اما فیلم و سریال های ضعیف و غیر هنری با چاشنی لودگی که از طرف رسانه ملی پشتیبانی می شود، مورد پسند مردم واقع شده و گیشه ها را تسخیر می کنند.

فیلم خوش ساخت و هنرمندانه " وقتی همه خوابیم" با کمی اغماض از ضعف جزئی انتخاب فیلمنامه (که شاید اجبارا به منظور گرفتن مجوز انتخاب شده) با مهر و امضاء استاد بیضائی ساخته شده است، فیلم آن قدر با ساخته های بیضائی همسو و همگون است که بدون نوشتن نام کارگردان در تیتراژ فیلم به سهولت قابل تشخیص است که فیلم ساخته ی یک سینما گر مولف نام آشنا ست. فیلم با استادی تمام موضوعی مبتلا به جامعه بیمار سوداگر را با بازی روان و قابل قبول به نمایش گذاشته و هنرمندانه با جابجائی شخصیت ها، نگرش و تمایلات غیرانسانی آنها را نشان می دهد.

نسیم جنوب
۵
سیاسی
شماره ۵۴۴ یکشنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

یک سوال، یک نظر

آیا شوراها موفق بوده اند؟

به مناسبت روز شورا
در قوانین پائین دستی اختیارات شوراها بسیار محدود است



محمدی باغملایی (رئیس شورای شهر بوشهر): شوراها به عنوان یک نهاد مستقل مدنی محصول اراده ملت و مظهر اعمال حاکمیت مردم هستند لذا از جایگاه حقوقی بسیار بالایی برخوردار می باشند. علی رغم وجود موانع و مشکلات و محدودیت های زیادی که فرا روی شوراها وجود دارد، ولی شوراها توانسته اند به عنوان یک پایگاه مردمی و یک نهاد مدنی آرام آرام جای خویش را در عرصه های مختلف اجتماعی باز کنند.

موفقیت شوراها یک امر نسبی است و بستگی به عملکرد هر شورا دارد که در مجموع می توان تجربه نظام شورایی را در کشور یک تجربه موفق دانست که البته تا رسیدن به یک نظام شورایی مطلوب راه زیادی در پیش داریم. شایان ذکر است که توسعه واقعی کشور محقق نخواهد شد مگر اینکه دولت و حوزه های عمومی و خصوصی در کنار هم و با مشارکت و پذیرش یکدیگر شکل بگیرند، ضمن اینکه در همین مسیر موانع متعددی فراروی شوراهای اسلامی وجود دارد که می تواند موفقیت آنها را کاهش دهد از جمله: کافی نبودن اختیارات شوراها، تمایل شدید دولت به تمرکز اختیارات و تصدی گری امور، عدم اعتماد کامل به شوراها، وجود قوانین و مقررات پراکنده پیرامون شوراها و نبودن یک قانون جامع و تدوین شده، عدم اجرای طرح مدیریت واحد شهری(مواد ۱۳۶ و ۱۳۷ قانون برنامه سوم و برنامه چهارم توسعه)، فاصله زیاد بین وظایف برشمرده شده شوراها در قوانین و مقررات با اهداف عالی که در قانون اساسی برای شوراها پیش بینی شده. در قانون اساسی آمده است که شوراها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند در حالیکه در قوانین پائین دستی اختیارات شوراها بسیار محدود است.

توفیقات شورای شهر نسبی بوده است



شاهپور رجایی (شهردار بوشهر): عدم واگذاری در حوزه مدیریت محلی یکی از دلایل عدم توفیق کامل شوراهاست. با توجه به روندی که در حوزه مدیریت شهری حاکم است، پراکندگی خاصی بویژه در حوزه خدمات رسانی وجود دارد و تشکیل شورای شهر و رسیدن به یک بلوغ مدیریت، می تواند به انسجام و تشکیل مدیریت واحد شهری کمک کند. البته این اقدام ابتدا باید ازحوزه بالا دستی برای مدیریت شهری آغاز شود و بعد دستگاه های زیرمجموعه. شورای شهر به عنوان نمایندگان مردم هستند و بیشترین صلاحیت را در مدیریت شهری دارند و با تشکیل پارلمان شهری، وحدت و انسجام در حوزه مدیریت شهری بارزتر خواهد شد اما در هر صورت سومین دوره شورا را پشت سر گذاشته ایم و نمی توانیم بگوییم که شوراها هنوز جوان هستند چرا که در عصر تکنولوژی و اطلاعات به سر می بریم و یک دوره ۱۰ ساله هم برای بلوغ شوراها کفایت می کند و می توان این انتظار را از مجموعه شورا داشت که یک مدیریت خوبی داشته باشند. اما در پاسخ به این سوال که شوراها چقدر موفق بوده اند باید بگویم که هنوز در کل کشور ارزیابی درستی ندارم که یکی از دلایل آن اعمال محدودیت ها و عدم هماهنگی دولت های مختلف با شوراهاست و متاسفانه هنوز این باور در تصمیم گیرندگان دولتی ایجاد نشده که باید مدیریت محلی را به شوراها واگذار کنند. عدم واگذاری در حوزه مدیریت محلی یکی از دلایل عدم توفیق کامل شوراهاست و دلیل دوم بر می گردد به نگاهی که شوراها دارند و اینکه آیا این باور در خرد جمعی ایجاد شده که قادر هستند پارلمان شهری تشکیل دهند و اداره کنند. هنوز در شوراها این باور ایجاد نشده که می توانند شهرها را مدیریت کنند و میزان دلبستگی به دولت را کاهش دهند و در مجموع می توان گفت که توفیقات شورای شهر نسبی بوده است.

بخش اعظمی از اهداف حاصل شده

عبدالحسین انصاری (رئیس شورای شهر شبانکاره): بر اساس قانون اساسی برای پیشبرد سریع برنامه اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی و سایر امور رفاهی و اداره امور هر محل با نظارت شورا باید صورت گیرد که البته این نظارت نشأت گرفته از نظریات مردمی ست که باید در قالب قانون و مقررات کشوری اعمال شود لذا با توجه به کاستی ها و یا گاها عدم تعامل و هماهنگی که از سوی بعضی از دستگاه های اجرایی یا عدم آشنایی شوراها، ممکن است پیش آید لیکن باید اذعان داشت که تقریبا بخش اعظمی از اهداف مورد نظر حاصل شده است و با توجه به تجاربی که در طول زمان کسب خواهد شد، امید است که در آینده موفقیت بیشتری داشته باشند. این هماهنگی باید قانونمند شود تا سازمان ها و نهاد های اداری، شورا را یار و مددکار خودشان تلقی نمایند که متاسفانه این مسئله هنوز در فرهنگ اداری نیاز به کار دارد.

عملکرد شوراها را موفق می دانم

احمد بارگاهی (نایب رئیس شورای شهر خارگ): الحمدالله شوراها توانسته اند کلیه مسائل و مشکلات مردم را به دولت ارائه دهند و اکثر مصوبات دولت در سفرهای استانی بر اساس خواسته های مردم بوده که از طریق شورا به دولت ارائه داده شده و یکی بعد از دیگری در حال انجام است و طی یک دوره ۴–۵ ساله همه مسائل و مشکلاتِ زیر ساختی و اساسی مردم عملی می شود. در این دولتِ عدالت محور عملکرد شوراها را موفق می دانم و البته در عملیاتی و اجرایی شدن برخی از مصوبات با کارشکنی بعضی از مسئولین جزء در برخی وزارتخانه ها مواجه ایم که باعث کند شدن و حتی معطل ماندن برخی از پروژه ها می شود.

انعکاس مشکلات به مسئولین ذیربط

علی دریانورد (رئیس شورای شهر عسلویه): اگر حمل بر خودستایی نشود می توان گفت که این شورا با توجه به تعاملی که با امام جمعه و بخشدار و سایر نهادهای مستقر در شهرستان و شهر عسلویه داشته، توانسته است به اهداف مورد نظر که انعکاس مشکلات منطقه به مسئولین ذیربط است دست یابد لیکن باز هم برای دستیابی کامل به اهداف و خواسته های مردمی شورا در حال فعالیت است.

میزگردِ نسیم جنوب در خانه کار و کارگر بوشهر

کارگران در روز کارگر، نگرانند

به مناسبت روز جهانی کارگر



هفته نامه نسیم جنوب در آستانه فرارسیدن هفته کار و کارگر، میزگردی را با حضور رئیس خانه کار و کارگر، نماینده کارگران در کارخانه اعتمادیه و نماینده کارگران شرکت صنایع شیمیایی برگزار کرد. این میزگرد به منظور مطرح شدن وضعیت و مشکلات فعلی کارگران بود که در زیر می خوانید:

رئیس خانه کار و کارگر بوشهر در این نشست از وضعیت نابسامان کارگران بوشهری در استان صحبت کرد چیزی که چندان تازگی ندارد اما متاسفانه میزان وخامت آن بیشتر شده است.

ورود به سال جدید با عدم امنیت شغلی و اخراجی های بی رویه کارگران

رئیس خانه کار و کارگر بوشهر گفت: «ورود ما به سال جدید و هفته کارگر با عدم امنیت شغلی کارگران و عدم پرداخت حقوق کارگران و اخراجی های بی رویه کارگران مواجه است و ما گلایه هایی را از مسئولین استان داریم به خصوص از استاندار به این دلیل که به عنوان رئیس خانه کارگر برای بیان مشکلات کارگران چندین بار از استاندار به عنوان بالاترین مسئول تصمیم گیری در استان، تقاضای وقت کردم ولی تا به امروز جواب مثبتی دریافت نکردم در حالی که بیش از ۱۲ سال است که تشکل های کارگری را اداره می کنم و استاندارهای مختلف با تفکرات مختلف در استان آمده اند و یک همکاری تنگاتنگی با تشکل خانه کارگر داشتند و این هماهنگی باعث شده بود که ما کمترین مشکلات را سطح کارگری و کارفرمایی داشته باشیم.»

عیسی محمد کمالی افزود :«متاسفانه بیش از ۳ سال است که به لحاظ یک سری تفکر سیاسی که بر جامعه حاکم شده، ما از این تفاهم محروم شده ایم و این محرومیت خانه کارگر با دستگاه های اجرایی باعث پایمال شدن حقوق کارگران در سطح استان شده است. به طور شفاف می گویم که این عدم همکاری باعث شده که سازمان کار که نماینده دولت در اجرای قوانین و دستورالعمل های کارگری و کارفرمایان است به جای کارفرما دارد برای کارگران تصمیم می گیرد و امروز ما در اداره کار شاهد تصویب رأی هایی هستیم که شاید بدون حضور نماینده کارگران صورت می گیرد، ولی ما به لحاظ اینکه نخواهیم تنشی ایجاد کنیم تا الان سکوت کردیم و این سکوت باعث هجمه بیشتر سازمان کار به خانه کارگر و به نمایندگانی که با خانه کارگر ارتباط دارند شده است.»

کمالی افزود: «نماینده ای که می خواهد به خانه کارگر بیاید باید شبانه و بی خبر بیاید که اگر متوجه شدند، هم نمایندگی کارگر را از دست می دهد و هم از آن شرکت اخراج می شود و یا اگر شرکت خصوصی به خانه کارگر کمکی کند، بلافاصله به آن شرکت اعلام می شود که خدمات را کسر یا قطع کنید و در غیر این صورت برخورد صورت خواهد گرفت و اینها مسائلی است که متاسفانه دارند به آن دامن می زنند و من متأسفم که برخلاف استان های دیگر، این گونه حرکات در استان ما وجود دارد.»

وی با انتقاد از نحوه برخورد دولت با خانه کارگر گفت: «از بعد از پیروزی انقلاب تا قبل از این ۲–۳ سال کلیه مراسم های خانه کارگر به عهده خانه کارگر و با مشارکت اداره کار بود ولی متاسفانه در این چند سال اخیر خود اداره کار همه کارها را انجام می دهد در صورتی که در سنوات گذشته بنا بر این بود که مراسم روز کارگر، مردمی اداره شود یعنی نهادهایی که پایگاه مردمی دارند مراسم را برپا کنند نه دولت و دلیل این کار را سیاست وزارت کار و وزیر عنوان کردند و من همین جا اعلامی می کنم که اگر وزیر هم چنین دستوری داده، کار سیاسی انجام می دهد؛ با صراحت بگویم که این برخورد وزارت کار و سازمان در این ۲–۳ سال درست نبوده چرا که نظرشان این است که خانه کارگر سیاسی ست در صورتی که اساسنامه خانه کارگر یک تشکیلات صنفی است.»

اخراج کارگران صدرا به بهانه تغییر ساختار

عیسی محمد کمالی در ادامه به مشکلات کارگران صدرا اشاره کرد و گفت: «آقایان به بهانه تغییر ساختار شرکت صدرا، کارگران را اخراج کردند. سوال من این بود که در این مدت چه تغییر ساختاری ایجاد شده است؟ آیا جوابی هم برای این کارگران و خانواده هایشان دارید و من از نماینده بوشهر می پرسم که وضعیت کارگران صدرا به کجا رسید؟ همان موقع به ما می گفتند که شما چیزی نگویید و ما را تحریم کردند و در یک جلسه کارگری را که هیچ مسئولیتی در صدرا نداشت به عنوان نماینده کارگران در جلسه شرکت دادند، ولی خانه کارگر و نماینده آنان و رئیس کانون را در جلسه راه ندادند تا به خاطر عدم حضور ما، خواسته های خودشان را انجام دهند.»

امسال به نشانه اعتراض در هفته کارگر هیچ کاری نمی کنیم

کمالی در این نشست و در حضور تعدادی از نمایندگان کارگران با بیان



اینکه امسال برنامه ای برای کارگران نداریم گفت: «امسال تصمیم گرفتم که به نشانه اعتراض، در هفته کارگر هیچ کاری نکنم تا دستگاه های دولتی مراسم روز کارگر را برپا کنند. در این ۲–۳ سال کارگر به چه وضعیتی رسیده است؟ امروز جشن اشتغال می گیرند آیا آمار اخراجی ها را اعلام کرده اند؟ یکی از مشکلاتی که امروز کارگران کشور و به تبع آن استان با آن مواجه هستند عدم سیاست های درست دولت در خصوص قوانین صادرات و واردات است. بهترین و راحت ترین روش حل مسئله، اخراج کارگران است در صورتی که در دنیا اخراج کارگر آخرین فاکتور برای رفع بحران یک کارخانه است و در ایران اولین راه، چون کارگر هیچ پناهگاهی ندارد و هیچ کس هم برای دفاع از حق او نیست و آنکه هم که می خواهد از حقشان دفاع کند، انگ سیاسی می زنند.»

دولت خودش به جای کارگر و کارفرما تصمیم می گیرد

کمالی گفت: «نماینده کارگری که باید مدافع حقوق کارگر باشد توسط سازمان کار انتخاب می شود در نتیجه دولت خودش به جای کارگر و کارفرما تصمیم می گیرد و این موضوع باعث شده که کارگران به این حال و روز بیفتند در حالیکه ما زمانی می توانیم به وضعیت کارگران و شرکت های تولیدی کمک کنیم که دستمزد کارگر بالا رود و توان خرید شرکت هم بالا رود، ولی می بینیم که دستمزد کارگر همیشه پایین است.»

با قرارداد موقت، نمی توانیم از امنیت شغلی صحبت کنیم

کمالی در ادامه به موضوع امنیت شغلی کارگران اشاره کرد و گفت: «وقتی قرارداد موقت بر سرنوشت کارگر حاکم می شود، نمی توانیم از امنیت شغلی صحبت کنیم. در کجای دنیا سراغ دارید که سازمانی که خودش متولی دفاع از حقوق کارگر می داند برای اخراج کارگر رای صادر می کند؟ حمایت از کارفرما وظیفه وزارت صنایع است؛ اداره کار مسئول اجرای قانون کار است ولی متاسفانه از زمان ورود جهرمی به وزارت کار، طرح اصلاح قانون کار مطرح شده است. البته من نمی گویم اصلاح قانون بلکه می گویم ذبح قانون و بندهایی که به ضرر بعضی ها است و می خواهند آن را از بین ببرند.»

نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه اعتمادیه در به در شدند

شرکت ریسندگی و بافندگی اعتمادیه بوشهر تنها شرکتی در استان است که بیش از ۶۰ سال سابقه کار دارد و در این ایام ۶۰ ساله هم بیش از ۱۰هزار نفر نیرو در این شرکت کار کردند که از سال ۱۳۱۷ تا کنون در ۳ مرحله بازسازی شده و این اواخر و در سال ۱۳۸۲، ۲۰۰ نفر در آن مشغول به کار بودند این شرکت نیز در این اواخر با مشکلات زیادی روبرو شده است و به مدت ۵ ماه است که کارخانه تعطیل می باشد.

سید موسی میرجهانمردی عضو کانون بازنشستگان و به عنوان نماینده کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی اعتمادیه در این میزگرد شرکت کرد و از مشکلات پیش روی کارگران کارخانه اعتمادیه سخن گفت.

میرجهانمردی گفت: «عمده مشکلات کارخانه اعتمادیه کمبود نقدینگی است که به علت واردات بی رویه و بیش از مصرف ایران به نخ و پارچه باعث شده که اکثر نساجی های ایران تعطیل شوند و با تولید بسیار کم مشغول به کار هستند که این محصولات وارداتی قیمت کمتری نسبت به تولیدات داخلی دارد. یکی دیگر از مشکلات در تبدیل ارز از دلار به یورو بوده که شرکت به خاطر بازپرداخت مبلغ بیش از ۲۰۰ میلیون تومان زیان داد و از دیگر مشکلات عقب ماندن اقساط آن است.»

از ۷۰۰ میلیون تومان تسهیلات مصوب، یک ریال به اعتمادیه نداده اند

وی افزود: «با توجه به این مسائل، مسئولین استان همکاری کردند و موافقت شد که به شرکت اعتمادیه تسهیلات مالی بدهند و این مصوبه استانی به تهران ارجاع داده شد و در اواخر سال گذشته در کمیسیون منتخب دولت تصویب شد که برای چند شرکت از استان بوشهر نزدیک به ۷۰۰ میلیون تومان تسهیلات دهند و از همان زمان تا کنون که در اردیبهشت سال ۱۳۸۸ هستیم یک ریال هم به شرکت نداده اند و از آذرماه ۸۷ تا کنون شرکت اعتمادیه تعطیل است و نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارگرانی هم که داشت در به در شدند و در حال حاضر درب کارگاه بسته است و هیچ کس هم سر کار نیست.»

میرجهانمردی در ادامه به عدم همکاری بانک ها در دادن تسهیلات به شرکت ها اشاره کرد و گفت: «بانک عامل ما بانک تجارت بود که مسئول آن جهت دادن تسهیلات به کارخانه موافقت نکرد به این دلیل که قسط های عقب مانده ای بابت خرید تجهیزات داشتیم و از دادن وام به این شرکت خودداری کرد، اما در این ۵ ماه چندین جلسات متعددی برگزار کردیم اما تغییری صورت نگرفت و در یکی از جلسات رئیس بانک اعلام کرد که کارگران را به بیمه بیکاری بفرستید تا تکلیف مشخص شود، یعنی حاضر نشدند که تسهیلاتی بدهند تا کارگران از نان خوردن نیفتند و اعلام کردند که بروند بیمه بیکاری دریافت کنند؛ کارگران هم هر روز به کارخانه سر می زنند و می بینند که باز هم در بسته است و در این مدت عده ای که بیمه بیکاری شاملشان می شود، دریافت می کنند و بقیه هم هیچ.»

وی در پایان با حمایت از کارگرهای باسابقه ای که در کارخانه اعتمادیه مشغول به کار بودند گفت: «کارگرهائی با ۲۰–۲۵ سال سابقه کار در شرکت اعتمادیه زیاد است و اگر همه مسئولان نظام کاری کنند که شرکت اعتمادیه و سایر شرکت های دیگر کمک شود کمک بزرگی به جامعه کارگری کرده اند، جامعه کارگری سکوت کرده و مسئولین نباید بگذارند که حق آنان پایمال شود؛ متاسفانه جامعه کارگری بی صاحب است. اگر صاحب داشتند این مسائل و مشکلات سرشان نمی آمد.»

اگر تسهیلات بانکی تا آخر اردیبهشت ماه به ما نرسد، مجبوریم که در شرکت را ببندیم

شرکت صنعتی شیمیایی بوشهر در سال ۱۳۶۰ تاسیس شد و از آن زمان در تولید رنگ ساختمانی شروع به کار می کند و درسال ۶۳ به خاطر وجود بازار رقابتی تولیداتش را گسترش می دهد تا بتواند در بازار، رقابت ایجاد کند. بعد از رنگ های صنعتی در تولید رزینه های آلکی و رزینه های پلی استر فعالیت می کند که بزرگترین تولید کننده رزین در کشور و سومین تولیدکننده در خاورمیانه می شود. اما طی دو گذشته با مشکلات متعددی مواجه شد و حتی زمزمه های تعدیل نیرو و اخراج کارگران به گوش می رسد و اعلام شده که اگر تا آخر اردیبهشت ماه تسهیلات بانکی به آن نرسد شرکت تعطیل می شود.

حسین کرمی به عنوان نماینده شرکت صنایع شیمیایی در این میزگرد شرکت داشت و گفت: «ما اصلا مشکل پرداخت حقوق کارگران را نداشتیم و تمام مزایا تا پایان سال داده می شد امام الان حدود ۲–۳ سال است که شرکت به خاطر مشکلات عدیده (کارگری، اداری و اقتصادی) با معضل مواجه شود و حقوق ۴ ماه کارگران خود را پرداخت نکرده است.»

کرمی افزود: «بیشترین بدهی به بانک صادرات است که بیش از ۱۰ میلیارد تومان است که متاسفانه این بدهی ها باعث شده، بازپرداخت اقساط با تاخیر انجام شود و سود حاصله از عدم دیرکرد پرداخت این وام ها باعث شود که شرکت را دچار تزلزل و ورشکستگی کند. در حال حاضر واردات بی رویه محصول از خارج از کشور باعث شده که شرکت را تا حد ورشکستگی پیش ببرد و یکی دیگر از مشکلاتی که بر سر راه شرکت ها است، بالا بودن سود حاصله بانک هاست که همه کمر شکن هستند و دیگری عوارضی ست که شهرداری برای شرکت بوجود می آورد در حالیکه قبلا پرداخت عوارض صورت نمی گرفت، اما یکسالی ست که شهرداری دنبال قضیه را می گیرد و عنوان می کند که حتی از کالای واسطه ای هم باید عوارض دریافت کند و در پایان سال ۸۷ هم اخطاریه ای به مسئولین شرکت داده بودند مبنی بر پرداخت عوارض.»

همه مشکلات متوجه جامعه کارگری می شود

کرمی با بیان اینکه بیش از ۸۰ درصد از کارگران ما جزء قراردادهای موقت هستند عنوان کرد: «قراردادهای موقت یکی دیگر از مشکلاتی ست که دست به گریبان کارگران ما است و بیش از ۸۰ درصد از کارگران ما جزء قراردادهای موقت هستند که متاسفانه معضل بزرگی برای کارگران است و دیگری عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران می باشد که شرکت ها هم به دلیل بالا بودن بدهی هایشان به بانک ها و عدم پرداخت آن، به اولین قشری که ضربه می زنند کارگر است و این جریان باعث شده که همه مشکلات متوجه جامعه کارگری شود.»

وی در ادامه اظهار داشت: «تقریبا تمام بانک ها پرداخت تسهیلاتشان را متوقف کردند و یا اگر تسهیلاتی می دهند مستلزم وجود شرایطی ست که برای شرکت ها بسیار سخت است در حالیکه اگر تسهیلات بانکی تا آخر اردیبهشت ماه به ما نرسد مجبوریم که در شرکت را ببندیم در صورتی که این شرکت نزدیک به ۳۰ سال مشغول به کار است و یکی از بهترین شرکت ها در پرداخت بدهی کارگران بود که دچار مشکل شده و می توان گفت سیاست های غلط اقتصادی در پرداخت تسهیلات، عدم حمایت دولت، عدم حمایت ارگان هایی که مسئول ایجاد این بحران هستند باعث شده که همه مشکلات گریبان گیر کارگران شود و امیدوارم که امسال با وجود اینکه مشکلات کارگری در حد بالاتری قرار گرفته، گشایشی شود و حرکتی انجام شود تا بتوانند مشکلات شرکت ها، در حدی که بتوانند حقوق و مزایای کارگران را پرداخت کنند حل شود.»

فعالان کارگری در استان یا خانه نشین شده اند و یا مورد بی مهری قرار گرفته اند

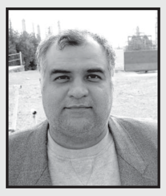
احمد مظفری نماینده کارگران آب و فاضلاب شهر بوشهر نیز گفت: «متاسفانه امروز وضعیت به صورتی ست که تمام نمایندگان باید به صورت فرمایشی کار کنند و ما نمایندگان اسبق نخواستیم که زیر بار این فرمایشات برویم و این باعث شده که مورد بی مهری قرار بگیریم. در این میان فعالان کارگری در استان یا خانه نشین شده اند و یا مورد بی مهری قرار گرفته اند و یا به جرم سیاسی منع فعالیت می شوند. امروز می بینیم به جای اینکه در کارهای موقت ایجاد شغل شود، موجب قطع شغل شده است که شرکت صدرا نمونه بار آن می باشد.»

احمد مظفری افزود: «من فکر می کنم آقایانی که در صدر کار هستند خودشان کارفرما هستند و در این میان بیشتر نقش دخالتی دارند تا نظارتی. اگر کارگر و کارفرما با هم تفاهم داشته باشند، دولت تنها باید نظارت داشته باشد که متاسفانه همه اینها در دست دولت است. دولت، عزیز و محترم است ولی در این قضیه کمی تند عمل کرده که همه به صورت هرج و مرج و عدم امنیت شغلی جلو رفته است.»

یک سوال، یک نظر

عملکرد شورای شهر بوشهر؟

عملکرد فرهنگی شورای شهر بوشهر، بسیار نازل و غیر قابل قبول است



سید قاسم یاحسینی (نویسنده): به باور من ترکیب فعلی شورای شهر بوشهر یکی از فرهنگی ترین ترکیب ها در تاریخ کوتاه مدت این شورا در شهر بوشهر بوده است. من وقتی که در آغاز این ترکیب را دیدم بر این پندار بودم که شورا و شهرداری کار فرهنگی و مطبوعاتی را جدی می گیرند اما به هر دلیل، متاسفانه عملکرد فرهنگی شورای شهر فعلی بسیار نازل و غیر قابل قبول است؛ به جزء یکی – دو حرکت فرهنگی خوب مثل خرید کتاب از نویسندگان بومی و برگزاری روز بوشهر، من حرکت چشمگیر فرهنگی دیگری از این شورای محترم ندیدم.

در کل اگر بخواهم به این شورا نمره بدهم متأسفانه باید بگویم که مردود می شود. ما از دوستان فرهنگی شورا انتظارهای بیشتری داشتیم اما ظاهرا به هر دلیلی، هرگز به مقوله فرهنگی نگاه کاربردی نکردند و دست اصحاب فرهنگ را نفشردند، تو گویی آنها نیز بسان دیگر مسئولان شهر با فرهنگ و فرهنگی بی گانه اند. اگر نگوییم در ستیزند! همین...

عملکرد شورای سوم موفق تر بوده است



دکتر ابراهیم حیدری(استاد دانشگاه): شورای شهر یک نهاد مشورتی و نظارتی در زمینه مدیریت شهری ست از این رو عملکرد شورا نیز بایست از همین زاویه مورد بررسی قرار گیرد. به نظر من در مجموع شورای سوم بوشهر از این لحاظ در مقایسه با شوراهای قبلی از وضعیت و عملکرد بهتری برخوردار بوده است.بی شک وجه عملی فعالیت های شورا را باید در بهبود عملکرد مدیریت شهری جستجو کرد هر چند این عملکرد به نقش سایر دستگاه ها نیز بستگی داشته و همه چیز آن مربوط به شورا نمی شود.

مدیریت شهری مولفه های متعددی دارد از جمله فضای فرهنگی، فضای سبز شهری، فضای تفریحی، ترافیک، مبلمان شهری و ... به نظر من در این زمینه آنچنان که گزارشات و شواهد نشان می دهد، عملکرد هر چند مطلوب نیست اما تلاش های گسترده تر و در مقایسه با دوره های قبلی عملکرد نیز موفق تر بوده است که اینجانب بخش عمده این موفقیت ها و توسعه فعالیت ها را ناشی از تقویت بعد نظارتی شورای شهر می دانم. علاوه بر اینها به عنوان یک ویژگی مثبت و بارز دیگر می توان اذعان نمود شورای سوم بوشهر در غالب مطالب و برنامه های خود از دیدگاه مشورتی متخصصین و صاحب نظران در زمینه های مختلف استفاده نموده است، یا لااقل تمایل به بهره برداری از دیدگاه ها را به شکلی دموکراتیک از خود نشان می دهد. به اضافه رفتار شورا در بعد پاسخگویی و ارتباط با رسانه ها در طول این مدت در خور توجه بوده است. علی هذا علی رغم تمامی اینها هنوز تا رسیدن به یک شهر مدرن و زیبا فاصله بسیار زیادی داریم.

ضعف تعامل با دستگاه های اجرایی و رسانه ها



اکبر درخشنده (کارشناس امور عمران شهری و اجتماعی): واقعیت این است که از عملکرد شورای شهر بوشهر راضی نیستم، به این دلیل که علی رغم اینکه در زمان انتخابات و فعالیت های تبلیغاتی، آنها برنامه هایی ارائه دادند و اخلاقا خود را متعهد به انجام آن برنامه ها و وعده هایشان می دانستند، ولی این طور نشد و آنها خارج از فضا و دیدگاه های کارشناسی عمل نمودند و نتوانستند از آن فضای حمایت رسانه ای و مردمی که در زمان انتخابات و انتخاب شدن برای آنها ایجاد شده بود، بهره لازم را ببرند و متاسفانه با توجه به شرح وظایف و دستورالعملی که شورای شهر در بحث اجتماعی، فرهنگی، عمرانی، بهداشت و آموزش و پرورش در جهت رشد و توسعه شهر در نظر داشت، نتوانست تعامل خوبی با دستگاه های اجرایی و رسانه های گروهی برقرار کند.

دید تازه اعضای شورا

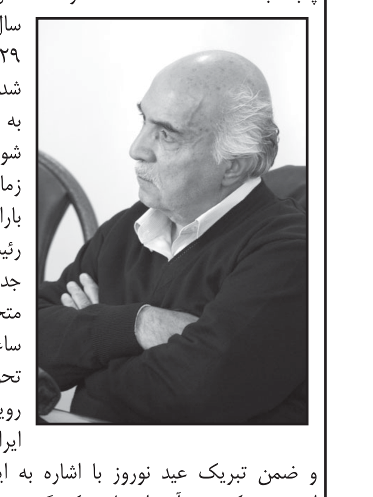


خورشید فقیه (روزنامه نگار): شورای شهر بوشهرهماهنگی خوبی با شهردار دارد و دید تازه ای در بین تک تک اعضای این شورا نسبت به مسائل شهری وجود دارد که آن هم برخواسته از تفکرات اصلاح طلبی است. در این مدت کارهای خوبی در این شهر صورت گرفته است، از جمله ایجاد پارک های محله ای که در تمام محلات بوشهر ایجاد شده است که علاوه بر اینکه به وضعیت نامناسب قبل سامانی داده، بر تعداد پارک های محله ای هم افزوده شده است. یکی دیگر از این اقدامات، بازدیدهای میدانی ست که توسط اعضای شورای شهر صورت می گیرد که البته با توجه به اختیارات محدودی که دارند نمی توان توقع زیادی از آنها داشت ولی در همین حد که قانون به آنها اجازه داده و دستشان را باز گذاشته، باید گفت شورای موفقی بوده و جا دارد که از زحمات شهردار نیز تشکر کرد.

اجتماعی
شماره ۵۴۴ یکشنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

تغییر گفتار یا رفتار؟!

حسین حشمتی



پنجشنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۸۷ درست همان روزی که ۵۸ سال پیش در سال ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس شورای ملی آن زمان رسیده بود، باراک حسین اوباما رئیس جمهور جدید ایالات متحده امریکا چند ساعتی پس از تحویل سال ۸۸ رویارو با ملت ایران سخن گفت و ضمن تبریک عید نوروز با اشاره به این بیت معروف از سعدی که بنی آدم اعضای یکدیگرند – که در آفرینش زیک گوهرند کوشید انگشت روی احساسات بشر دوستانه ی ایرانیان بگذارد و چنین بنمایاند که خواهان دوستی با مردم ایران زمین است، منتها به این شرط که مقامات عالیه جمهوری اسلامی ایران چنین باشند و چنان نکنند و نهایت اینکه از اصولی که متضمن منافع حیاتی ملت ایران است، چشم پوشی نمایند!

واقعیت اینست که شنیدن این سخنان گرم و ژست صمیمانه از زبان رئیس جمهور بزرگترین قدرت زراد خانه ای و تبلیغاتی جهان و مقایسه ی آن با گفتار و رفتار اربابمآبانه و قلدر منشانه ی روسای جمهور و حتی مسئولین دست چندم دولتهای پیشین امریکا با رژیم قبل از انقلاب در ایران، اعتقاد نگارنده را بر این باور راسخ تر ساخته است که عصر «تغییر» در جهان دیر زمانیست فرا رسیده است .

اما رهبر فرزانه ی انقلاب، در فاصله ی کمتر از بیست و چهار ساعت از پخش آن پیام مسالمت و مصلحت آمیز، پاسخی منطقی و متین و در عین حال مقتدرانه دادند و ضمن بیانات مهمی که در اجتماع عظیم زائرین حرم رضوی ایراد نمودند، آن دست دراز شده را پنجه ی چدنی در پوشش دستکش مخملین خواندند که حتی در لفافه ی زبان هم صداقتی در آن اظهارات مشاهده نمی شود.

رهبر معظم انقلاب ضمن بیانات خویش لیستی از مطالبات حقه ی ملت ایران را بر شمردند و از پرزیدنت جدید امریکا پرسیدند چه چیزی تغییر کرده است که اینک شما باستناد آن خواهان دوستی و تغییر در روابط فی مابین شده اید؟

بالطبع برای ملت ایران نیز این پرسش مطرح است که آیا اینکه رئیس جمهوری کشوری مثل امریکا صرفا با یک سری اظهارات شفاهی که (در همان حرفها، هم رگه هائی از خصومت وجود دارد) مدعی دوستی با مردم ایران باشد کافیست یا اینکه در عمل هم باید مصادیقی وجود داشته باشد؟ به هر تقدیر پاسخ سریع و حکیمانه رهبر تا اینجای کار، دور را از دست حریف گرفته و توپ را مجددا به زمین او انداخته است تا در ادامه ی این دیالوگ و روند غیر دیپلماتیک، مشخص شود طرف چند مرده حلاج است؟

سه آفت شوراها



خلیل موحد: در ساختارهای دموکراتیک و سیستم های سیاسی مبتنی بر آراء عمومی معمولا دو نهاد پارلمان و شوراهای محلی به عنوان نهادهای اصلی منتخب مردم به شمار می روند البته در بعضی از کشورها نهاد ریاست جمهوری یا به تعبیر دقیق تر شخص رئیس جمهور نیز منتخب مردم به شمار می رود. نهاد شورا در حقیقت به عنوان یک پارلمان کوچک محلی محسوب شده که در کار اداره روستا، بخش، شهر، شهرستان و در نهایت استان است. البته موضوع شوراها در ایران از چند جنبه قابل بحث و بررسی می باشد. نکته اول چگونگی انتخابات شوراهاست که در این مورد می توان گفت انتخابات شورا در ایران که تا کنون سه دوره آن برگزار شده، متاسفانه دارای معیارهای یک انتخابات دموکراتیک (آزاد) و عادلانه و کاملا سالم نبوده است زیرا از یک سو وجود نظارت استصوابی و رد صلاحیت شهروندان بر اساس گرایش های ایدئولوژیک و سیاسی آنها انتخابات را از معیارهای یک انتخابات واقعی، به نحو بارزی تهی نموده است. از طرف دیگر دو اصل عادلانه بودن انتخابات و سلامت آن نیز همواره در معرض تهدید جدی بوده است. بنابراین چگونگی انتخابات شورا در ایران همواره از سه آفت غیردموکراتیک بودن، ناعادلانه بودن و بعضا ناسالم بودن رنج برده است.

نکته دیگر مربوط به قانون شوراها و شرح وظایف آنها می باشد. باید دید آیا این شوراها از اختیارات لازم برای اداره محل خود برخوردار هستند یا خیر؟ در این خصوص نیز می توان گفت قانون شوراها گرچه دارای عناصر بسیار مثبتی است اما در عین حال باید هم از جنبه شکلی و هم از بعد محتوایی و شرح وظایف، ارتقاء یافته به نوعی که شورا در اداره شهر و دیار خود نقش اصلی را ایفا کند و نهادهای دیگر مانعی بر سر انجام خدمات بهینه شورا نباشد.

اما اینکه شوراهای محلی در ایران تاچه حد در چارچوب همین قانون فعلی توانسته اند به وظایف خود عمل کنند نمی توان در خصوص همه شوراهای مستقر در ایران نظر واحدی ارائه داد زیرا اولا داوری برای مثبت یا منفی ارزیابی کردن در عملکرد شوراها در سراسر کشور نیازمند اطلاعات و آمار دقیق است که البته این آمار و اطلاعات در اختیار نیست. این مسئله در مورد عملکرد شوراهای محلی استان بوشهر نیز صادق است اما به عنوان کسی که به دموکراسی و مشارکت آگاهانه، آزادانه و مسئولانه افراد در اداره جامعه باور دارم در مجموع به رغم همه ضعف ها و نواقص موجود در عملکرد شوراها، نسبت به اصل شورا دیدگاه مثبتی دارم و امیدوارم که شوراها بتوانند در حد توان خود به شرح وظایف خود عمل کرده و در بهبود و به سامان کردن زندگی شهری موفق باشند.

کلاه فرنگی و میراث فرهنگی

محمدسرخوش



به همت خانه مطبوعات در جمع روزنامه نگاران، جهت بازدید از موزه دریانوردی بطرف نیروی دریائی (سبزآباد) سفر کردیم. ضمن بازدید از دست آوردهای قدیمی و جدید که به طور منظم حفظ شده بود، از کارهای انجام شده بازدید بعمل آمد. سپس با فرماندهی نیروی دریائی امیر دریادار اشرفی جلسه ای داشتیم که خاطرات گذشته دفاع مقدس و عملیات ناوچه پیکان را یادآور شد. وقتی که نام ناوچه پیکان به میان آمد یاد دریادار همتی ناخدای شجاع ناوچه پیکان افتادم و اشک از گوشه چشمم سرازیر شد. شهباز آذری از جفره علیباش نیز یکی از پرسنل ناوچه پیکان بود که اسیر شد و بعد هم بدرجه رفیع شهادت رسید. مجید پورعبداله جانباز شد و جمعی از دوستان قدیمی هم ناپدید شدند. ناوچه پیکان یکه تاز عرصه کارزار در جنگ ۸ ساله در خلیج فارس بود که روزگار عراق و ناوچه های دشمن را سیاه کرد. ناوچه پیکان به اتکای نیروی هوائی دمار را از دشمن درآوردند تا اینکه در یک نبرد پر افتخار مورد اصابت قرار گرفت و غرق گردید و مردم ایران را اشکبار نمود.

اما ساختمانهائی که دوستان دیدند، من سال ۴۲ که پانزده ساله بودم در مغازه آهن کاری مهاجر کار می کردم و برای تعمیرات لوله کشی و جوشکاری این بناها کارهائی انجام دادم، بعد از آن موقع به این طرف نیامدم تا زمانیکه میراث فرهنگی تصمیم گرفت کارهائی انجام دهد. وقتی در سال گذشته و پس از ۴۵ سال وارد این محوطه شدم وضعیت ساختمانها را که دیدم به خودم گفتم باید کاملاً تخریب و بازسازی شود. این قدر مخروبه بودند که جغد و روباه هم در آن ها لانه نمی کردند. ولی رئیس میراث فرهنگی آقای دشتی و معاونین آنجا خصوصاً آقای ذاکری گفتند که استاندار فرموده تعمیرات باید سریع و به مدت سه ماه انجام شود.

ماه مبارک رمضان سال گذشته در شدت گرما شب و روز کار کردند و بیش از یک میلیارد تومان هزینه نمودند تا این مکان را بهتر از زمان اولیه برگردانند. روزنامه نگاران محترمی که با آنها صحبت می کردم و جریان را که تعریف می نمودم برای آنها تازگی داشت که با این سرعت محوطه ای به آن اندازه چمن کاری، گل کاری، جاده سازی، نوسازی مجدد ساختمانها و کارهای روشنایی که همه تحسین می کردند، انجام پذیرد و از کار میراث و فعالیت آنها تحسین می کردند.

در لا به لای جلسه نکاتی مطرح شد که باید بیشتر توضیح داده می شد. در خصوص واگذاری آن منطقه که میراث فرهنگی برای موزه انتخاب کرده، مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان برای تخلیه این مکان پرداخت نموده و کلیه تعمیرات و نوسازی و هزینه اعتبارات با میراث فرهنگی بوده و قرار بر این شد که این قسمتها از نیروی دریائی جدا شود و برای عموم شهروندان و گردشگران و بازدید کنندگان باشد. ولی فرمانده نیروی دریائی فرمودند این موزه و این مکان به نیروی دریائی تعلق دارد و به هیچ وجه به میراث و جای دیگر واگذار نمی شود. گویاً به همین دلیل است که میراث فرهنگی فعلاً کار را تعطیل کرده و نه کمبود اعتبار. در این خصوص باید استاندار و میراث فرهنگی به اتفاق شخص آقای مشاعی جلسه ای ترتیب دهند و طبق توافق قبلی عمل کنند تا مردم هم از دست آوردهای تاریخی ایران و هم از زحمات میراث فرهنگی اطلاع حاصل نمایند. امیدوارم به زودی این مشکل هم برطرف شود. زحمات فرماندهی نیروی دریائی آقای اشرفی هم جهت نگهداری این مکان تاریخی ارج می نهیم و امید است با میراث فرهنگی برادرانه به توافق اولیه برسند تا سایر کارها تا نوروز آینده، جهت گردشگری آماده شود.

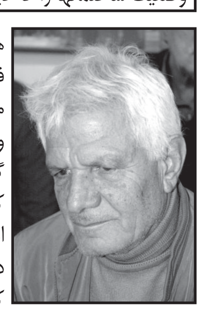
در پایان از دست اندرکاران میراث فرهنگی در هنگام نوروز امسال تشکر می کنم چون برای مسافران نوروزی، مکانهای مناسبی انتخاب کردند و در هنگام بارندگی برای اسکان مسافرین زحمات زیادی متحمل شدند. خداوند خدمتگزاران به مردم و نظام را حفظ کند. انشاءا...

از خانه مطبوعات که متعهدانه روند توسعه استان را پیگیری می کند نیز سپاسگزارم.

پرستاران، تلاش برای سلامتی مردم، چشم انتظار توجه مسئولان

دهم اردیبهشت ماه روز پرستار گرامی باد

ناصر علیخواه



هنگامی که اوقات فراغت خود را در منزل کنار خانواده و فرزندان می گذرانیم جمع کثیری از نیروهای انسانی کارآمد در نقاط مختلف کشورمان در ساعت های مختلف شبانه روز، برای ارایه ی خدمات رسانی به همنوعان خود بدون چشم داشتی به کمک نیازمندان و دردمندان می شتابند. یکی از آن شاخصه های مهم از نوع کارهای سخت جامعه، پرستاران، نیروی های کمکی و پزشکان در بخش های مختلف درمانگاه ها و بیمارستانها هستند که در گرما و سرما به کمک همنوعان بیمار می شتابند که به آنها خدا قوت و دست مریزاد باید گفت و آرزو می کنیم آنان همواره از گرفتاریهای جانبی جامعه مصون و محفوظ باشند.

از آنجا که شغل شریف پرستاری سخت ترین و با اهمیت ترین و در نهایت با توجه به سختی های آن کم درآمدترین شغل در جامعه ایران است، جای تأمل و نگرش بیشتر در جهت رفاه آنان می طلبد. اکنون که در آستانه فرا رسیدن دهم اردیبهشت روز پرستار قرارگرفته ایم، آنان این روز را مثل سالگرد تولدشان با اهمیت و یک رویداد تاریخی می دانند و البته انتظاراتی از مسئولین نظام دارند تا با توجه و عنایت بیشتر به تأمین نیازمندیهای آنان بیش از پیش توجه کنند و از آنجا که که در سایه تلاش آنان، مردم سلامتی باز یافته خود را مدیون آنان می دانند، مسئولان نیز در جهت ارتقاء زندگی پرستاران اقدام کرده و در سطوح مختلف نیازمندیهای آنان را رفع نمایند.

در آستانه نیمه دوم فروردین امسال، جامعه گسترده پرستاری پس از یک دهه انتظار، خود را برای شنیدن خبر خوش سازمان نظام پرستاری و وزارت بهداشت مبنی بر اجرای کاهش ساعت کار پرستاران که در قالب لایحه «ارتقای بهره وری کارکنان بالینی نظام سلامت» مطرح شده بود، آماده کرده بودند ولی متاسفانه شورای نگهبان پس از بررسی، این لایحه را به دلیل تعیین نشدن بار مالی آن تأئید نکرد.

اکنون به منظور تأمین رفاه عمومی این قشر، انتظار می رود که این لایحه که تا یک قدمی اجرائی شدن پیش رفته بود، بار دیگر مورد توجه مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان قرار گرفته و مشکلات اجرائی آن رفع شده تا با عمل به آن، در جهت ارتقای بهره وری کارکنان بالینی نظام سلامت، قدم برداشته که مطمئنا افتخار رفاه عمومی و توسعه یافتگی کشور به نظام اسلامی می رسد.

همت و غیرت بوشهری می خواهد، لیگ برتری شدن

محمد کاظم حق شناس

«هشداری به مسئولین ارشد استان! مبادا تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی بوشهر، از راه یابی به لیگ برتر فوتبال کشور، بازماند!»

تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی نیاز به حمایت دارد، حمایت جدی، حمایت همه جانبه. مسئولین تیم، کادر فنی و بازیکنان، هر چه در توان داشتند تاکنون انجام داده اند، مردم نیز با حمایت بی دریغ خود در سرما و گرما، تیم را تنها نگذاشتند، تشویق کردند، عاشقانه حمایت کرده اند تا الان که جایگاه نسبتاً خوبی در جدول مسابقات دارند. این از خواسته های به حق مردم ماست که در لیگ برتر فوتبال کشور، نماینده داشته باشند، تا مردم علاقمند و جوانان پرشور فوتبال دوست، احساسات و شور و شوق خود را به پای قهرمانانشان بریزند، تا در پیروزی های تیمشان شاد و خوشحال شوند و خدای نکرده در شکست ها شریک آنها باشند، تا ساعاتی از اوقات فراغت پایان هفته ی خود را در مکان های ورزشی به سلامت و با شادابی بگذرانند و همدلی و همبستگی آن بیشتر و بیشتر شود. تا بدین وسیله نام استان و مردم بزرگش را از رسانه ی ملی و جهانی بشنوند، همان طور که نام بوشهر با تأسیسات عظیم انرژی پارس جنوبی و پالایشگاهها و تاسیسات انرژی هسته ای در رسانه های ملی و جهانی برسرزبان ها است. همچنان که نام بوشهر با علماء، دانشمندان، شاعران، نویسندگان و هنرمندانش زینت بخش صفحات کتاب تاریخ است. همان گونه که نام بوشهر با نام قهرمانان و مبارزان راه میهن و اسلام در جهان می درخشد. بوشهر با این همه سرمایه ی عظیم مادی و معنوی باید همچون نگینی درخشان بر انگشتری دستهای وطن بدرخشد و همه ی مردم نیز از این نعمتهای خدادادی بهره مند شوند. نباید الفاظ محروم، فقیر و امثال آن در فرهنگ واژه های کاربردی مردم استان جایی داشته باشد.

همانطور که می دانیم باشگاه های ورزشی جز یکی دو باشگاه همه با بودجه های دولتی اداره می شوند. بعضی از این استان های برخوردار که تیم های ورزشی آنها با کمک شرکت های صنعتی دولتی اداره می شوند بودجه های هنگفتی به باشگاهها اختصاص می دهند و تیم های قوی و در رده های مختلف دارند و سالهاست که یک پای قهرمانی کشور و آسیا هستند. چرا مردم ما از این امکانات نتوانند استفاده بکنند؟ یا بعضی از استان ها که تیم در سطح لیگ های کشور نداشته اند یا نامی در فوتبال، با رایزنی و استفاده از لابی قدرت و رابطه، تیم های فوتبال مطرح تهرانی را به استان خود منتقل کرده اند. چرا استانی مثل بوشهر که مهد ورزش فوتبال بوده و قهرمانانی نیز به جامعه ی ورزش عرضه و معرفی کرده است و استعدادهای فراوانی دارد و مردم علاقمند و پرشور، از امکانات کافی و حمایت لازم برخوردار نیست؟

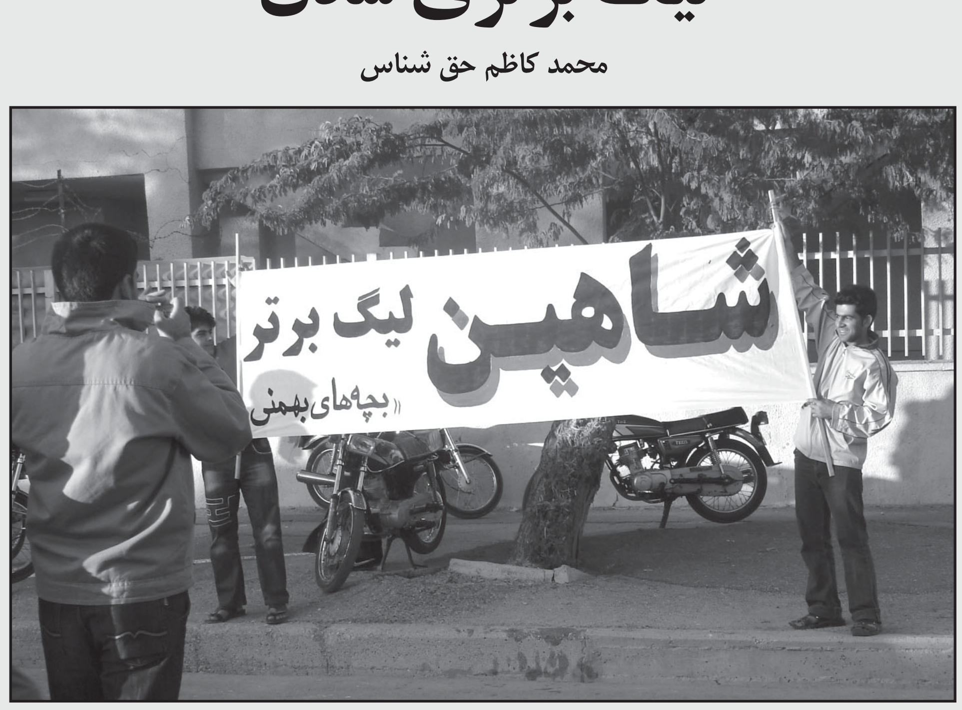
استان های برخوردار، از تمام نیروهای خود با هر عقیده وسلیقه ای با هر دیدگاه و حزب و گروهی استفاده می کنند، چرا ما اینگونه نباشیم؟ وقتی پای منافع ملی مردمی و پیشرفت استان و خدمت به مردم باشد باید از همه ی رقابت های سیاسی و حزبی و گروهی گذشت. مگر نه اهداف احزاب و دسته جات سیاسی به قدرت رسیدن برای خدمت بیشتر به مردم است؟ بنابراین باید از تمام نیروهای بومی و عزیزانی که در مراکز قدرت و تصمیم گیری کشور هستند، با هر سلیقه و مرامی با هر حزب و گروهی برای پیشرفت استان کمک و بهره گرفت. امروز، روزی است که همه ی نیروهای دلسوز و علاقمند، باید با تمام توان پشتیبان تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی بوشهر باشند. این می تواند نقطه ی شروع این همبستگی ملی و استانی و فرخنده باشد. این می تواند نمونه و الگویی باشد تا مسئولین ارشد اجرایی استان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران کل، فرمانداران، شهرداران، اعضای محترم شوراهای اسلامی شهرها و... تلاش و اهتمام و میزان علاقه مندی خود را برای تحقق یکی از خواسته های به حق مردم، نشان دهند وگرنه مردم درباره آنها طور دیگر قضاوت خواهند کرد. چگونه این تیم از تمام جهات باید مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد:

۱ – از نظر مادی: پرداخت به موقع حقوق و دستمزد بازیکنان، کادر فنی و به طور کلی تمام دست اندرکاران تیم، قول پرداخت پاداش خوب در مقابل تیم های قوی که با پیروزی از زمین خارج شوند، وعده های گرفتن پاداش مناسب در صورت راهیابی به لیگ برتر. تهیه ی این پاداش ها می تواند از دستگاهها و سازمان ها و شرکت های دیگری غیر از شرکت نفت و انرژی پارس جنوبی باشد که خود متولی این حمایت است. الحمدا... از این سازمان ها و شرکت های ثروتمند در استان فراوانند. این کار با هماهنگی و نظر نماینده دولت در استان یعنی استاندار انجام شدنی است، البته دولت نیز به این گونه کمک ها توجه و نظر مساعد دارد، همان طور که در دیگر استان ها برای تیم های ورزشی هزینه های میلیاردی می کند.

۲ – از نظر روحی و معنوی: حضور مسئولین ارشد اجرایی استان، مدیران کل، نمایندگان مردم دار مجلس شورای اسلامی در میان بازیکنان و کادر فنی و مسئولین باشگاه و تقدیر و تشکر از تلاش آنها برای کسب مقام و قهرمانی برای استان، شنیدن حرف ها و دردهای آنها، قول حمایت و پشتیبانی و حل مشکلات دعوت به صرف ناهار یا شام در مواقع پیروزی و کسب نتایج خوب، وارد شدن روحانیون و شخصیت های علمی و بخصوص امام جمعه استان در حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی با به حضور پذیرفتن و رهنمود دادن و... همه ی این ها می تواند، در تقویت روحی آنان مؤثر باشد و فضای همدلی را بیشتر کند.

۳ – تشکیل ستادهای حمایت از تیم های ورزش: الف) ستادی مرکب از مسئولین اجرایی و دولتی استان و با نظارت مستقیم استاندار استان یا با تعیین نماینده ویژه در آن ستاد. اعضای این ستاد می تواند از همه ی سازمان ها و ادارات کل بخصوص آنهایی که از نظر اقتصادی درآمدزا هستند و توانایی کمک دارند مانند مخابرات، اداره بندر، شیلات بازرگانی، اقتصاد و دارایی و... تشکیل شود و مدیریت عالی آن با رئیس سازمان ورزش استان باشد.ب) ستاد حمایت و پشتیبانی مردمی: اعضای این ستاد می تواند اعضای شورای شهرها، نمایندگان نشریات محلی، نمایندگانی از اصناف مختلف شهرها، نمایندگانی از مطبوعات و رسانه های جمعی باشد که در رأس آن یکی از اعضای شورای شهر قرار گیرد. فعالیت این ستاد نیز زیر نظر رئیس سازمان ورزش استان انجام می گیرد.

اهداف این ستادها در حقیقت کمک به ورزش استان و تیم هایی که به مرحله ی استانی و یا لیگ های سراسری می رسند یا توان رسیدن دارند، باشد. ولی در حال حاضر حمایت همه جانبه از نماینده ی فوتبال استان در لیگ دسته یک کشور یعنی شاهین پارس جنوبی بوشهر ضروری است، که در شرایط فعلی رسیدن به لیگ برتر کشور برایش دور از دسترس نیست.



یک سوال، یک نظر:

این روزها بر معلمان چگونه می گذرد؟

به مناسبت دوازدهم اردیبهشت روزمعلم



چشم انتظار پرداخت مطالبات معوقه سال های گذشته

محمد حیاتی (معلم دبستان مدرسه- گناوه): معلمی هستم که ۱۶ سال پیش در دوره ابتدایی تدریس می کرده تا اینکه سال گذشته به همت مسئولین مهرورز و عدالت محور آموزش و پرورش گناوه بعد از ۱۶ سال دوری ازدوره ابتدایی، دوباره راهی دبستان شده ام. به نظر من معلمان در این روزها چشم انتظار پرداخت مطالبات معوقه سال های گذشته هستند در حالیکه حرف ها و شنیده هایی به گوش می رسد که در بعضی از نقاط کشور مطالبات هنگفت فرهنگیان به صورت جسته و گریخته پرداخت شده، متاسفانه در آموزش و پرورش استان بوشهر، در این زمینه مطالباتی که به اندازه انگشتان دست هم نمی رسد کم و بیش پرداخت شده، و ما همیشه در زمینه پرداخت ها در سطح آموزش و پرورش استان بوشهر با مشکلات عدیده ی جذب اعتبارات مالی از سوی مدیران آموزش پرورش مواجه هستیم.

همچنان امید به تغییرات

نعمت الله حسینی (معاون پیش دانشگاهی شهید رجایی- برازجان): معلمان در این روزها احساس عجیبی دارند به این موضوع فکر می کنند که مردم در این روزها بیشتر به فکر آنها هستند چون به نظر من بهترین ایام برای معلم همین روزهاست و این مناسبت (شهادت استاد مطهری) بهترین انتخاب برای روز معلم است و در این روز از معلم ها قدردانی به عمل می آید و راهکارهای عملی برای منزلت اجتماعی معلمان در نظر گرفته می شود. اما در این زمینه بیشتر باید کار شود چرا که تمام تاریخ، پیشرفتشان مرهون زحمات معلم می باشد. البته در دوره آقای خاتمی راهکارها قابلیت اجرایی داشت چون وضعیت معیشت فرهنگیان بسیار خوب شد و فرهنگیان کم کم جایگاه خودشان را پیدا کرده بودند، اما متاسفانه در زمان کنونی عکس این مسئله وجود دارد ولی همچنان امید داریم که تغییرات انجام گیرد.

غمِ نان، قسط های عقب مانده، تحصیل فرزندان و...

اختر شیخ زاده (معلم دبستان سمیه – دلوار): معلم نباید در ایامی که به نام او مزین شده هنوز غمِ نان داشته باشد، دغدغه حقوق های داده نشده، قسط های عقب مانده، تحصیل فرزندان و ... و به امید وعده های بعضا دروغین، امسال را به سال دیگر پیوند بزند. معلم در این ایام باید با خاطری آسوده به دور از فکر و تورم و یا کار در چند شیفت متوالی به مطالعه غیر درسی و تفریح بپردازد و در اندیشه راه های مطلوب جهت فردای بهتر آینده سازان باشد نه اسیر مشکلات روزمره. او از مشکلات گلایه دارد ولی نمی خواهد به او بگویند اعتراض وارد نیست. او به دور از جناح بندی های سیاسی و حزبی فقط می خواهد حق خویشتن را به طور واقعی بستاند؛ باید او را با واقعیات وعده داد نه با شعارهایی که فقط تا روز معلم تاریخ مصرف دارد و بعد به بوته فراموشی سپرده می شوند. یادم می آید دو سال پیش نیز در این ایام درباره کارت اعتباری بانک اقتصاد نوین که قرار شد به عنوان هدیه روز معلم به فرهنگیان داده شود صحبت کردم ولی از آن روز تا کنون ۲ سال می گذرد و باز تکرار مکررات. معلم به ارزش و اعتبار می اندیشد همان اعتباری که در شأنِ مقام او باشد. او امروز نباید با اندوه به پیشکسوتان فرهنگی بنگَرد که چگونه تورم با حقوق ناچیزشان همخوانی ندارد چرا که آینده خود را هم مانند آنها پیش بینی می کند.

دیگر ملال و شکوه ای نیست!

کریم علی حسنی (دبیر هنرستان کار و دانش امام علی(ع) – دیلم): دیگر ملال و شکوه ای نیست، زندگی شرافتمندانه معلم تحقق یافته، رفاه در آن جاری و ساری است، دیگر معلم به رسالت اصلی خود می اندیشد، دیگر معلم اندیشیدن را می آموزد، دیگر معلم دغدغه ضروریات اصلی و اولیه زندگی یعنی مسائل رفاهی و معیشتی را ندارد. دیگر مشکل مسکن و خودرو تسهیلات کم بهره حل گردیده است. دیگر روز معلم همانند دو، سه سال پیش تداعی می گردد، اجتماع و اعتراضی نیست، دیگر به وعده و وعیدهای مختلف به معلمان عمل گشته، دیگر قانون مدیریت خدمات کشوری در سال ۷۶ نه۸۷ نه ۸۸ برای معلمان اجرا گردیده است و جای نگرانی نیست. این روزها همه این سراب ها در کوله بار ذهن ما جا خوش کرده است. اما باب تازه تصرف مکان های آموزشی با کندن درب هنرستان امام علی (ع) با لودر شهرداری و حضور شهردار محترم در شهرستان دیلم و تصرف زمین میلیاردی دبستان مدرسه صائب این شهرستان و دیگر تصرفات احتمالی بعدی را نیز باید درکوله بار معلمان شهرستان دیلم جای داد.

دلهره و استرس مرور درس ها

پروین حیدری(معلم دبستان دخترانه معینی-بوشهر): همیشه ماه های پایان سال تحصیلی فعالیت های معلمان بیشتر می شود و معلمان سعی می کنند که گفتنی ها و نوشتنی ها را برای مخاطبان خود(دانش آموزان) بیان کنند که این کار هم کمی مشکل است چرا که اغلب این دلهره و استرس برای معلمان وجود دارد که نکند بخشی از مطالب یا دروس را فراموش کرده باشند به همین دلیل با مرور درس ها سعی می کنیم که رسالت خود را به طور کامل به پایان برسانیم. در این روزها معلمان مانند کشاورزان شاهد به ثمر رسیدن نهال هایی می باشند که ماه ها از آنها مراقبت کرده اند و در جهت پرورش آنها زحمت های زیادی کشیده اند و بعضی اوقات است که معلم به روزهای گذشته نگاهی می اندازد و با کشیدن نفسی عمیق با خود می گوید چه خوب و چه بد، امسال هم گذشت؛ تا سال دیگر خدا بزرگ است.



دبیر صفحه:
مهدی صالحی زاده

در رقابت های تنگاتنگ و فشرده، یار شاهین باشیم

رضا سیاهوشی



هرچند که تیم شاهین پارس جنوبی در مقابل تیم شاهین اهواز نتوانست به حداکثر امتیاز دست یابد تا دوباره صدر جدول را به تصرف خود درآورد، اما کسب نتیجه مساوی مقابل تیمی که با یازده بازیکن به دفاع مطلق می پرداخت و برای فرار از مهلکه سقوط تلاش وافری از خود نشان داد نباید نا امید کننده و دور از انتظار باشد تا هم جو درون تیم را تخریب نماید و هم بهانه ای برای منتقدان و تقویت روحی رقیبان فراهم گردد. ما نباید تیمی که با بدترین شرایط ممکن و کمترین امکانات موجود ۴۱ امتیاز با ارزش کسب نموده را بخاطر یک تساوی مورد حمله و هجوم بی رحمانه خود قرار دهیم و همه چیز را تمام شده تلقی نماییم. پس چه شد آن هیاهو و هلهله کنانی که برای شاهین و پیروزی هایش به راه می انداختیم ؟

مگر تیم های رقیب تمام بازی های خود پیروز از میدان خارج شده و می شوند و یا هیچ امتیازی ازدست نداده اند؟ من تماشاگر باید به این باور رسیده باشم که سطح توقع و انتظارم از تیم مورد علاقه و محبوبم در حد معقول و منطق باشد و وقتی احساس می کنم که نتیجه اخذ شده فراتر از حد معمول و پیش بینی بوده دیگر جایز و مقبول نیست که با یک نتیجه ای که باب میل و خواسته ام نیست همه چیز را نادیده بگیرم و به زمین و زمان ناسزا گفته و هتک حرمت دیگران کنم و این همه زحمات کادرفنی و بازیکنان را به یکباره فراموش کنم ! اما حال که من تماشاگر به اشتباه خود معترف هستم از کادرفنی و بازیکنان تیم نیز انتظار دارم که مرا درک کرده و مرهمی بر روی زخمم گذارند نه این که با پاشیدن نمک بر آن دردم را بیشتر کند. به راستی چرا کادرفنی به جای ترمیم نقاط ضعف و روحیه بخشیدن به تیم و تماشاگر ، بعد از پایان بازی با آن همه فشارو استرسی که بر وی وارد شده و در اوج عصبانیت می باشد جلو دوربین تلویزیون قرار گیرد و مصاحبه ای انجام دهد که وضعیت از این که هست بدتر و یا متشنج تر نماید؟ چرا کاپیتان با تجربه و با سابقه تیم که سال های آخر عمر فوتبالی خود را سپری می کند نباید به این باور رسیده باشد که دیگر توان ۹۰ دقیقه بازی های سنگین و نفس گیر لیگ یک را ندارد و میبایست هنگام صدور دستور و تعویض توسط مربی مطیع و فرمان پذیر باشد؟

بنابراین اگر تعامل ، اتحاد وانسجام و همدلی بین تماشاگر،بازیکن و کادرفنی از بین برود دیگر جمع نمودن آن بسیار سخت و دشوار است و امیدواریم در این روزهای پایانی که رقابت تنگاتنگ و فشرده ایی بین شاهین و رقبایش وجود دارد خود مسبب ناکامی و برباد رفتن آرزوهای دیرینه امان نشویم.

بوشهری ها، چهارشنبه ایرانجوان را تنها نگذارند

یادداشت دبیر صفحه: حضور پرشور تماشاگران در زمان برگزاری مسابقات فوتبال در هر جای گیتی همیشه باعث دوچندان شدن زیبایی های هنر بازیکنان مستطیل سبز گردیده و چه بسا بسیاری از نتایج با حمایت تماشاچیان تغییر کرده است. بی شک در دنیا تماشاچیان فوتبال یکی از عناصر زیبایی این رشته ورزشی به شمار می روند. در کشور خودمان بخصوص در دیار شرجی، غیرت و مبارزه، که دارای فوتبالیست های پرتلاش و احساسی است، حضور هواداران بوشهری در روند مثبت تیم های قدیمی مان (شاهین و ایرانجوان) تاثیرگذار و سرنوشت ساز بوده وهمه شاهدیم که حمایت بی دریغ هواداران از تیم شاهین باعث رشد و هفته ها صدرنشینی این تیم در لیگ دسته اول جام آزادگان کشور شده بود.

دیگر تیم باسابقه بوشهری یعنی ایرانجوان در دور دوم مسابقات لیگ دسته دوم ایران در شرایط سخت و سرنوشت ساز قرار گرفته و روز چهارشنبه این هفته ۹ اردیبهشت ماه ۸۸، میزبان تیم کاوه تهران خواهد بود. پیروزی ایرانجوان در این دیدار، امید این تیم بوشهری را برای صعود به دسته بالاتر بیشتر خواهد کرد. امید است دوستداران ایرانجوان و همه بوشهری ها، با حضور و حمایت خود به نحوی بازیکنان این تیم را شارژ روحی نمایند که ۳ امتیاز بازی از آن ایرانجوان شود. در یک کلام بوشهری ها، ایرانجوان را تنها نگذارید.

مهدی طارمی ملی پوش بوشهری تیم ملی فوتبال دانش آموزان :

با تمرین زیاد، می خواهم نماینده خوبی برای بوشهر باشم

اشاره: مهاجم ۱۷ ساله تیم فوتبال جوانان ایرانجوان بوشهر با تیم ملی دانش آموزان ایران در کشور ترکیه در تورنمنتی بین المللی، کارنامه ای درخشان از خود به نمایش گذاشت. مهدی طارمی فرزند علیرضا طارمی مدافع با اخلاق، باهوش و اسبق تیم های فوتبال منتخب و پاس بوشهر به عنوان مهاجم در تیم ملی دانش آموزان ایران با به ثمر رساندن ۹ گل به عنوان یکی از بهترین های جام ترکیه معرفی گردید. با این جوان با آتیه که پس از این بازی ها، به تیم ملی نوجوانان هم دعوت شده گپی کوتاه ترتیب دادیم که می خوانید:

– آقا مهدی، ضمن عرض سلام و تبریک به خاطر بازی های خوبت در تیم ملی دانش آموزان ایران در کشور ترکیه؟

– با سلام خدمت شما و همه بوشهری های عزیز از لطف شما سپاسگزارم. اگر من خوب بازی کردم همه اش از لطف خدا بود.

– چه طور شد که به تیم ملی دانش آموزان دعوت شدی؟

– از طرف آموزش و پرورش بوشهر من و پیمان احمدی به اردوی تیم ملی آموزشگاه های ایران معرفی شدیم که پس از پنج مرحله اردو، بنده انتخاب شدم و متأسفانه دوست خوبم آقای احمدی خط خورد.

– بازی شما در لیگ برتر با تیم جوانان ایرانجوان هم در موفقیتت تأثیر داشت؟

– بله صد در صد من در بازی های لیگ برتر همه تجربه کسب کردم و ۵ گل به ثمر رساندم.

– شما در ترکیه ۹ گل زدید و ۴ پاس گل دادید اول بگو ببینم تیم های حاضر از لحاظ فنی چگونه بودند و به چه تیم هایی گل زدی؟

– باور کنید سطح بازی ها بسیار بالا بود و حساسیت نزد همه تیم ها بسیار زیاد. من به تیم های سوئد (۳ گل)، اسلونی (۲ گل)، فنلاند (۲ گل)، بلغارستان (۱ گل) و اتریش (۱ گل) زدم و این از پاس های خوب بچه ها بود که من به هدف می زدم.

– مربیان شما در تیم ملی چه کسانی بودند؟

– سرمربی آقای مرعوبی از گیلان و مربی رضا بانیان از تهران.

– چه شد که به تیم ملی نوجوانان دعوت شدی؟

– به خاطر گل هایی که زدم و به قول مربیان خوب کار کردم سرپرست تیم مان آقای بنیان مرا به آقای علی دوستی سرمربی تیم ملی نوجوانان معرفی کرد و با دیگر ملی پوشان در آینده نزدیک در اردوی تیم ملی شرکت خواهیم کرد.

– قبول داری کار تمرین و بازی کردن در تیم ملی نوجوانان به مراتب سخت تر از تیم ملی دانش آموزان است. برای این که موفق شوی چه کار خواهی کرد؟

– سختی های تمرینات تیم ملی را فهمیده ام با تمرین زیاد اما اصولی، پا به پای دیگر ملی پوشان می دوم تا نماینده خوبی برای استان بوشهر باشم.

– کلام آخر؟

– با تشکر از شما و هفته نامه نسیم جنوب و از همه مربیان تشکر می کنم و از پدر و مادرم که خیلی برایم زحمت می کشند تشکر و قدردانی می کنم.



کللی فرد سرمربی شاهین بوشهر :

جنگ داخلی، ما را آشفته کرده

– یکی از ضعیف ترین بازی هایتان را مقابل شاهین اهواز به نمایش گذاشتید، قبول دارید که مردم از شما و بازیکنان ناراحت باشند؟ – بله قبول دارم خیلی بد بازی کردیم. اصلاً از عملکرد بچه ها راضی نیستم. بچه ها درک نمی کنند کجای جدول قرار دارند. در این بازی شعور بازیکنان بسیار پایین بود.

– تعویض هایی هم که انجام دادی چنگی به دل نزد؟ – ما برای اینکه تیم را هجومی تر کنیم، سه تعویض هجومی انجام دادیم ولی سه نفری که وارد زمین شدند مثل بازیکنان داخل زمین، افتضاح بودند.

– قبول دارید هادی شفیعی سنگربان شما روی دریافت گل و جریانات آن، نه محاسبه درستی داشت و نه سرعت عمل خوبی؟ – روی گل مقصر بود. اهوازی ها به جز آن گل و یکی دو ضد حمله اصلاً به دروازه ما نزدیک نشدند. این هم از بدشانسی ما بود.

– در طول بازی بخصوص۴۵ دقیقه دوم، اهوازی ها سد دفاعی چند لایه درست کرده بودند و شما باب میل آنها کار می کردید. یعنی سانتر از جناحین که با دفع موفق اهوازی ها مواجه می شد. بهتر نبود خط دفاعی آنها از دو جناح دور می زدید یا به عمق آنها فشار می آوردید؟– واله چه بگویم، ما به همه آنها بخصوص خط دفاعی و میانی مان متذکر شدیم که از روی زمین عمق خط دفاعی و دروازه آنها را هدف قرار دهید که متاسفانه این امر با اشتباهات مکرر رضا بازیاری که سانتر از جناحین را انجام می داد باعث شد اهوازی ها به خواسته خود برسند.

– مگر شما کنار زمین نبودید که از شما حرف شنوی نداشتند؟ – هر کس کار خودش را انجام می داد. این از شعور پایین ورزشی برخی از بازیکنان من است.

– پس از این که در دقیقه ۶۰ ایمان دشتی را بیرون آوردی، او با حالتی عجیب به رختکن رفت، نظرت در این رابطه چیست؟ – سه بازی است که با او مدارا می کنم. نامه ای به هیات رئیسه نوشتم و او را اخراج کردم. راه برگشتی برای او وجود ندارد.

– مثل اینکه گفته بودی که از سمت خود استعفاء داده ای. آیا این کار شما جنبه مانور بود یا تصمیم قاطع در این خصوص گرفته ای؟ – نه فقط بخاطر این که به تیم شوک وارد شود این کار را کردم. با یکی از مسئولین هم مشورت کردم و ایشان گفت: این کار را انجام نده.

–آن مسئول کی بود؟– کسی نبود جز احمد گزی.

– آیا از این همه رفتارهای خارجی و داخلی خسته شدید؟ – خسته شده ام، اما خستگی را به جان می خرم. متاسفانه بچه ها درک نمی کنند که کجای فوتبال ایران در حال بازی هستند.

– با این که همیشه می گفتید صعود می کنیم پس از بازی با شاهین اهواز اعلام کردید به لیگ برتر نخواهیم رفت؟ – گفتم با این وضعیت که در کشور بوجود آمده و همه مسئولین کشور دست به دست هم دادند تا تراکتور به لیگ برتر برود، ما هر کاری کنیم بی فایده است. امیدوارم صحبت های من به نحوی به گوش مسئولین برسد.

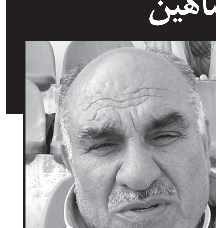
– در جریان صحبت های مدیر اجرایی شاهین و مدیر عامل این باشگاه که در برنامه ورزشی نشان از سیمای مرکز بوشهر پخش شد، هستید. نظرت در این مورد چیست؟ – اصلاً این طور صحبت های مجادله را قبول ندارم. مجری برنامه «نشان» نمی بایست به این مسئله دامن می زد. آقای عبداله زاده باید کوتاه می آمد و این بحث را به درازا نمی کشاند. پس از برنامه، ریسی نژاد با من تماس گرفت و گفت طرفداران حاج رضا عبداله زاده خواستند با من درگیر شوند که فکر کنم با دخالت پلیس ۱۱۰ مسئله ختم به خیر شد. من تعجب می کنم درحالی که ما به آرامش نیاز داریم جنگ داخلی ما را آشفته کرد.



شاهین در آشیانه خود، بال پرواز نداشت

تحلیل بازی و نقاط قوت و ضعف شاهین

عباس سالارپور



تیم شاهین در یک بازی نه چندان خوب با هم نام اهوازی خود با نتیجه مساوی یک بر یک متوقف شد تا یکی از روزهایی که می توانست پیروز باشد، را از دست بدهد و با تفاضل گل کم تر در مکان جدول بعد از تراکتورسازی تبریز باقی بماند.

آن روزی که تراکتور در یزد ترمز کرد و با تربیت با نتیجه مساوی متوقف شد، شاهین هم در آشیانه خود بال پرواز نداشت تا اوج بگیرد. نتیجه مساوی برای تیمی که در کورس قهرمانی و مدعی صعود به لیگ برتر است در مقابل تیم ضعیفی مثل شاهین اهواز که یکی از کاندیداهای سقوط به دسته پایین تر می باشد، آن هم در خانه خود، نگران کننده و بسیار حائز اهمیت است.

اتفاقات هفته قبل مثل تساوی تراکتورسازی با تربیت یزد و شکست مس از داماش، تغییراتی در صدر جدول به وجود نیاورد ولی بیم آن می رود که با این بازی های ضعیف مقام فعلی را از دست بدهیم. شاهین شش بازی دیگر در پیش رو دارد و حداقل به پنجاه امتیاز احتیاج دارد که به حاشیه امنیت برسد. شاید شاهین روی اشتباه فردی و اتفاقی گل خورد، اما از بازی روی زمین و در نتیجه گیری مشکل داشت.

اما نظری اجمالی به ارنج و تاکتیک تیم شاهین: سیستم تیم به ظاهر ۲-۴-۴ که با اضافه شدن نجمی زاده به خط فوروارد، موقع حمله به سیستم ۳-۳-۴ تبدیل می شد. این طور به نظر می رسید اما نجمی زاده بعد از دقایقی چند که از بازی گذشت، بنا به عادت و سرشتی که داشت به میانه میدان آمد و شروع به بازی سازی و پاسکاری کرد و از وظیفه محوله بازماند و کم تر به خط حمله سرک می کشید تا این که از روی اشتباه فردی، گل اول را شاهین دریافت کرد. بعد از دریافت گل به بازی مستقیم و توپ کشی پرداخت، این وضع ادامه داشت تا این که روی یک حرکت قشنگی گروهی از جناح چپ، توانست یک پنالتی بگیرد و آن را تبدیل به گل کند. انتظار بود همین شیوه تهاجمی و بازی روی زمین ادامه پیدا کند، اما این طور نشد و باز همان توپ کشی و بازی مستقیم ادامه یافت. در بازی مستقیم احتمال اشتباه هر خطا، توپ لو دادن، فرصت به دفاع های حریف برای زدن ضربه اول و فاصله کم کردن حریف برای پرس و دفاع وجود دارد. در این میان هافبک های تیم فقط در دفاع می توانند شرکت کنند، اما در حالت تهاجمی کاره ای نیستند و در میانه میدان به حالت سرگردان و هیچ کاره می شوند و این باعث شد دفاع حریف در حالت جنگندگی و با روحیه خوب و تشکیل دفاع چند لایه توانمند، از ورود توپ به دروازه جلوگیری کنند و با همین مساوی راضی و با یک امتیاز راهی اهواز شوند.

نتیجه مساوی برای شاهین در خانه خود با این تیم ضعیف باخت محسوب می شود. تیم شاهین هر موقع بازی را از روی زمین شروع می کرد، دروازه اهوازی ها به خطر می افتاد و تیم شکل واقعی به خود می گرفت. قبل از این که تیم اهواز به دفاع چند لایه روی بیاورد می بایست همان نیمه اول کار را تمام می کرد و در نیمه دوم، برای حفظ نتیجه و گرفتن یک امتیاز به اداره کردن بازی می پرداخت.

تعویض های نیمه دوم نبی پور با سلیمانی، محمدی با وزیری و دشتی با سراندی، فایده ای به حال تیم نداشت. این ضعف نیمکت تیم شاهین است که فاقد چند بازیکن کارساز و ششدانگ می باشد. اما شاهین هنوز شانس صعود به لیگ برتر را دارد. انشاء الله

فرصت استثنایی برای شاهین و بوشهر

علیرضا محمدی

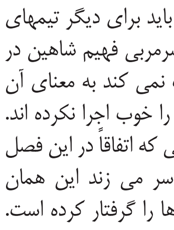


بلندگوی استادیوم روشن می شود و رئیس هیات فوتبال می گوید نتیجه نهایی تراکتور سازی با تربیت یزد ۲-۱ به سود تیم یزدی است. تماشاگران تشویق می کنند و به شوق می آیند و با هیجان خاصی نبرد شاهین را نظاره گرند. چند موقعیت خوب گلزنی برای شاهین بوشهر از دست می رود و انگار توپ دیگر نمی خواهد به تور دروازه برسد. یک - یک تمام می شود و اس ام اسی می رسد تراکتور۲- تربیت۲ تعجب برانگیز است. گویا کمال وند و شفق کار خودشان را کرده اند. ۱۲ دقیقه وقت اضافه و زدن یک گل آفساید در شرایطی که حتی داور کنار هم پرچم را بالا برده، خود گویای همه مسایل است...روزنامه های ورزشی کشور را می خوانیم: صدرنشینی استیل آذین، توقف تراکتور صدر نشین و صحبتی از شاهین نیست!!! همه چیز مشخص تر می شود...آقای کمالی ناظر و نماینده فدراسیون که خود چینش ناظرین را به عهده دارد می گوید دو هفته قبل از هر بازی تراکتور ابهران (سرپرست تراکتورسازی تبریز و پیشکسوت داوری) می پرسد چه کسانی را ناظر و داور بازی تراکتور می گذاری؟!!!خوشبختانه این هفته ما مقابل تراکتور قرار می گیریم. شاهین - تراکتور... همه چیز دست خودمان است و دیدار فوق ارزش ۶ امتیاز دارد... دو تیم چهل و یک امتیازی هستند و تنها به خاطر تفاضل کمتر در سایه تراکتوریم...

سه بازی خانگی سه بازی خارج از خانه... و یادمان باشد تراکتور علاوه بر بازی سختی که با شاهین بوشهر دارد یک بازی حساس نیز مقابل مس در رفسنجان دارد. حال دیگر فرصتی برای درد دل کردن و انتقاد از همدیگر نیست. وقت طلاست و فرصت استثنایی... می توانیم با همت و تلاش خودمان و ایجاد حلقه اتحاد بین همه دوستداران شاهین مدیران، مربیان، پیشکسوتان، بازیکنان، هواداران ... کمک کنیم تا از شش بازی آینده بیش از ۱۲ امتیاز کسب کنیم که کسب این امتیازات منجر به صعود به لیگ برتر می شود و آن ۱۲ دقیقه وقت اضافه تراکتور همیشه در خاطر فراز کمال وند باقی بماند... به امید موفقیت.

هنوز زندگی برای شاهین ادامه دارد

فاضل قنبر پور



سه شنبه ای که گذشت تیم محبوب شهرمان بالاخره در یک بازی خانگی متوقف گردید. اتفاقی که با توجه به همه جوانب پیش روی تیم در شروع فصل و هزینه هایی که برای تیمداری این فصل شاهین انجام گرفته می بایست زودتر اتفاق می افتاد چرا که همه فوتبال دوستان تیم بوشهری می دانند تیمی که برای بقا بسته شده، حالا در کورسی تنگاتنگ با حریفان سرسخت برای صعود نبرد می کند. این در حالی است که در ۶ بازی باقیمانده که ۳ بازی آن در بوشهر و ۳بازی دیگر آن خارج از خانه برگزار می کند و هنوز زندگی برای تیم کم مهره اما مصمم بوشهری ادامه دارد. چرا که همانطور که ما در تکاپوی صعود هستیم، دیگر حریفان هم بیکار ننشسته اند و باید برای دیگر تیمهای مدعی صعود احترام قائل شد. وقتی سرمربی فهیم شاهین در پایان بازی از بازی تیم اظهار رضایت نمی کند به معنای آن است که بازیکنان در زمین فرامین او را خوب اجرا نکرده اند. وقتی که اشتباه مهلک از هادی مشفعی که اتفاقاً در این فصل روزهای خوب خود را سپری کرده سر می زند این همان استرسی است که شاهین و شاهینی ها را گرفتار کرده است. مطمئناً حمید کللی فرد مسائل فنی بازی را به دقت زیر نظر دارد تا در بازیهای بعدی در پی رفع ضعفهای تیم باشد اما باز هم تأکید می کنم در این شرایط حساس باید از مسائل حاشیه ای که پیرامون فوتبال بوشهر بخصوص باشگاه شاهین دیده می شود هر چه زودتر رفع شود چرا که همدلی در فوتبال یکی از تاکتیک های مناسب روحی به شمار می رود.

ایرانجوان بوشهر، قهرمان مسابقات بیلیارد استان

سابقات قهرمانی باشگاه های بیلیارد استان بوشهر با شرکت ۵ تیم ایرانجوان بوشهر، پارس بوشهر، پرشین برازجان و اکباتان الف و ب دیلم در سالن بیلیارد باشگاه ایرانجوان بوشهر برگزار گردید. این مسابقات که به صورت دوره ای (۱۵ بازی تیمی و ۶۱ بازی انفرادی) انجام شد تیم ایرانجوان به قهرمانی رسید و تیم های پارس بوشهر و پرشین برازجان به مقام های دوم و سوم نایل شدند. اسامی تیم بیلیارد ایران جوان: رحمان خرمی، بابک اگرش، حمید سالارزهی و امید نشادی، مربی: رحمان خرمی - مسئول فنی مسابقات: میثم خرمایی پور.



عبداله زاده:

جنجالی حرف نمی زنم

– جناب آقای عبدالرضا عبداله زاده، نظر شما به عنوان مدیرعامل باشگاه شاهین بوشهر پارس جنوبی در خصوص مصاحبه مهرزاد رئیسی نژاد (مدیر اجرایی تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی) که در برنامه ورزشی نشان که از سیمای بوشهر پخش شد و شما را مورد بحث و چالش قرار داد صحبتی داشته باشید؟

– درخصوص مصاحبه کذایی اخیر، ضمن گلایه از پخش چنین صحبت هایی در برنامه نشان سیمای بوشهردر این برهه حساس، باید بگویم فاعل این جنجال اساساً طرف حساب من نیست و من خودم را متعهد می بینم که فعلاً در هیچ مصاحبه جنجالی حرفی نزنم. در حال حاضر من کارهای مهم تری برای شاهین دارم که باید انجام دهم. فعلاً بیش از هر چیز شاهین نیاز به آرامش دارد و باید از تنش و تفرقه پرهیز کنیم تا بتوانیم به حول و قوه الهی حضور خود را در لیگ برتر تحقق بخشیم. در خواست من حمایت همه جانبه از نماینده استان است. مردم خودشان می دانند چه کسانی برای شاهین کار کرده اند و همین مردم بهترین قاضی و تاریخ بهترین گواه خواهد بود فقط این را می گویم که:



شرح این هجران و این خون جگر/ این زمان بگذار تا وقت دگر

ایرانجوان آماده نقره داغ کردن کاوه تهران است

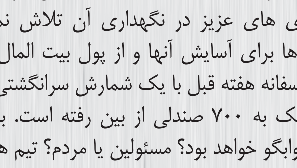
فولاد نوین اهواز صفر - ایرانجوان بوشهر صفر

همان طور که سرمربی تیم فوتبال ایرانجوان (ناصرابراهیمی) وعده داده بود که در اهواز با امتیاز به بوشهر بازخواهد گشت، حرفش را به عمل تبدیل نمود. ایرانجوان در شرایطی پا به اهواز گذاشت که دو یار ارزشمند خود را به دلیل مصدومیت به همراه نداشت، پژمان امین و محسن بازدار دو عنصر مفید خط میانی در این دیدار و یا بهتر بگوییم در اهواز حضور نداشتند. بوشهری ها برابر تیمی با کیفیت فنی بالا، سرحال و شارژ مالی شده فولاد نوین اهواز نود دقیقه جدالی نفس گیر انجام دادند و در پایان، یک امتیاز حساس از مرکز خوزستان به بوشهری ها هدیه نمودند. ناصر ابراهیمی در روز دوم اردیبهشت ماه۸۸، مهره های خود را به روش۱-۳-۲-۴ چیدمان کرد و سیستم تهاجمی ۳-۴-۳ فولاد را در خانه شان متوقف کرد. ایرانجوانی ها در چند مورد می توانستند به گل دست پیدا کنند که بی دقتی در نواختن ضربات آخر این امر حاصل نگردید.



مقصر کیست؟

زمانی که وردیانی مدیرکل تربیت بدنی استان بوشهر همت کرد و سال قبل استادیوم شهید بهشتی بوشهر را با نصب صندلی، جلوه ی زیبا بخشید. همه به این باور بودیم که همشهری های عزیز در نگهداری آن تلاش نماید. چون صندلی ها برای آسایش آنها و از پول بیت المال خریداری شده متاسفانه هفته قبل با یک شمارش سرانگشتی مشخص شد نزدیک به ۷۰۰ صندلی از بین رفته است. براستی چه کسی جوابگو خواهد بود؟ مسئولین یا مردم؟ تیم هایی که بد بازی می کنند و می بازند و یا جنس صندلی ها؟ امید است فرهنگ درست استفاده کردن را یاد بگیریم.



چرا کاپیتان شاهین اخراج شد؟

پس از دیدار دو تیم فوتبال شاهین بوشهر و هم نام اهوازی خود از سری مسابقات فوتبال جام آزادگان، از سوی حمید کللی فرد سرمربی تیم شاهین، ایمان دشتی کاپیتان با سابقه این تیم از تیم اخراج شد! کللی فرد در این رابطه به خبرنگار ما گفت: پس از اینکه دشتی را از زمین بیرون کشیدیم، وی به طرف نیمکت ما نیامد و با داد و سروصدا به رختکن رفت. من هم برای اینکه وضعیت انضباطی تیم از هم گسسته نشود او را اخراج کردم و راه بازگشتی برای او وجود ندارد.



روابط عمومی فعال

با آمدن روابط عمومی جدید فوتبال خوزستان در بازی استقلال اهواز و پرسپولیس، جایگاه خبرنگاران بسیار منظم و خوش بو و خوش آب و هوا بود. اهدای کتاب، پراکنده کردن اسپری خوش بو کننده، فضای جایگاه و نظم دادن به صندلی های خبرنگاران، کلی مطبوعاتی ها را ذوق زده کرده بود. به هر حال آفرین به روابط عمومی کاربلد جدید هیات فوتبال!

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- صفحه آرا : موسی ولی زاده و امیر علیپور
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷



بیانیه انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه خلیج فارس و انجمن اسلامی جامعه پزشکی استان بوشهر در حمایت از مهندس میر حسین موسوی :

میرحسین موسوی، صادقانه برای ایجاد تغییر به سمت بهبود و اصلاح وضعیت جامعه به پا خواسته اند



به نام خدا

ملت سر افراز ایران ، مردم شریف استان بوشهر، جامعه دانشگاهی استان بوشهر، اساتید و دانشجویان عزیز!

نزدیک شدن به زمان انتخاب بار دیگر جرقه های امید و ورود به دورانی تازه و زمینه ای جهت تغییر اساسی و قرار گرفتن در مسیر درست کشورداری را در دل بیداردلان آزادمنش عدالت خواه و دوست داران ایران عزیز بیدار کرد و این امید با ورود پرچمدار اصلاحات و بزرگ مرد سیاست اخلاق مدار چه زود می رفت تا حماسه ای دیگر را به خرداد هدیه نماید؛ اما این ورود که جز با هدف قرار دادن هدایت کشور در مسیر درست نبود، هنگامی که جریان و حرکت اصلاح طلبی را دچار تفرقه دید، برای حفظ آرمانی متعالی تر در عین بازگشت مردم به سوی خویش، با زدن دست رد به قدرت بار دیگر بزرگی خاتمی را در اذهان باز آفرید و فقط می توان گفت آفرین بر خاتمی.

هم اکنون که دو بزرگوار اصلاح طلب حجت الاسلام والمسلمین مهدی کروبی و مهندس میر حسین موسوی پای در این عرصه گذاشته و فرصتی دیگر را برای مشارکتی بزرگ و انتخابی شیرین فراهم کرده اند. جا دارد تمامی کسانی که همواره اصلاح را در خود و جامعه می جویند با اتحاد و انسجامی با برنامه، آنها را همدلی و همراهی نمایند. بدون شک نقش جناب آقای کروبی در حرکت اصلاحی ملت ایران نقشی ماندگار خواهد بود و آزاداندیشی، شجاعت، صداقت و تلاشهای بی وقفه ایشان در تمامی سالهای مبارزه تا سالهای پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بر هر ایرانی آزاده روشن و غیر قابل کتمان است و امیدواریم خداوند بر سلامتی و توفیقات روزافزون ایشان بیافزاید.

ما براین باوریم که در این شرایط خاص، کشور عزیزمان نیاز به مدیری با صلابت، با تجربه و توانمند دارد که بتواند با شناخت درست از شرایط کشور بار دیگر ایران را در مسیر آزادی، عدالت و پیشرفت رهنمون سازد. در این شرایط حساس بیشتر جامعه دانشگاهی و نخبگان جامعه بر ضرورت تغییر تاکید داشته و در میان کاندیداهای محترم ریاست جمهوری به دنبال گزینه ای هستند که از یک سو بتواند شرایط داخلی کشور را با تاکید بر حفظ آزادی های مشروع و قانونی مردم و تلاش واقعی در جهت تامین عدالت، و از سوی دیگر با برقراری روابطی منطقی و در راستای تامین منافع ملی با کشورهای دیگر، ایران اسلامی را به سرمنزلی مطلوب که رفاه و توسعه و پیشرفت را به همراه داشته باشد برساند.

در این میان ضمن احترام به همه نامزدهایی که با احساس مسوولیت و با انگیزه پیشرفت و تعالی ایران عزیز پا به عرصه انتخابات ریاست جمهوری گذاشته اند و با توجه به مجموعه شرایط داخلی و جهانی جناب آقای مهندس میر حسین موسوی را به عنوان گزینه اصلح معرفی می نماید.

آقای مهندس موسوی با انبوهی از تجربه، دیدگاهی کارشناسی و عمیق، رویکردی قانون محور، فردی آزاد اندیش بوده که با تفکری مبتنی بر برنامه ریزی، و رفتاری حرفه ای و جلب مشارکت عمومی و با تکیه بر مبانی و ارزش های عمیق انقلاب اسلامی صادقانه برای ایجاد تغییر به سمت بهبود و اصلاح وضعیت جامعه به پا خواسته اند.

لذا انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه خلیج فارس و انجمن اسلامی جامعه پزشکی استان بوشهر ضمن حمایت قاطع خود از کاندیداتوری جناب آقای مهندس میر حسین موسوی پیروزی ایشان در تحقق مطالبات بحق ملت از جمله: تحقق کامل حقوق اساسی مردم، اعمال مدیریت علمی و کارآمد در حل مشکلات و توسعه هم جانبه کشور ، ایجاد عدالت فراگیر در همه ابعاد اجتماعی و اقتصادی و خصوصا تضمین آزادی های فردی و اجتمایی مغفول مانده و شفافیت و دست یابی همه شهروندان به اطلاعات برابر را انتظار داریم . از ملت بزرگ ایران، مردم شریف و آگاه استان بوشهر به ویژه جامعه دانشگاهی کشور دعوت می نماییم تا در دهمین انتخابات ریاست جمهوری شرکت نموده و با انتخاب نخست وزیر دوران دفاع مقدس و مورد تایید امام خمینی (ره)، بار دیگر استان بوشهر را در پیشانی تفکر اصلاح طلبی اصیل ملت ایران بنشانند.

والسلام

انجمن اسلامی مدرسین دانشگاهها– شاخه دانشگاه خلیج فارس

انجمن اسلامی جامعه پزشکی استان بوشهر

اصلاحات به کدامین سو می رود؟

محمد رضا فولادی



فضای انتخاباتی ایران سیر عجیبی را طی می کند. از تابستان ۸۷ نام های سید محمد خاتمی، مهدی کروبی و عبدالله نوری به عنوان کاندیداهای شاخص جریان اصلاحات مطرح شد. کروبی اولین اصلاح طلبی بود که اعلام کاندیداتوری کرد و همزمان با آمدن او و آغاز فعالیتش برای پیروزی در انتخابات، کمپین های دعوت از خاتمی برخلاف نظر پاره ای از استراتژیست های جبهه ی اصلاحات، با ضرب و زور به دنبال آوردن خاتمی به عرصه ی انتخابات بودند. بالاخره تلاش ها نتیجه داد و خاتمی اعلام حضور نمود. در این میان موضع عبدالله نوری همچنان سکوت بود و در گوشه ای دیگر در حوالی مرد ساکت ۲۰ سال گذشته، میرحسین موسوی، جنب و جوش های انتخاباتی دیده می شد. با آغاز سفرهای استانی خاتمی و روشن شدن موتور موج حمایت از خاتمی در کشور به یکباره اعلام کاندیداتوری مهندس موسوی فضای سیاسی ایران را وارد شوک نمود. کنار رفتن خاتمی از عرصه ی انتخابات و وانهادن میدان رقابت به کروبی و موسوی مانند آبی بود که بر آتش ریخته شد.

در فروردین ماه اما اتفاقاتی دیگر افتاد. مهندس موسوی که تا پیش از این همواره به عنوان ذخیره ی اصلاح طلبان شناخته می شد، با گفتمانی دیگرگونه وارد عرصه شد. وی با اعلام اینکه اصلاح طلبی است که خواهان بازگشت به اصول است، عملاً به دنبال مطرح کردن گفتمان سومی است که از سویی به اصلاح طلبان و گفتمان آن ها می گوید از اصول عدول کرده اید و من آمده ام تا اصلاحات را به اصول نزدیک کنم و از سویی دیگر به اصولگرایان می گوید از اصلاح مملکت عقب مانده اید و باید تکانی به خود دهید. بدین ترتیب بسیاری از اصلاح طلبانی که به دنبال بیانیه انصراف خاتمی به حمایت از مهندس موسوی پرداخته بودند، دریافتند از ظن خود یار میرحسین شده اند و شاید آدرس را اشتباهی آمده اند.

حال اینکه گفتمان میرحسین (که همانا ایجاد نیروی سوم، بازگرداندن ثبات و آرامش به کشور، کم کردن دعواهای جناحی گسترده، نزدیک کردن نیروهای میانه رو به یکدیگر، بازگرداندن نظام جمهوری اسلامی به معادلات صحیح و مسیر درست و قرار دادن کشور در مسیر رشد و توسعه ی مبتنی بر ثبات و آرامش است) به چه میزان بتواند دُز اختلافات جناحی، دعواهایی که در ۲۰ سال گذشته در لایه لایه ی معادلات سیاسی ایران رسوخ نموده، صف بندی ها و آرایش های سیاسی ایران در دهه گذشته، شکاف های گسترده ی جریان های اصلاح طلب- تحول خواه و اصولگرا- محافظه کار را پایین بیاورد و نیروهای میانه دو طرف را به جریان سوم بکشاند، جای سؤال دارد. آیا شکافی که پس از ۲ خرداد ۷۶ در سطوح بالا افتاده و اتفاقات ریز و درشتی که در این سال ها رخ داده را به راحتی و با حضور مهندس موسوی می توان به کناری نهاد و با هم برای توسعه ایران کار کرد؟

و البته جای سؤال است که از موضع یک اصلاح طلب پرسید به صورت مشخص و معیّن در چه مواردی جریان اصلاحات ارزش های انقلاب و نظام را زیر پا گذاشته که اینک مهندس موسوی می خواهد اصلاحات را اصلاح ارزشی کند؟ بدیهی است که آقای خاتمی پس از ۲ خرداد ۷۶ با حمایت وسیع و میلیونی مردم عملی منافی ارزش انجام نداده که جناح موسوم به اصولگرا و نهادها و جریانات تمامیت خواه تمام قد و با هر حربه و کارشکنی به مخالفت با وی و جریان اصلاحات برخاستند. به هر حال ابهامات موجود در گفتمانی که مهندس موسوی به دنبال طرح و ایجاد آن هستند بر ذهن بخش وسیعی از نیروهای اصلاح طلب و اصولگرا سایه انداخته و مهندس موسوی و گفتمان او را مانند تیغ دولبه ای که در یک سوی آن همدلی و استقبال از گفتمان سوم و پیوستن میانه روها به آن و در سوی دیگر آن عدم تمکین به گفتمان نوین و اصرار به بازی در زمین اصلاح طلب–اصولگرا قرار دارد، نموده است.

باید دید آیا اصلاح طلبان حاضر می شوند با لغزش به سمت گفتمان اصلاح طلبی اصولگرا حداقل برای ۴ سال آینده (و شاید هم برای همیشه) آتش گفتمان اصلاح طلبی که فعالان سیاسی ایران و از همه مهم تر ملت ایران ۱۲ سال هزینه ی نبرد یک سویه ی تمامیت خواهی بر علیه آن را پرداخت کرده اند و با وجود تمام مصائب و مشکلات هنوز نفسی برایش مانده را خاموش کنند؟ آیا دیگر ظرفیت حضور فعال فردی چون سید محمد خاتمی وجود ندارد؟

در چنین شرایطی برخی بر این باورند که فضای سیاسی ایران قفل شده و این زمین بازی یک طرفه به سود تمامیت خواهی می باید تغییر شکل دهد. اما آیا آنان حاضر خواهند شد دست از تمامیت خواهی بردارند و به گفتمان نوین مهندس موسوی تمکین کنند؟ آیا مهندس موسوی خواهد توانست علاوه بر اصلاح طلبان، نیروهای میانه رو حاکمیت را هم با خود همراه کند و آیا او همتی برای برخورد این ائتلاف بزرگ به رهبری وی با جریان تمامیت خواهی دارد؟

به نظر می رسد رکن رکین گفتمان سوم مهندس موسوی مبتنی بر ثبات و آرامش برای مدیریت بهینه ی کشور است. نگارنده بر این عقیده است که برای مدیریت بهینه کشور، برای توسعه ی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بزرگترین سد و مانع همانا تمامیت خواهی و تمامیت خواهان می باشند. حال اینکه مهندس موسوی چگونه می خواهد کشور را بدون التهاب و تنش و با آرامش و ثبات به سمت توسعه ببرد، جای سؤال است. می دانیم که برای توسعه کشور باید با جریان تمامیت خواه در تمام لایه ها مقابله نمود و برخی معتقدند که مقابله با این جریان کشور را وارد تنش و بحران می کند. آیا ثبات و آرامش مد نظر مهندس موسوی، بحران و التهاب مذکور را به تآخیر خواهد انداخت و یا اینکه آن را برای همیشه بلاموضوع خواهد نمود؟ و اما بلا موضوع شدن آن اتفاقات و تنش ها و توسعه ی کشور هم مطمئناً همزمان رخ نخواهند داد.

آیا در طی روزهای پیش رو گفتمان مهندس موسوی در برخود با تمامیت خواهی شدید تر خواهد شد و یا روند فعلی همچنان ادامه خواهد داشت؟ البته اتفاقات روزهای آینده در سرنوشت کشور بی تردید تأثیرات اساسی می نهد. خوب می دانیم که قاطبه ی مردم ایران رأی خود را در روزهای پایانی و با توجه به تبلیغات کاندیداها مشخص می کنند. در این میان گفتمان مبهم مهندس موسوی که تا به حال توان ارضأ حس نارضایتی بسیاری از فعالین سیاسی را نداشته، خواهد توانست حس نارضایتی فزاینده ی قاطبه ی مردم را به سمت مهندس متمایل کند؟

از سویی دیگر گفتمان نوین شیخ اصلاحات بیش از هر زمان دیگری اصلاح طلبان پیشرو، تحول خواهان و فعالین مدنی را غلغک می دهد و اعتمادها را به سمت وی بیشتر جلب می نماید. از سویی دیگر پایگاه رأی پیشینی کروبی، توان بالای وی در اقناع مردم عوام و استقامت و پایداری مثال زدنی وی در میان سیاستمداران ایرانی نیز به شانس های وی خواهد افزود.

باید دید در روزهای آینده سیر انتخاباتی کشور به چه سمتی می رود و موج های حمایت فعالین و نیروهای تأثیر گذار شفافیت شیخ، گفتمان و اطرافیان نوین، عملگرایی و شعار تغییر وی را در بر می گیرد و یا گفتمان سوم، اصلاح طلب– اصولگرایانه، تا حدودی مبهم و مبتنی بر ثبات و آرامش مهندس موسوی را پرو بال خواهد.

مهندس تبادار:
نباید اختلافات جزئی در دیدگاهها باعث شود تا اهمیت انتخابات ریاست جمهوری مورد غفلت قرار گیرد



سرنوشت کلان کشور در انتخابات ریاست جمهوری رقم می خورد و مردم باید در این عرصه حضوری فعال داشته باشند.

مهندس تبادار استاندار اسبق بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب ضمن بیان این مطلب افزود: در این شرایط حساس انتظار است که فعالان سیاسی، روشنفکران و روزنامه نگاران، دانشگاهیان و دانشجویان و علاقمندان به بهبود اضاع کشور، احساس مسئولیت کنند و نباید اختلافات جزئی در امور و دیدگاهها خصوصا در بین گروههای اصلاح طلب، باعث شود تا اهمیت و اصل موضوع، مورد غفلت قرار گیرد و بنابراین باید به سرعت به رفع موارد و اختلافات جزئی پرداخت و با توجه به وقت اندک باقی مانده، به سرعت در زمینه فعالیتهای انتخاباتی فعال شد تا فرصت بیش از این از دست نرود.

وی افزود: استفاده از حق دخالت در تعیین سرنوشت و حق انتخاب، امروز بهترین قدم در بهبود وضعیت کشور و پیگیری مطالبات اصلاح طلبانه است، عدم استفاده از این حق و بی تفاوتی و انفعال در عرصه انتخابات، نتیجه ای جز ادامه وضعیت کنونی و عقب افتادن مطالبات و اهداف اصلاح طلبانه مردم نخواهد داشت.

رئیس ستاد سفر خاتمی به بوشهر در ادامه افزود: آنچه در اردوگاه اصلاح طلبان اهمیت دارد، حضور آگاهانه و موثر آنان همراه با هوشیاری در صحنه انتخابات ریاست جمهوری است.

تبادار با اشاره به حضور دو کاندیدای اصلاح طلب در صحنه انتخابات گفت: آقایان کروبی و میرحسین موسوی هر دو از یاران انقلاب و ذخایر سیاسی کشور هستند، اما با توجه به شرایط موجود و اجماع نظری که از سوی گروههای اصلاح طلبان بر روی میرحسین موسوی بوجود آمده است و حمایت اکثر گروههای اصلاح طلب از ایشان، موفقیت ایشان یک فرصت ارزنده برای کشور است تا بتواند با اجرای برنامه های خود، در جهت رفع نیازها و برآوردن مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم گام بردارد و از ائتلاف منابع و سرمایه های اقتصادی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی جلوگیری نماید و این مهم تحقق نمی یابد جز با تحرک و حضور تاثیر گذار فعالان سیاسی و نخبگان فرهنگی و اجتماعی و دانشگاهی و احساس مسئولیت شهروندان آگاه کشور.

مهندس تبادار در پایان اظهار داشت: مدیریت و تجارب ارزنده میرحسین موسوی خصوصا در دوران دفاع مقدس و در هنگامه بحرانهای بزرگ در آن سالها و همچنین مواضع منطقی و واقع بینانه ایشان و صداقت رفتاری و گفتاری و همراهی و نزدیکی به دیدگاههای خاتمی، نکات مهمی است که گروههای اصلاح طلب را به سوی ایشان متمایل نموده و حمایت آنان را از مهندس موسوی سبب شده است.

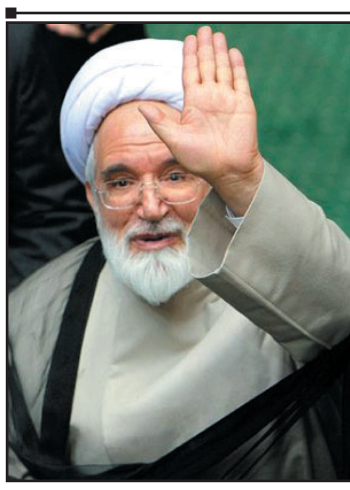
به علت بیماری دادگاه عطارزاده برگزار نشد

پس از اینکه شاکیان عطارزاده نماینده سابق بوشهر، برای محاکمه وی در دادگاه حاضر شدند، رئیس دادگاه اعلام نمود که وی تقاضای استمهال نموده و بدلیل مریض بودن درخواست برگزاری دادگاه در زمان دیگری را دارد.

محاکمه شکراله عطارزاده نماینده سابق بوشهر با شکایت ماشاءالله حیدرزاده، علی زینبی و ناصر باستی در شعبه ی ۷۶ دادگاه کارکنان دولت در تهران، در یکشنبه گذشته با حضور برخی از شاکیان یا وکلای آنان برگزار گردید که ریاست دادگاه پس از آغاز جلسه ی رسمی تشکیل دادگاه، با اعلام این که شکرالله عطارزاده به علت بیماری تقاضای استمهال نموده است، اعلام کرد زمان رسیدگی به این پرونده به آینده موکول شده است.

کروبی کجا ایستاده است؟

خسرو دهقانی



وقتی مهدی کروبی در آستانه ورود به دور دوم رقابتهای انتخاباتی ۱۳۸۴ پس از آن خواب کذایی، جایش با احمدی نژاد عوض شد، تصمیم گرفت مسیر آینده سیاست را حرفه ای تر انتخاب کند. به همین منظور تاسیس حزب و روزنامه و راه اندازی تلویزیون خصوصی را سرلوحه برنامه های خود ساخت. هر چند راه اندازی شبکه تلویزیونی با شکست مواجه شد؛ ولی مجوز حزب و روزنامه به راحتی در اختیارش قرار گرفت. کروبی که در جریان مجلس ششم به خاطر نوع کنش های سیاسی اش برای رتق فتق مسائل و مشکلات اصلاح طلبان به شیخ اصلاحات معروف شد، تلاش نمود تا با توجه به نوع معرفت و شناختش از مناسبات حاکم بر روابط قدرت، راه میانه ای را برای خود انتخاب کند. کروبی از یک سو مسیر خود را با انتقادهای تندش به اصلاح طلبانی که او آنها را تندرو خطاب می کرد، جدا کرد و از سوی دیگر حزب اعتماد ملی نیز بیش از آنکه به حلقه احزاب اصلاح طلب پیوند بخورد، مسیر تازه ای انتخاب کرد و بیشتر به چشم یک رقیب دیده شد. در حالی که شخصیت عمل گرای کروبی در پیوند با شیخوخیت مداری، ساده منشی، شوالیه صفتی، اعتراض های توام با جوش و خروش، رک گویی، مصلحت مداری و البته پیگیر حقوق مدنی عجین شده است؛ ولی بعد از کاندیداتوری کروبی از سوی حزب اعتماد ملی و به خصوص یارکشی فشرده اصلاح طلبان ، حلقه گرداگرد کروبی از شخصیت هایی شکل گرفت که حتا در مواردی احساس می شد با منش سیاسی او تباین دارد . در عین حال آمادگی جسورانه کروبی برای پذیرش افرادی چون عباس عبدی (واضع تز خروج اصلاح طلبان از حاکمیت) و عماد الدین باقی (فعال معروف حقوق شهروندی) و هضم و بازتولید حرف های آنها قابل تامل است. در واقع به همان نسبت که حلقه پیرامون میرحسین با پشتیبانی احزاب و تشکلهای سیاسی اصلاح طلب تنگتر می شود؛ حلقه پیرامون کروبی نیز به شخصیت های سیاسی و فعالان حقوق مدنی مزین شده است.

بیانیه سوم کروبی به خوبی نشان می دهد که تا چه اندازه کاراکتر پراتیک کروبی از بن مایه های تئوریک حلقه پیرامونی متاثر شده است . تمسک به مفاهیم استراتژیکی چون «حقوق بشر» و اختصاص بیانیه ای مجزا به آن، به تنهایی روایتگر عمق این تاثیر پذیری است. استراتژیست های حلقه کروبی با قبولاندن نوعی گفتمان مطالبه محور به او؛ به خصوص در زمینه حقوق و مطالبات مرتبط با زنان و جنبش دانشجویی ، اقوام و اقلیت های فرقه ای ، قومی و مذهبی ، تلاش دارند تا نوعی سیاست اقناعی را برای بسیج سیاسی بخش های خفته جامعه مطرح کنند. علاوه بر آن طرح شعارهایی نظیر تغییر برخی مفاد قانون اساسی و اصرار بر پذیرش نوعی اصلاحات ساختارگرا را نیز می توان در همین راستا ارزیابی نمود.

در هر انتخاباتی معمولا شعارها یا وعده هایی مطرح می شود. معمولا مردم و نیروهای سیاسی نیز فاکتورها و پارامترهایی را برای اعتماد به تحقق این شعارها در نظر می گیرند و از این طریق سعی می کنند خود را برای پیوستن به کمپین کاندیدای مورد نظر قانع کنند. بنظر مهمترین پارامتر در این زمینه ، به خصوص برای نیروها و فعالان آگاه سیاسی، تطبیق سرمایه سیاسی – اجتماعی کاندیدا با نوع شعارهایی است که مطرح می شود. سرمایه سیاسی یک نامزد در واقع همان ایستارها و ذهنیتی است که از پراتیک یا عمل سیاسی یک کاندیدا و همچنین میزان صداقت، موضع گیری ها، نوع تعامل با مناسبات قدرت ، رفتار و منش او در گذشته و امروز در مخیله شهروندان نقش بسته است. در واقع عنصر «اعتماد سازی» زاییده سرمایه سیاسی – اجتماعی است که در زمان انتخاب کاندیدا کارکرد موثری دارد. وقتی تحول خواهان و فعالان اصلاحات ساختاری برای تحقق آرمان خود به عبدا... نوری متوسل می شوند ؛ در واقع این تمسک جستن به شخص نوری نیست؛ بلکه رجوع به سرمایه سیاسی و اجتماعی اوست. به صحنه کشاندن خاتمی نیز استفاده مجدد از همین سرمایه بود. سرمایه سیاسی احمدی نژاد هنوز در برابر دیدگانمان رژه می رود. سرمایه میرحسین نیز مربوط به بیست سا ل قبل است. ذهنیت جامعه از عملکرد او تهی است . نحوه حضور و مهمتر از همه زمان حضورش نیز به عنوان یک علامت سوال در اذهان باقی مانده است. سرمایه سیاسی – اجتماعی کروبی هم پیش روی ماست و قطعا بخش زیادی از انگیزه حلقه پیرامونی وی در گرو همین سرمایه است . مروری بر عملکرد او نشان خواهد داد که او کجا ایستاده است؟

شکی نیست که گفتمان کنونی کروبی سطح اصلاح طلبی را ارتقا داده است ؛ به طوری که از اصلاحات تقلیل گرا به اصلاحات ساختار گرا نزدیک تر شده است . در اصلاحات تقلیل گرا یانه صحبت از تغییر در بیش و کم امور است . صحبت از جابجایی های همسطح و کم هزینه است . ولی در اصلاحات ساختار گرا صحبت از تغییر در برخی بنیانها و ساختارهای سیاسی و اقتصادی است که قطعا با تغییر در ساخت قدرت و به تبع آن تغییر در منافع می انجامد و بالطبع با تغییر در بیش و کم امور به سرانجام نمی رسد و مستلزم نوعی مصلحت گرایی توام با ایستادگی و آمادگی برای هزینه دادن است. اما سرمایه سیاسی – اجتماعی کروبی برای اقناع بخش های محرک سیاسی و اجتماعی با نوع مطالبات مطرح شده تا چه اندازه سنخیت دارد؟ آیا سرمایه او به میزانی هست که حس اعتماد را در اذهان به شدت مردد و وسواس زده برانگیزد؟ به نظر می رسد ، پس از خروج خاتمی، بدنه اصلاح طلبان جامعه در حال حاضر درگیر نوعی کلنجار رفتن با خود است که چه بکند و چگونه بر تردید هایش غالب شود. بدنه اجتماعی هواداران اصلاحات هنوز در شوک و ابهام به سر می برند. قطعا یکی از پرسشهای جامعه در این کلنجار رفتن ها هم همین است که آیا کارکتر کروبی پتانسیل اعتماد کردن به او برای محقق کردن به این سطح از مطالبات را دارد؟ می توان میان پاسخ به این پرسش ها و میزان اقبال از سیاست های اقناعی کمپین کروبی و نوع واکنش جامعه به آن نسبتی برقرار کرد و نتیجه را به آینده واگذار کرد. اما در حال حاضر گذشته از واکنش جامعه به گفتمان حلقه کروبی، باید گفت صرف حضور کروبی و طرح این نوع مطالبات و آن هم در یک ساخت حزبی، به خودی خود قطعا مثبت است؛ چرا که اولا سطح اصلاح طلبی را ارتقا می بخشد. ثانیا در اردوگاه مجاور، میر حسین را که میان دو صندلی نشسته است مجبور می کند به صندلی اصلاح طلبان نزدیک تر شود و مهمتر اینکه در فضای انتخاباتی که معمولا درهای حاکمیت اندکی باز تر می شود، می توان مطالبات عمومی جامعه را با صدایی صاف تر و رساتر بیان کرد.

در تایید این نظر سخنگوی حزب اعتماد ملی در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان در دانشگاه تهران در مورد احتمال دچار شدن مطالبات مطرح شده از سوی کروبی به سرنوشت اصلاح قانون مطبوعات در مجلس ششم و نوع موضع گیری کروبی در آن زمان گفته بود « هر کاندیدایی شعارهایی مطرح می کند که صرفا هم اجرایی نمی شود ولی می تواند قبح آن را در فضای جامعه بشکند».